

صنعت و کارآفرینی

نشریه خبری آموزشی و تحلیلی

۸۳ مهر، آبان و آذر ماه ۱۳۹۴

اقتصاد ایران مشاور خارجی می خواهد

- رونق صنعت و تولید با قانون اتفاق نمی افتد
- بخش خصوصی دولت و سرمایه گذاری خارجی
- محوری به نام «بنگاههای صنعتی»
- ارتباط میزان رضایت از زندگی با رشد یا ثبات اقتصادی
- تعطیلی صنایع جدید
- مفهوم «تحمل پذیری بدهی» چیست؟
- کاهش هزینه ها در واحد صنعتی؛ بایدها و نبایدها
- نگاهی بر فضای کسب و کار در دوران پساتحریم





CUSTOM DESIGN
 PRODUCTS

- ۱ دارنده گواهینامه صلاحیت پیمانکاری پایه یک رشته ارتباطات از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
 - ۲ دارنده تندیس طلایی رعایت حقوق مصرف کنندگان در شش دوره متوالی
 - ۳ واحد صنعتی نمونه کشور منتخب وزارت صنعت، معدن و تجارت
 - ۴ لوح تقدیر ارزشمند چهارمین دوره جایزه جهانی سازمان دانشی برتر "MAKE"
 - ۵ برترین واحد تحقیق و توسعه کشور منتخب وزارت صنعت، معدن و تجارت
 - ۶ تولیدکننده برتر جوان کشور منتخب جشنواره ملی مدیران و تولیدکنندگان جوان
 - ۷ صادرکننده نمونه حوزه ICT و دانش بنیان منتخب چهارمین جشنواره ملی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات (فاوا)
- ... و ۸

تنتھہ بابانا

تنتھہ بابانا



تولیدکننده کیک و کلوچه
بدون مواد نگهدارنده

مشهد، شهرک صنعتی توس، فاز یک، بلوار تلاش شمالی، ایمن تلاش ۶/۲ قطعه ۱۴۴
تلفن: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۲۸۳ - تلفن سازمان فروش: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۶۳۶ - فکس: ۰۵۱ ۳۵۴۱۰۹۵
www.shahrbabana.com



CHARTER 118

Online Ticket Sales System
www.charter118.ir

خرید آنلاین تمامی مسیرهای پروازی

مشهد / تهران / شیراز / کیش / اهواز / اصفهان / تبریز و ...
نجف / ترکیه / دبی

کیش : ۰۷۶-۴۴۴۶۸۰۷۰

مشهد : ۰۵۱-۳۸۴۷۳۶۱۰

تهران : ۰۹۱۰۶۶۶۱۱۸۲

پشتیبانی: ۰۹۱۵۲۰۶۱۳۲۰ / فکس: ۰۲۱-۸۹۷۷۳۳۴۵

آدرس : کیش / بازار سارینا / طبقه ۴ / واحد ۴۰۱



بلاغت



انجمن مدیران صنایع
شعبه خراسان

ماهنامه صنعت و کار آفرینی
نشریه خبری و آموزشی و تحلیلی
شماره ۸۳-مهر، آبان و آذر ماه ۱۳۹۴
قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

فهرست:

- سخن نخست/ ۲
بخش خصوصی دولت و سرمایه گذاری خارجی/ ۳
محوری به نام «بنگاههای صنعتی»/ ۴
ارتباط میزان رضایت از زندگی با رشد یا ثبات اقتصادی/ ۶
اقتصاد اروپا در سالی که گذشت/ ۸
انتشار تازه ترین گزارش صندوق بین المللی پول؛ اقتصاد ایران ۱،۳ درصد در ۲۰۱۶ رشد می کند/ ۹
برگزیده ای از سخنرانی های سومین همایش ملی توسعه پایدار/ ۱۰
۱۱ دلیل خانه نشینی در فصل کار؛ ناامیدی ۵۲۲ هزار نفر از یافتن شغل/ ۱۳
تحلیل مهدی عسلی از وضعیت سیاستگذاری و اجرای آن در ایران: اقتصاد ایران مشاور خارجی می خواهد/ ۱۴
چالش ها و راهکارهای سیاستهای صنعتی و تجاری برای توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد اشتغال/ ۱۶
اصلاح الگوی سرمایه/ ۲۰
تعطیلی صنایع جدید/ ۲۱
اقتصاد موج سوم/ ۲۲
در انتظار معجزه اقتصادی/ ۲۴
اقتصاد سالم در بدن سالم/ ۲۵
صنایع محصولات کانی غیر فلزی بالاترین سهم در بنگاههای صنعتی/ ۲۶
نبض مقصود همچنان می زند!!!/ ۲۸
کارآفرینان برتر و میلیاردرهای ایرانی خارج از کشور/ ۳۰
فاصله دستمزد در ایران با استانداردهای بین المللی/ ۳۳
مالزی مقصد رویایی کارآفرینان اروپایی/ ۳۴
دوران حبس، دوران رشد و تغییر همسو با پیشبرد اهداف صنعت کشور/ ۳۵
مردی که جای پایش ملی شد (کفش ملی)/ یادمان مردانی که کارآفریدند و ماندگار شدند/ ۳۶
مفهوم «تحمل پذیری بدهی» چیست؟/ ۳۸
کاهش هزینه ها در واحد صنعتی؛ بایدها و نبایدها/ ۴۰
نگاهی بر فضای کسب و کار در دوران پسانحریم/ ۴۴

هیات تحریریه:

فرامرز عسگری - امیر مهدی مرادی - اشرف بهنام پور

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
احمد اثنی عشری

شورای سیاستگزاری:

رضا حمیدی، محمد مهدی سیادت

حسین متین راد، فرامرز مرادی

جلیل افشار نژاد، حسن قاسمیان، عبدالمجید یزدانبخش و علیرضایی

طراح و صفحه آرا:

محمد حسن پنجه بند

مدیر روابط عمومی:

فرامرز عسگری

عکس:

وحید محبی فرد

ناشر:

انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان

نشر:

چاپ زمره

نشانی دفتر ماهنامه:

مشهد- بلوار شهید منتظری (تلویزیون)- نبش شهید منتظری ۷

مجتمع سایکو و قطعه سازان- طبقه ۲- انجمن مدیران صنایع شعبه خراسان

تلفن: ۱۴-۳۸۴۴۲۱۱ (۰۵۱)

فاکس: ۳۸۴۴۲۱۷ (۰۵۱)

وب سایت انجمن مدیران صنایع خراسان:

www.imakh.ir

Email: info@imakh.ir

نشریه صنعت و کارآفرینی آماده دریافت مقالات، ترجمه و گزارش های متخصصین و

همکاران گرامی می باشد.

* مسئولیت مطالب بر عهده نویسندگان است.

* هیات تحریریه در انتخاب و ویرایش مقالات آزاد است.

* استفاده از مطالب نشریه با ذکر ماخذ بلامانع است.



سخن نخست:

رونق صنعت و تولید با قانون اتفاق نمی افتد

برخلاف پیش بینی های داخلی و خارجی اعم از بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی، وزرای مرتبط اقتصادی و مدیران بانکها، اقتصاد کشور از رکود فرارفته و به بحران رسیده است. شرایط بازار، سرمایه، تولید، بازار مصرف وضعیتی بسیار نگران کننده را رقم می زنند و رکود بی سابقه ای را تجربه می کنیم. علت عمده این شرایط ریشه در محاسبات و برداشت های غلط اقتصادی دولتمردان دارد. خودشیفتگی مقامات اقتصادی، بهانه دادن به ناصیح دلسوزان و عالمان اقتصادی، باور نداشتن اینکه اقتصاد علم است و نمی توان آن را در قالب های معنوی و ارزشی سامان داد. مشارکت ندادن فعالان اقتصادی و تشکلهای تصمیم گیری ها، توزیع بسیار بد یارانه ها، مذاکرات و تصمیم گیری طولانی برجام و رفع تحریم ها و دهها دلیل دیگر علت بروز چنین شرایطی شده اند. اما امروز با این وضعیت چه باید کرد؟ آیا قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، قانون رفع موانع تولید، بسته های حمایتی، برنامه های خروج از رکود توانسته اند عمل شوند؟ بعید می دانم پاسخ بطور قاطع مثبت باشد. این قوانین حمایتی موثرند اما در بستری مناسب می توانند کارآمد باشند.

هنوز تکلیف اقتصادمان با اقتصاد جهانی مشخص نشده، سیاست بر کلیه رفتارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی علمی کشور سایه انداخته، به ترویج علوم اقتصادی در دانشگاه ها کمتر توجه می شود، کمتر از ۱۰۰۰ دانشجوی اقتصاد در مقابل ۲۳۵ هزار فارغ التحصیل رشته های مهندسی داریم، بدنه دولت بزرگ است و هزینه های هنگفتی برای حقوق و مزایای کارکنان فاقد بهره وری آن پرداخت می شود. نیروهای مولد جامعه که به هفت میلیون نفر هم نمی رسد باید منبع ارتزاق ۹۰ درصد مردم کشور باشند. یعنی به ازای هر ۱۰ نفر فقط یک نفر تولید کننده اعم از کارگر و کارآفرین واقعی وجود دارند. منابع مالی کمیابند و بانکها سیاست های انقباضی شدید در پیش گرفته اند، وضعیت آنقدر وخیم شده که چهار عضو کابینه دولت به رئیس جمهور هشدار می دهند و بحران آفرینی رکود و کاهش رشد اقتصادی سال جاری را در مقایسه با سال قبلی پیش بینی می کنند.

تجربه نشان داده قوانین زمانی کارآمد و موثر هستند که بستر آماده باشد. صنعت و تولید امروز نیازمند بستری آرام و امیدوار کننده است. در اقیانوسی متلاطم و طوفانی هدایت کشتی بسیار دشوار است اما این اقیانوس وقتی آرام می شود و تلاطم ها فرو می نشیند، ناخدا بسیار راحت کشتی را به بندر مقصود می رساند. صنعت و تولید آرامش می خواهد. پس از مذاکرات بسیار طولانی برجام و موضع گیری های برخی مقامات موثر حکومتی از یکسو و دلواپسان از سوی دیگر شرایط غیر قابل پیش بینی و ایستایی را ایجاد نموده که تصمیم گیری را برای کارآفرینان دشوار ساخته و سرمایه گذار داخلی و خارجی به تحلیل مناسبی از اوضاع دست نمی یابد. با رفع تحریم ها و باز شدن فضای اقتصادی، سرمایه ایرانیان خارج از کشور می توانند قابل توجه باشد و با یک عفو عمومی به آنان که نقش تخریبی برای کشور نداشته اند در بستر سازی ورود سرمایه ها کمک می کند.

آنان که امروز با دولت موافق نیستند و سرناسازگاری گذاشته و رفتارهایی را سازمانده می کنند که به زیان منافع ملی کشور است. بدانند توفیق مادر انسجام و کمک به یکدیگر برای بهبود اداره کشور است. گویی برخی کنار نشسته و آرزوی ناکامی دولت را دارند و بر این طبل می کوبند و برای اثبات ادعای خود از ایجاد هر مانعی دریغ نمی کنند و به جای آنکه ریشه ها را یافته و برنامه ای برای توفیق ارائه دهند، سعی در اثبات خود دارند. کشور نیاز به تدابیر و تصمیمات شجاعانه دارد و در مسیر محافظه کاری و روزمرگی و سپردن امور به تقدیر قطعاً توفیقی نخواهیم داشت.

احمد اثنی عشری - مدیر مسئول



بخش خصوصی دولت و سرمایه‌گذاری خارجی

حسین متین راد - رئیس هیات مدیره شرکت کار تن مشهد



بخش مورد نیاز سرمایه‌گذاری به خصوص در رشته‌هایی که در زمان تحریم، تضعیف شده است.

- توضیح و تبیین چگونگی رفع دغدغه‌های مورد اشاره
- پرداخت هزینه به‌عنوان محیط اصلی سرمایه‌گذاری برای تحریک تقاضای سرمایه‌گذاری
- سرمایه‌گذار خارجی حتماً می‌خواهد تولید رقابت‌پذیر داشته باشد، پس حتماً همه مولفه‌های اثرگذار در فرآیند سرمایه‌گذاری را باید داشته باشد، مثل: بانک خصوصی، بیمه خصوصی، قیمت‌گذاری رقابتی و... تمامی موارد مطرح‌شده فوق، محدودیت‌های خاص خود را دارد که بخشی از آن در قالب رتبه‌فضای کسب و کار تبیین می‌شود که متأسفانه رتبه خوبی نیست. از طرفی باید توجه داشت که گزارش کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل در سال گذشته میلادی نشانگر کاهش ۳۱ درصدی سرمایه‌گذاری خارجی و تقلیل آن به ۲،۱ میلیارد دلار است که علت عمده آن تحریم‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری در دنیا بوده است. آنچه رفت، شاید بخشی از توضیح اولیه شرایط کلان است اما ما برای استان به‌عنوان یکی از مناطق جذاب، بازار هدف مصرف و گردشگری چه برنامه‌ای داریم؟ آیا اسنادی که برای جذب سرمایه‌گذار به‌عنوان امکانات اطلاعاتی اولیه برای یک سرمایه‌گذار ضروری است، تهیه شده است؟

در استان ما یک واحد بزرگ صنعتی که بالغ بر ۵۰۰۰ نفر نیرو داشته باشد، نداریم. - سرمایه‌گذاری صنعتی بزرگ که مبنای ایجاد آن صرفه‌مقیاس باشد، نداریم. - سرمایه‌گذاری صنعتی بزرگ که ارزش افزودن در تمامی مراحل زنجیره تأمین حداکثری باشد، نداریم. - زیرساخت‌های اصلی تأمین گاز، برق، آب و... نداریم. - چشم‌انداز طراحی شده نداریم. - برای سال ۲۰۱۷ که قرار است مشهد به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شود، آمادگی نداریم. - بخشی از این آماده‌سازی می‌تواند برای نیازهای جذب سرمایه‌گذار در آینده مورد استفاده قرار گیرد، چه برنامه‌ای برای این مسأله داریم؟ - برای جذب سرمایه‌گذار یعنی بازاریابی برای فروش محصول، چه برنامه‌ای داریم؟ - نقش اتاق بازرگانی و تشکل‌های مدعی در چگونگی جذب سرمایه‌گذار چگونه است؟ - نقش نمایندگان حکومت در بسترسازی جذب سرمایه‌گذار چگونه است؟ من ناامید نیستم اما اگر خوش بین باشم، خاتمم.

آنچه بیش از هر نوع سفر هیأت‌های تجاری در شرایط فعلی که امیدوارم نتایج توافقی هسته‌ای زودتر به نتیجه برسد، ضرورت دارد اتخاذ سیاست مشخص دیپلماسی اقتصادی است. مولفه‌های اقتصادی جزئی از اهداف پنهان سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های سیاسی است. در واقع دیپلماسی اقتصادی برای ارتقاء سطح تعاملات تجاری مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی کشورها را تشکیل می‌دهد. حداقل از سال گذشته تاکنون بالغ بر ۱۰۰ هیأت و نزدیک به ۲۵۰۰ تاجر و فعال اقتصادی از کشورهای مختلف و در حدود ۹۰۰ تاجر و بازرگان در قالب گروه‌های مختلف و با مجوز سازمان توسعه تجارت در سفر بوده‌اند. افزایش حضور شرکت‌ها و هیأت‌های تجاری برای بازدیدها و کسب اطلاعات از وضعیت پساتحریم در ایران به گونه‌ای است که احتمالاً مدیران داخلی مرتبط در فرآیند حضور و بازدید، تغییر در برنامه خود را مستمراً داشته و دارند، به خصوص در حوزه بخش خصوصی که به پیش‌قراولی اتاق بازرگانی انجام می‌شود. رصد گزارش‌هایی که توسط موسسات معتبر خارجی و نیز گزارش‌های اقتصادی منابع داخلی، توسط علاقمندان به سرمایه‌گذاری در قالب هیأت‌های تجاری، پیش‌زمینه هر نوع مذاکره تجاری است. بهترین گزینه اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاری خارجی، شاخص‌های اقتصادی، شاخص‌های فضای کسب و کار، درجه ریسک و مشخصات بازار سرمایه و رشته‌های مورد نیاز سرمایه‌گذاری است. ضمناً شاخص‌های بورس و بازار سرمایه ما نیز یکی از مواردی است که حتماً به آن توجه خواهد شد. با این تفاوت که همه ظرفیت‌های اقتصادی مادر بورس معامله نمی‌شود. در هر حال ما به‌عنوان جامعه هدف سرمایه‌گذاری، شرایط مان چگونه و دغدغه‌هایمان در چه زمینه‌هایی است: - شرایط سیاسی - امنیتی - شرایط اقتصاد کلان - قوانین و مقررات - کارایی دولت - رتبه فضای کسب و کار - زیرساخت‌ها - نرخ ارز و چگونگی نقل و انتقال دارایی‌ها - مسائل مرتبط مالیاتی، مالی و بازار کار لذا تحریم‌های داخلی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی خوان مهمی است که نباید تسریع را با خوش بینی نتیجه گرفت. برنامه ما برای جذب سرمایه‌گذار چیست؟ طبیعتاً نقش سازمان جذب سرمایه‌گذاری خارجی (معاونت وزارت دارایی) بسیار تأثیرگذار است، ولی متأسفانه بعد از سال‌ها محدودیت در اینگونه روابط شاید تیم کارآموده‌ای برای برگزاری مراسم و رعایت الزامات آن نیاز اولیه‌ای باشد:

- زبان خارجی مورد نیاز در همه رده‌های فرآیند
- محیط و شرایط بازاریابی برای جذب سرمایه‌گذار
- فرآیند رابطه شفاف - تهیه اطلاعات کامل و جامع در



محوری به نام «بنگاههای صنعتی»

محسن خلیلی عراقی

کلام را با این عبارت درخشان از دانشمند برجسته مایکل پورتر آغاز می‌کنم: «رونق و آبادانی کشورها موروثی نیست، ایجاد کردنی است. برخلاف باور اقتصاددانان کلاسیک، آبادانی حاصل مواهب و داشته‌های طبیعی کشورها، همچون نیروی کار ماهر، نرخ بهره و ارزش پول ملی هم نیست. توان رقابتی یک کشور بستگی دارد به توان و ظرفیت نوآوری در صنایع آن و بهبود بخشیدن به وضعیت صنعت، مزیت بنگاهها در رقابت با رقیبان دیگر و تلاش و کوشش برای پیش افتادن از بهترین رقیبانشان در جهان.»

همواره بر این باور بوده‌ام که پیشرفت و تحول در صورتی اتفاق می‌افتد که از سلسله امکاناتی زیر بنایی برخوردار باشیم و بتوانیم این امکانات را به درستی با هم پیوند دهیم.

این امکانات زیر بنایی از بعد انسانی «فرهنگ» محسوب شده و از بعد فیزیکی کارهای گسترده زیر بنایی اند که در کشورمان به میزان قابل توجهی صورت پذیرفته‌اند و البته وجود مولفه‌های اقتصاد کلان مناسب و فضای کسب و کار پیش برنده ضروری است که در این حوزه‌ها با ضعف‌ها و موانع بسیاری مواجه ایم. اما آنجا که این همه با هم به زیبایی در هم می‌آمیزند و محصولی ارزشمند خلق می‌کنند، عرصه «بنگاههای اقتصادی» است. بر این اساس تا شرایط در این عرصه و اقتصاد خرد مساعد نباشد، اصلاحات سیاسی و اقتصادی در سطح کلان به بار نخواهند نشست، چراکه به گفته پورتر، این بنگاهها هستند که در صنایع جهانی با هم رقابت می‌کنند و نه کشورها - امری که خوشبختانه امروز مورد قبول و تاکید دولتمردان کشورمان قرار گرفته است.



● مصایب کلان و شوک تحریم

تحریم‌های اقتصادی اگر چه تاثیر بسیاری در فضای اقتصادی کشور و فعالیت بنگاههای اقتصادی نهاده‌اند، اما همان طور که در گزارش «بسته سیاسی دولت برای خروج از رکود تومی» آمده، نقش این عامل شوک آور بوده و اقتصاد ایران پیش از آن نیز به واسطه مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات نادرست، وضعیت نامناسب و نامساعدی داشته است، چنان که در مورد صنعت، به واسطه مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات نادرست، وضعیت نامناسب و نامساعدی داشته است، چنان که در مورد صنعت، به واسطه تثبیت نرخ ارز در شرایط تورمی در مقابل افزایش

هزینه‌های تولید و قیمت محصولات تولیدی، قدرت رقابت صنایع داخلی در مقابل صنایع خارجی کاهش شدیدی یافته بود. همچنین به دلیل کاهش نرخ حقیقی ارز در طول چند سال و ارزان تر شدن نسبی کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی، واردات به سرعت افزایش یافته و در آستانه و شروع تحریم‌ها به اوج خود رسیده است. بر این اساس و در بستر مجموعه بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان، تحریم‌ها نقش شوک را بر اقتصاد ایفا کرده و چنان شد که می‌دانیم: کاهش رشد اقتصادی به منفی ۵٫۸ درصد در سال ۹۱ و تنزل رشد ارزش افزوده بخش صنعت به منفی ۱۰ درصد و سقوط رشد اشتغال صنعتی به منفی ۳۶ درصد.



● استراتژی توسعه صنعتی

اگر یک روز سخن این بود که «صنعت» محور توسعه است و در دوره‌ای نیز چنین شد و دستاوردهای بس ارزشمندی به یادگار گذاشت (رشد دورقمی صنعت در برنامه سوم توسعه) امروز می‌توانیم این سخن را محور قرار دهیم که «بنگاههای صنعتی» محور توسعه اقتصادی اند و سیاست‌های کلان دولت باید در راستای رویش و ریزش منطقی بنگاههای اقتصادی در فضایی رقابتی باشند، چرا که تا بنگاههای صنعتی و اقتصادی ما بالغ نشوند، صنعت و اقتصاد ما بزرگ نخواهند شد. ابزار این کار همکاری و تعامل فعالان اقتصادی است تا در قالب نهادها و تشکلهای و با استفاده از خرد جمعی و در سایه تفاهم، همدلی و همکاری با یکدیگر و با دولت، امکان توسعه اقتصادی و صنعتی کشور را فراهم نمایند.

در این میان، اما یک حلقه مفقوده مهم و ضرورتی حیاتی برای برون رفت از بحران‌های موجود در قالبی پایدار در حوزه صنعت کشور وجود دارد و آن نبود «نقشه راه» برای توسعه صنعتی کشور است که به «استراتژی توسعه صنعتی» مشهور است. به نظر می‌رسد زمان حاضر فرصت بسیار مغتنمی است تا پیش از حل مشکل تحریم‌ها و هجوم دلارهای نفتی بدانیم که اصولاً از صنعت کشور چه می‌خواهیم و آیا صحیح است در کشوری که همواره با تنگنا و نامطمئن بودن (درآمدهای نفتی) مواجه است سرمایه‌های محدود را در بیش از

یکصد رشته صنعتی پخش و در نتیجه کم‌اثر کنیم؟

استراتژی توسعه صنعتی می‌تواند راهگشای ما علاوه بر اولویت بندی رشته‌های صنعتی برای تخصیص بهینه منابع، چراغ راه سایر بخش‌های اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی باشد که بدانیم چه نوع جامعه‌ای و چه نوع رفتاری را در رابطه با کشورهای جهان می‌خواهیم و همچنین چه کارهایی باید انجام دهیم تا به مطلوبمان برسیم.

در این چارچوب می‌توان سال آینده و سالهای بعد تر را در صورت استفاده صحیح از امکانات موجود و بهره برداری از سرمایه‌های اجتماعی، برای بخش خصوصی کشور روشن ارزیابی کرد.

با توجه به آگاهی دولت و جامعه از ضرورت توسعه غیر نفتی و متکی به اقتصاد پویا و مولد و با محوریت بخش خصوصی واقعی و اصیل کشور، احتمال تحقق آن دو چندان خواهد بود.

در کنار این وضعیت کوتاه مدت، اقتصاد کشورمان نه فقط در یک دهه اخیر، بلکه حتی قبل از آن و طی ۵ تا ۶ دهه تاریخ معاصرمان وضعیت مطلوبی نداشته است، چنان که طبق یکی از گزارش‌های ستاد برنامه ششم توسعه، از سال ۱۳۵۳ تا کنون به طور مستمر نرخ تورم بالا و دورقمی بوده است. همچنین نرخ رشد تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران نوسانی بوده و از سال ۱۳۷۲ روندی کاهشی داشته و نرخ بیکاری نیز همواره بالا و رشد بهره‌وری کل، همواره ضعیف و نزولی بوده است.

بر این اساس و با آگاهی از این که اقتصاد ایران در دردی مزمن و تاریخی و در ساختاری نفتی، دولتی و بسته گرفتار است، شاید بتوانیم درباره آینده صنعت در افق نزدیک و به خصوص بنگاههای کوچک و متوسط صنعتی که عمدتاً خصوصی اند، سخن بگوییم. از بین سناریوهای «ادامه وضعیت موجود» و تغییر وضعیت و در راستای سیاست‌های انبساطی «و سایر سناریوهای ممکن» تغییر وضعیت با اجرای سیاست اصلاح ساختارها «را اگر چه دشوار، اما ممکن و مطلوب می‌دانیم. در این سناریو، دولت ضمن تداوم راهی که در یک سال اخیر در راستای حل مساله هسته‌ای و مذاکره با قدرت‌های جهانی و همچنین اجرای سیاست‌های انضباط مالی و پولی و تلاش برای بهبود فضای کسب و کار و نشانه گرفتن تورم پیموده، باید از سرمایه اجتماعی خود در راستای کاهش هزینه‌ها و ارتقای بهره‌وری استفاده کند، چرا که هنوز منابع بسیاری در اقتصاد کشورمان وجود دارند که در صورت جهت‌دهی صحیح به آنها و تعیین اولویت‌ها می‌توان از تهدید تحریم، فرصت ساخت.

استقرار عدالت مالیاتی از طریق شناسایی منابع جدید و نامشهود درآمدی و کاهش فشار بر واحدهای صنعتی و تولیدی از جمله این راهکارها خواهد بود. تسریع فرآیند آزادسازی اقتصادی و ایجاد رقابت و جلوگیری از مداخلات اداری دستگاههای دولتی و سامان دهی طرح‌های نیمه تمام که دارای توجیه اقتصادی - فنی نیستند و اجرای کامل لایحه حمایت از تولید که امید است تا سال آینده کار قانونی شدن آن تمام شده باشد از جمله اقداماتی اند که می‌توان با اجرای آنها در روزگار دشوار امروز، امکان رونق و پیشرفت را در فضای اقتصادی و صنعتی کشور و بنگاههای کوچک و متوسط انتظار داشت.



ارتباط میزان رضایت از زندگی با رشد یا ثبات اقتصادی

در اروپا رفاه را بر اساس عواملی فراسوی "تولید ناخالص داخلی" می‌سنجند و پارامترهایی مثل استاندارد زندگی، خانواده و زندگی اجتماعی را در نظر می‌گیرند. تصویری که به این ترتیب به دست می‌آید، پیشرفت هر کشور را بهتر نشان می‌دهد. در این داده‌ها، هم شاخص‌های عینی وجود دارد و هم شاخص‌های ذهنی مثلاً میزان رضایت از زندگی.

● اما شادی و رضایت‌مندی را چگونه اندازه می‌گیرند؟ ابتدا باید تولید ناخالص داخلی سرانه کشور خود را محاسبه کنید. بعد ببینید عمر متوسط و وضعیت سلامتی در جامعه تان چطور است، یعنی افراد جامعه چقدر بدون اینکه مرضی سختی برایشان پیش بیاید عمر می‌کنند. مرحله بعد میزان حمایت اجتماعی از شماست. یعنی دوستان و خویشاوندانتان در وقت خوشی و ناخوشی چه قدر از شما پشتیبانی می‌کنند؟ سپس ببینید میزان فساد اداری در کشور شما چه قدر است؟ آیا مانع پیشرفتتان می‌شود؟ سخاوتمندی هم به همان میزان مهم است. خود شما یا هم شهری‌هایتان چه قدر خودخواه هستند یا نیستند؟ و در آخر آیا برای تصمیم‌گیری‌های اساسی در زندگی تان آزاد هستید؟ نتایج را با هم جمع می‌کنید و احساس خودتان نسبت به زندگی را هم در نظر می‌گیرید. این داده‌ها طی مصاحبه با نمونه افراد جامعه بر اساس مقیاسی موسوم به کانتیریل گردآوری می‌شود. یعنی از هر کس می‌پرسند که از یک تاده چه نمره‌ای به معیار مورد نظر می‌دهند و انتظار دارند پنج سال بعد چه نمره‌ای بدهند. در نهایت، این داده‌ها میزان شادی شما را به دست می‌دهد.

● دستورالعمل هلند برای زندگی شاد افراد جامعه هلند یکی از پنج کشور اول دنیا، از نظر شادی مردم و رضایتشان از زندگی است. دستورالعمل هلند به‌یاد برای میزان رضایت و خوشحالی چیست؟ سرانه تولید ناخالص ملی هلند یکی از بالاترین تولیدهای سرانه ملی در سراسر اروپاست. این کشور پس از لوکزامبورگ دوم است. برابری زن و مرد، انعطاف در ساعات کار، توازن بین کار و زندگی: دستورالعمل هلند برای رسیدن به شادی، برقراری توازن همه زمینه‌هاست. در این کشور ۷۵ درصد مادران جوان کار پاره‌وقت دارند و حتی برخی از پدرها. دولت از این انعطاف در ساعات کار حمایت می‌کند تا والدین بتوانند وقتی را که باید در خانه بگذرانند، بهتر سازماندهی کنند.

● گفتگو با یکی از پیشگامان اقتصاد مرتبط با شادی طبق گزارش سازمان ملل در باره رضایت‌مندی، اروپاییان در وضع خوبی به سر می‌برند و انتظار می‌رود این وضعیت تا گزارش بعدی که در بهار سال جاری میلادی منتشر خواهد شد، برقرار بماند. پروفیسور لرد ریچارد لیارد، یکی از نویسندگان گزارش سازمان ملل درباره شادی است. با گفتگوی ایشان رادری می‌خوانیم.





● شادی را چه طور تعریف می کنید؟ شادی احساسی است درونی یا واقعیتی است بیرونی؟

پروفسور لرد ریچارد لیارد: «البته شادی صد درصد یک احساس است. اما می توان آن را اندازه گرفت، می توانیم از مردم پرسیم که چه احساسی دارند و چقدر از زندگی شان راضی هستند. می بینیم که جوابهای آنها واقعیت دارد. می بینید در خیلی از کشورها مثلاً ایالات متحده آمریکا و آلمان میزان این شادی طی دورانی طولانی تغییر نکرده است، گرچه سطح زندگی خیلی بالا رفته و بهتر شده است.»

● آیا این واقعیتها آنقدر جدی هستند که در سیاستگذاری های کلان نقش داشته باشند؟

پروفسور لرد ریچارد لیارد: «فکر می کنم این چیزی است که بیش از هر همه، از سیاستگذاران خواسته می شود. بریتانیا اولین کشوری است که میزان شادی اجتماعی را اندازه می گیرد و به نظرم، تمام کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه هم این کار را می کنند. خانم مرکل گفته است که می خواهد سیاستها را بر روی «آن چه برای ما اهمیت دارد»، متمرکز کند که البته بدین معناست که سیاستگذارها در حال حاضر به این چیزهای مهم توجه نمی کنند.»

● فکر می کنید در اروپا همه پارامترها را زیر نظر داریم؟

پروفسور لرد ریچارد لیارد: «سلامت روانی باید یکی از ستونهای سیاستهای اجتماعی باشد و لازم است در زمینه سلامت اجتماع بین سلامتی جسمی و سلامتی روانی توازن برقرار کنیم. چنین توازنی در حال حاضر در هیچ جای دنیا برقرار نیست. اگر نظری بیاندازید به چیزهایی که منجر می شود در بزرگسالی از زندگی تا احساس رضایت کنید، می بینید که احتمال رضایت از زندگی کسی که در مدرسه نمره های خوب می گیرد و درش خوب است، کمتر از کسی است که از نظر احساسی سالم است. مهمترین عامل برای پیش بینی میزان رضایت از زندگی، سلامتی احساسی (روانی) در دوران کودکی است و نه میزان موفقیت درسی. بنابراین لازم است کلا دیدمان را نسبت به اولویتهای اجتماعی موجود تغییر دهیم و سعی کنیم افراد شادتری داشته باشیم.»

● فکر می کنید در فضای اقتصادی امروز اروپا این کار شدنی است؟

پروفسور لرد ریچارد لیارد: «بله صد درصد. ببینید هنوز پول خیلی زیادی در اروپا خرج می کنیم و نیاز به باز توزیع پول برای چیزهایی داریم که واقعا برای مردم مهم است.»

● معیارهای اقتصاد مرتب با میزان رضایتمندی و شادی افراد جامعه در اروپا

در اروپا بزرگترین نگرانی درباره رفاه فردی، مسئله بیکاری است. البته این نگرانی طی چند ماه گذشته کاهش یافته است. درباره وضع اقتصاد و مهاجرت هم نگرانی وجود دارد. جالب است که مهاجرت مستقیمان به اقتصاد مربوط نمی شود، اما سومین نگرانی عمده در اروپاست. درباره امنیت اجتماعی، سلامتی، کسری بودجه و حتی تورم هم نگرانی وجود دارد. آیا اقتصاد شادی تمام اینها را در بر می گیرد؟

شهر رتردام پایتخت شادی است. عده ای از دانشجویان و استادان دانشگاه اراسموس رتردام درباره ارتباط اقتصاد و خوشحالی ملل مختلف تحقیق می کنند. طبق یکی از بررسیهایی که اخیراً انجام شده است، بین رشد تولید ناخالص

شرایط اجتماعی لازم برای شادی، توسعه یافتگی اقتصادی است و آزادی — آزادی خیلی مهم است — و برابری، اطمینان به یکدیگر در جامعه. هر جا این اطمینان نسبت به افراد دیگر وجود دارد، شادی مردم هم بیشتر است. اینها، بطور خلاصه، مبین های اجتماعی شادی هستند، یعنی عواملی که موجب شادی مردم می شوند

ملی و میزان شادی افراد کشورهای مختلف، رابطه مستقیم وجود دارد. بعلاوه، میانگین میزان شاد بودن افراد در کشورهایی که بیشترین رشد اقتصادی را داشته اند، بیشتر بوده است.

روت و ونهون، استاد دانشگاه اراسموس رتردام می گوید: «گر سراسر کشورها را با هم مقایسه کنید، فقط درآمد مهم است. اگر افراد را داخل کشورها با هم مقایسه کنید، میزان مطلق درآمد مهم نیست، بلکه تفاوت درآمد مهم است. حتی در کشورهای فقیر، فقر کمتر نسبت به بقیه می تواند مایه خوشحالی باشد.»

وی می افزاید: «شرایط اجتماعی لازم برای شادی، توسعه یافتگی اقتصادی است و آزادی — آزادی خیلی مهم است — و برابری، اطمینان به یکدیگر در جامعه. هر جا این اطمینان نسبت به افراد دیگر وجود دارد، شادی مردم هم بیشتر است. اینها، بطور خلاصه، مبین های اجتماعی شادی هستند، یعنی عواملی که موجب شادی مردم می شوند.»

رابرت دور، استاد اقتصاد دانشگاه اراسموس هم می گوید: «در گذشته تأکید بر رشد اقتصادی بود، یعنی تولید ناخالص ملی. اما امروز کشورهای بیشتری توجهشان را به شادی و رضایت از زندگی معطوف می کنند. البته نباید تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی را فراموش کرد. به نظر من شادی چیز دیگریست که باید در کنار رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی در نظر داشت یعنی باید دیدگاهی باز داشته باشیم.»

● ارتباط شادی و رشد اقتصادی

ژان پل فیتوسی یکی دیگر از پیشگامان حوزه اقتصاد شادی است وی در کمیسیونی که در سال ۲۰۰۹ برای ارتباط شادی و اقتصاد تشکیل شد، حضور داشته است. آقای فیتوسی معتقد است که شادی مفهومی ذهنی است، اما کیفیت زندگی مفهومی عینی و واقعی است. با وی در مورد ارتباط شادی و رشد اقتصادی گفتگو می کنیم.

● آیا معیارهای اقتصادی همه جنبه ها را پوشش می دهد؟

ژان پل فیتوسی: «شادی ذهنی است و به فرد بستگی دارد. اما رفاه و کیفیت زندگی، مفهومی عینی است. البته پول یک نشانه است. اما سلامتی و بهداشت هم مطرح است، همینطور شغل خوب. برای اینکه می دانیم هزینه بیکاری خیلی بیشتر از مقدار درآمدی است که در اثر بیکاری از دست می رود.»

● فکر نمی کنید اینها در حال حاضر بیشتر یک شعار باشد؟

ژان پل فیتوسی: «خوب همیشه شعار هست. دولت نمی فهمد که چرا در انتخابات شکست می خورد و مردم چه احساسی دارند؟ مرتب از بازگشت به رشد اقتصادی حرف می زند، ولی اگر بیشتر مردم تأثیر مشخص این رشد را در زندگی شان نبینند، فکر می کنند که یا دروغ می شنوند، یا سیاستهای اتخاذ شده فقط به درد پولدارها می خورد. حتی دولتها هم خواهان رشد اقتصادی ای که فایده اش به یک درصد جمعیت برسد، نیستند زیرا نتیجه اش حتما شکست در انتخابات بعدی خواهد بود.»

● پس چگونه می توان نابرابری ها را کاهش داد؟

ژان پل فیتوسی: «به رشد اقتصادی نیاز است. مردم به درآمد و رشد اقتصادی نیاز دارند. اگر در اقتصاد سبزی و در فناوریهای نوین محیط زیست سرمایه گذاری کنید، طبق تعریف درآمد شما توزیع می شود. تضاد در این نمی بینم که در این وضعیت خواهان رشد اقتصادی شویم، زیرا این رشد اکثریت جامعه را در بر می گیرد.»



اقتصاد اروپا در سالی که گذشت

یک سال پس از آغاز برنامه «اقتصاد واقعی» آیا تغییری در وضعیت سلامت اقتصادی اروپا بوجود آمده؟ آیا نشانه‌هایی از بهبود دیده می‌شود؟ در این مجال بناداریم استراتژی‌های رشد و چشم‌انداز اقتصادی اروپا را بررسی کنیم. اتحادیه اروپا با چهار میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۵۰۳ میلیون، بعد از چین و هند پرجمعیت‌ترین در دنیاست. هفت درصد جمعیت دنیا ساکن قاره سبزند و لذا حجم مبادلات تجاری اروپا در دنیا مهم است. البته دوسوم این مبادلات در داخل اتحادیه صورت می‌گیرد. بنابراین روابط بین کشورهای عضو هم از این حیث از اهمیت بالایی برخوردارند.

منطقه پولی یورو به تنهایی، بعد از ایالات متحده آمریکا، دومین اقتصاد بزرگ تک ارزی در سطح دنیاست. وقتی پای صادرات هم به میان می‌آید باز هم برگ برنده دست منطقه پولی یوروست. کشورهای دیگر اتحادیه اروپا را به منطقه پولی یورو اضافه کنید تا قدرت تولیدی اروپا برایتان مشخص شود و متوجه شوید سلامت اقتصادی قاره سبز نه تنها برای ساکنان آن که برای کل دنیا، اهمیت زیادی دارد.

اما آیا وضعیت اقتصادی نسبت به سال گذشته بهتر شده است؟ آیا تدابیر اتخاذ شده توسط دولت‌ها و موسسات اروپایی و بین‌المللی منجر به نتایج مورد نظر شده‌اند؟ در یک جمله، آیا آسمان اقتصادی اروپا آفتابی شده یا همچنان خطر آنرا تهدید می‌کند؟ ولف گانترا، مدیر اتاق فکر اروپایی (Bruegel) در این باره معتقد است: «وضعیت اقتصادی نسبت به سال گذشته اندکی بهبود پیدا کرده که البته خیلی چشمگیر نیست. روی کاغذ مثل اوایل سال گذشته شاهد پایان رکودیم که نشان از بهتر شدن وضعیت دارد اما نرخ بیکاری همچنان خیلی بالاست و میزان شغل آفرینی محدود بوده است. اگر تلاش‌های آلمان را در نظر بگیریم باید بگوییم که شغل آفرینی در بقیه کشورها در حد صفر بوده است.»

کسری بودجه، حتی در آن دسته از کشورهایی که از بحران آسیب زیادی دیدند هم، تحت کنترل درآمده است. اما برای رسیدن به این نقطه هزینه زیادی پرداخت شد: بدهی‌های دولتی افزایش یافتند، تقاضاهای داخلی سقوط قابل توجهی کردند و فاصله طبقاتی و فقر هم تشدید شد. نرخ بیکاری هم هنوز خیلی بالاست.

بنابراین باید ویتامین بیشتری به اقتصاد تزریق کنیم. بخشی از این انرژی مربوط به سیاست‌های پولی می‌شود و بنابراین بانک مرکزی اروپا باید تلاش بیشتری داشته باشد و مثلاً اوراق قرضه بیشتری از دولتهای منطقه یورو بخرد. اما بخشی از این مسئله

مربوط به سیاست‌های مالیاتی است و باید روی محرک‌های اقتصادی منطقه یورو، بویژه در آلمان سرمایه‌گذاری بیشتری صورت بگیرد.

افزایش رقابت‌پذیری در برخی کشورهای حاصل نشده مگر با کاهش هزینه‌های تولید. اما برای بهبود وضعیت کلی تولید باید در بخش‌هایی نظیر آموزش، پژوهش و نوآوری هم سرمایه‌گذاری شود. همه اینها در شرایطی است که وزن بدهی‌ها، قدرت مانور را محدود کرده است.

ورزش، تغذیه و حتی سفر، حوزه‌هایی هستند که نوآوری در آنها قدرت مانور دارد. اگر اروپا دنبال آینده‌ای باثبات است باید به علم و دانش توجه و روی اقتصاد سبز سرمایه‌گذاری کند.

باید به این تلاش‌ها یکسری تدابیر ویژه را هم اضافه کنیم. یکی به فعالیتهای تحقیقاتی و نوآرانه مربوط می‌شود و دیگری به استفاده از کارگران ماهر و آموزش دیده. این یک برنامه کلی است که در موفق شدن یا نشدن یک منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

برای این منظور صندوق توسعه منطقه‌ای اروپا طی پنج سال گذشته حدود ۸۵ میلیارد یورو به حوزه نوآوری اختصاص داد. این رقم در سال ۲۰۲۰ به صد میلیارد یورو می‌رسد که در خدمت نوآوری، پژوهش، خدمات دیجیتال و کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط بازرگانی خواهد بود.



انتشار تازه ترین گزارش صندوق بین المللی پول؛

اقتصاد ایران ۱,۳ درصد در ۲۰۱۶ رشد می کند



براساس این گزارش، بالاترین نرخ رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا متعلق به قطر و مراکش است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی این دو کشور که به ترتیب در سال ۲۰۱۴ معادل ۶,۱ و ۴,۱ درصد بوده در سال جاری میلادی به ترتیب معادل ۷,۱ و ۴,۴ درصد پیش بینی شده است.

لیکن پیش بینی می شود نرخ رشد اقتصادی عراق در سال ۲۰۱۶ از این دو کشور پیشی گرفته و با تجربه ۷,۶ درصد نرخ رشد تولید ناخالص حقیقی، بالاترین نرخ رشد در منطقه را تجربه کند.

نرخ رشد تولید ناخالص حقیقی قطر و مراکش در سال میلادی آینده به ترتیب معادل ۵,۵ و ۵ درصد خواهد بود.

نرخ رشد اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۵ معادل ۲,۹ و در سال ۲۰۱۶ معادل ۳,۸ درصد پیش بینی شده است. این در حالی است که نرخ رشد اقتصادی کشورهای مشترک المنافع در سال ۲۰۱۴ منفی خواهد بود و اقتصاد این منطقه ۲,۶ درصد کوچک خواهد شد لیکن این کشورها در سال ۲۰۱۶ رشد اندکی را تجربه خواهند کرد.

● نرخ رشد اقتصادی آمریکا

رشد اقتصادی شمال قاره آمریکا در سال میلادی جاری و آینده معادل ۳ درصد پیش بینی شده و این در حالی است که اقتصاد کشورهای واقع در جنوب قاره آمریکا در سال ۲۰۱۵ اندکی کوچک خواهد شد و در سال آینده رشدی معادل ۱,۳ درصد را تجربه خواهند کرد.

صندوق بین المللی پول پیش بینی می کند، نرخ رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا از ۲,۴ در سال ۲۰۱۴ به ۳,۱ در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ برسد.

● نرخ رشد کشورهای پیشرفته آسیا

رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته آسیایی شامل ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، تایوان، سنگاپور، هنگ کنگ و نیوزیلند در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۲,۲ و ۲,۴ درصد پیش بینی شده است.

● بر اساس تخمین صندوق بین المللی، اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ رشد بیشتری را تجربه می کند و در عین حال نرخ تورم در این سال افزایش می یابد. این نهاد بین المللی رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۱۶ را ۱,۳ درصد و نرخ تورم در این سال را ۱۷ درصد پیش بینی کرده است. نرخ بیکاری ایران برای سال ۲۰۱۶ نیز ۱۳,۲ درصد و میزان تراز حساب های جاری معادل ۱,۲ درصد تولید ناخالص داخلی پیش بینی شده است

صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش خود رشد اقتصادی و نرخ تورم ایران برای سال جاری میلادی را به ترتیب ۰,۶ درصد و ۱۶,۵ درصد برآورد و پیش بینی کرد اقتصاد ایران در سال آینده رشد ۱,۳ درصدی داشته باشد. مشروح جدیدترین گزارش صندوق بین المللی پول از سلسله گزارش های «چشم انداز اقتصادی جهان» که به بررسی شاخص های اقتصادی کشورهای جهان از جمله ایران می پردازد، منتشر شد.

صندوق بین المللی پول در این گزارش رشد اقتصادی ایران برای سال جاری میلادی را ۰,۶ درصد پیش بینی کرده است. در حالی که صندوق بین المللی پول رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۱۴ را در گزارش پیشین خود ۱,۵ درصد برآورد کرده بود اما در این گزارش رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی اصلاح و ۳ درصد اعلام شده است.

بر اساس این گزارش، نرخ تورم ایران در سال ۲۰۱۵ میلادی نسبت به سال گذشته افزایش می یابد و به ۱۶,۵ درصد خواهد رسید. در این گزارش، رقم اعلام شده صندوق بین المللی پول برای نرخ تورم در سال گذشته میلادی ۱۵,۵ درصد است. بر اساس پیش بینی این نهاد بین المللی نرخ بیکاری ایران در سال جاری میلادی به ۱۲,۳ درصد خواهد رسید که نسبت به سال قبل افزایش خواهد داشت. بیکاری ایران در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۱۱,۲ درصد اعلام شده است.

همچنین پیش بینی شده است، تراز حساب های جاری ایران در سال ۲۰۱۵ به معادل ۰,۸ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور برسد، رقمی که برای سال گذشته میلادی ۳,۸ درصد برآورد شده است.

بر اساس تخمین صندوق بین المللی، اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ رشد بیشتری را تجربه می کند و در عین حال نرخ تورم در این سال افزایش می یابد. این نهاد بین المللی رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۱۶ را ۱,۳ درصد و نرخ تورم در این سال را ۱۷ درصد پیش بینی کرده است. نرخ بیکاری ایران برای سال ۲۰۱۶ نیز ۱۳,۲ درصد و میزان تراز حساب های جاری معادل ۱,۲ درصد تولید ناخالص داخلی پیش بینی شده است.

صندوق بین المللی پول اضافه کرد، براساس این پیش بینی ایران همچنان پس از سودان بالاترین نرخ تورم در خاورمیانه و شمال آفریقا را دارد و شاخص قیمت مصرف کننده آن در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ترتیب ۱۶,۵ و ۱۷ درصد خواهد بود.

ایران در کنار مصر، سودان و تونس، یکی از بالاترین نرخ های بیکاری در خاورمیانه و شمال آفریقا خواهد داشت و نرخ بیکاری آن در سال میلادی جاری ۱۲,۳ و در سال میلادی آینده ۱۳,۲ درصد پیش بینی می گردد.



برگزیده‌ای از سخنرانی‌های سومین همایش ملی توسعه پایدار

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان خراسان رضوی

نظر صندوق‌های بازنشستگی قرار گرفتند قیمت مواد اولیه و سایر ضروریات، افزایش چشمگیری پیدا کرد و شرکت‌ها نیز برای مقابله با این امر، تبدیل به بنگاه‌های اقتصادی شدند که امکان هر گونه فساد در آن وجود داشت.

نظرات متفاوت دولت‌ها و اعمال سیاست آنها سبب استفاده نادرست از این صندوق‌ها شده است و توجه به اینکه اصول بیمه و بانکداری بسیار پیچیده است، بنابراین هدایت این شرکت‌ها نیز نیازمند مدیریت مناسب و کاملاً اصولی بوده و امروز صندوق بازنشستگی تبدیل به بزرگ‌ترین بنگاه اقتصادی کشور شده است.

در ارتباط با اصلاحات این دو صندوق می‌توان به موارد ذیل به اختصار اشاره کرد:

- ضرورت پرداخت حق بیمه توسط فرد تازمانی که مشغول به کار است و تا قبل از بازنشستگی
- بازگشت امتیازات و ارفاقات دولت‌های گذشته
- رسیدن به استاندارد بازنشستگی همراه با کاهش میزان توقع مردم از این دو صندوق در قالب اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به آنها در ارتباط با وضعیت و جایگاه این صندوق‌ها در اقتصاد کشور...

• وجود شکاف عمیق، بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه

محمدرضا واعظ مهدوی معاون توسعه امور آموزشی و فرهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مفهوم برنامه‌ریزی را اینگونه تعریف می‌کند «این واژه چندوجهی و پرابهام است که از مهمترین معانی آن می‌توان به پیوند دادن مجموعه‌ای از اقدامات در یک توالی منظم روبه جلو اشاره کرد»



برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و ... مطرح می‌شود و این فرایند حاصل پیچیده شدن جوامع است، در گذشته کارها بدون از پیش اندیشیدن انجام می‌شد. در حال حاضر کشور نیازمند تنظیم برنامه‌ای برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده است.

تاکنون الگوهای توسعه از نظر عدالت و برابری چندان موفق نبوده امروز کشور با جدایی قشرهای فقیر از سایر اقشار جامعه روبه روست که مصداق این جدایی را می‌توان در افزایش فاصله میان نواحی مختلف و عدم دسترسی برخی از اقشار به حداقل خدمات آموزشی و بهداشتی می‌توان دید.

شکاف بین قشر فقیر و ثروتمند روبه عمیق شدن است در جهان نیز فاصله بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رشد یافته و واگرایی در حال گسترش است، رشد مالی دهک‌های ثروتمند نسبت به اقشار ضعیف‌تر به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. معاون توسعه امور آموزشی و فرهنگی سازمان مدیریت و



• اصلاحات صندوق تأمین اجتماعی اولویت دولت در طراحی برنامه ششم توسعه

احمد میدری معاون رفاه اجتماعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سومین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود فضای کسب و کار با اشاره به اینکه اصلاحات دو صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی و لشکری نیازمند اجرای طرح ۱۰ ساله است، گفت: این تغییرات به عنوان اولویت دولت در طراحی برنامه ششم توسعه محسوب می‌شود.



صندوق‌های بازنشستگی می‌توانند هم عامل توسعه محسوب شوند و هم به عنوان یک امر بحرانی برای اقتصاد کشور مشکلاتی را ایجاد کنند. یکی از محورهای برنامه ششم توسعه توجه به رفع مشکلات بیمه تأمین اجتماعی می‌باشد. یارانه دولت به دو صندوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی لشکری، ۲۵ هزار میلیارد تومان است و در حال حاضر کمک دولت به صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی حدود ۷۵ درصد و صندوق بازنشستگی لشکری حدود صد در صد را در بر می‌گیرد که این میزان تقریباً دو سوم یارانه‌های نقدی کشور را محسوب می‌شود و به این ترتیب حدود ۱۳ درصد بودجه کشور صرف کمک به این دو صندوق می‌گردد.

به طور کلی هر فردی که در محل کار خود بیمه است، ۳۰ درصد از حقوق دریافتی خود را تا قبل از بازنشستگی در غالب حق بیمه پرداخت می‌کند که این امر سبب شده مردم با تصور اینکه وضعیت نقدینگی صندوق‌های بازنشستگی کشور برای پرداخت حقوق بازنشستگی خوب می‌باشد، توقع بالایی نسبت به آن داشته باشند. در گذشته بسیاری از شرکت‌های اقتصادی از جمله پتروشیمی، فولاد، لبنیات و سایر شرکت‌ها زیر نظر وزارت خزانه‌داری می‌کردند اما در دولت قبل این شرکت‌ها زیر نظر صندوق‌های بازنشستگی فعالیت خود را ادامه دادند که این امر ضربه بسیار بزرگی به اقتصاد و صندوق‌های بازنشستگی وارد کرد.

علت این امر بزرگ بودن شرکت‌ها و تبدیل آن به بنگاه‌های اقتصادی کوچک بیان شده است که این اقدام سبب شد، این صندوق‌ها که به عنوان بانک در نگهداری حقوق کسر شده مردم به حساب می‌آیند، علاوه بر اینکه نتوانستند این نقدینگی را حفظ کنند، بلکه به بسیاری از ادارات نیز بدهکار باشند.

وقتی شرکت‌های مذکور زیر نظر وزارت خزانه‌ها بودند، هزینه مواد اولیه و سایر الزامات این شرکت‌ها با کمیت کمتری در نظر گرفته می‌شد اما پس از اینکه زیر



فقر و بی‌عدالتی بیش از خود فقر آزاردهنده است بسیاری از بی‌انگیزگی‌ها به این خاطر است که افراد فکر می‌کنند امکان رشد و پیشرفت بر مبنای شایستگی‌هایشان وجود ندارد که این مساله منجر به ایجاد استرس اجتماعی در افراد می‌شود، که در نهایت سبب بروز اختلالات جسمی و روانی خواهد شد. استرس اجتماعی مدیریت ریسک اقتصادی را کاهش می‌دهد. احساس نابرابری موجب کاهش مشارکت اجتماعی می‌شود که این اتفاق تقویت استبداد و انحطاط حکومت را به همراه خواهد داشت.

● رابطه مردم و دولت - پرداخت مالیات - بازی برد - برد!!!

عباس شاکری رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی می‌گوید: نسبت به مسائل اقتصادی کشور نمی‌توان دیدگاه تک بعدی داشت و ماهیت مسائل اقتصادی باید آسیب‌شناسی شود تا با مشخص شدن چرایی



آن بتوان راهکاری ارائه داد.

مسائل اجتماعی از جمله مالیات، تورم، نقدینگی و رشد رانمی‌توان با آنچه که در کتاب‌های درسی و روزنامه‌ها می‌خوانیم، مقایسه کنیم؛ این مسائل به حاکمیت، حساب‌پذیری، تاریخ، دولت‌ها، فرهنگ، قوانین، مقررات، واقعیت‌های اقتصادی و شواهد مربوط می‌شود و تمام آن‌ها باید مورد توجه قرار گیرند.

مسئولان در مواجهه با مشکلات ممکن است از سر ناچاری مالیات را ارتقا دهند و این امر باعث شود نرخ مالیات افزایش یابد، اما مطمئناً به کارکرد مطلوب آن در اقتصاد نمی‌توان دست یافت.

علی‌رغم موثر بودن قانون‌گذار، دانشگاه، مردم و اهالی کسب و کار بر اقتصاد، نمی‌توان هیچ‌یک را مقصر دانست و در شرایط به وجود آمده همه باید مداخله کنند زیرا در غیر این صورت باید شاهد آن باشیم که خودمان و نسل‌های آتی دچار مشکل شوند و رشد، توسعه، رفاه و آسایش در جامعه به آرزویی دست نیافتنی تبدیل شود.

عباس شاکری مالیات را اینگونه تعریف می‌کند: مالیات علاوه بر اینکه برای تأمین هزینه‌های حاکمیتی، خدمات عمومی از جمله برقراری امنیت، آموزش و خدمات و تصدی‌های دولتی ضروری است به منظور ابزاری در سیاست‌گذاری، توزیع درآمدها و رفاه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ همچنین یک وظیفه عمومی محسوب می‌شود، برخی‌ها قصد مالیات‌گریزی دارند و عده‌ای نیز بر آن نام خمس یازکات می‌گذارند. در حالی که مالیات مابه‌ازای خدمات عمومی است که ارزش افزوده ایجاد می‌کند و

برنامه‌ریزی کشور رشد اختلافات طبقاتی را یک پدیده جهانی می‌داند. وی عوامل مختلفی را در ایجاد این پدیده موثر می‌داند از جمله:

در ایران تولید سرانه در تهران ۶ برابر سیستان و بلوچستان است همچنین در اکثر استان‌های مرزی کشور تولید سرانه پایین است. سهم استان‌ها از تولید صنعتی در شهرهای بزرگ مانند تهران بیشتر از سایر شهرهاست. همچنین نسبت توزیع پوشش تأمین اجتماعی در کشور بسیار نابرابر بوده به طوری که در برخی از استان‌ها مانند سیستان و بلوچستان تا ۳۰ درصد و در برخی دیگر مانند یزد تا ۹۰ درصد پوشش داده می‌شود.

از جمله عواملی موثر در عقب‌ماندگی برخی از افراد و پیشرفت بعضی از جوامع، مسائل شخصی از جمله نابرابری ذاتی برخی از افراد، تفاوت شرایط محیطی و تفاوت در میزان فعالیت در مدیریت و... می‌باشد همچنین مسائل اجتماعی مانند ظلم‌ها و پامال کردن حقوق و بی‌عدالتی‌ها می‌تواند بر این تفاوت تأثیر گذار باشد.

اگر فرصت‌ها برای همگان یکسان نباشد رقابت معنایی ندارد و قابل تحقق نیست، عوامل ذکر شده به نابرابری در فرصت‌ها دامن می‌زند در این شرایط وظیفه دولت‌ها این است که مسابقه و رقابت را در یک خط مدیریت کرده و در ایجاد فرصت‌ها و برابری فرصت‌ها تلاش کنند دولت باید در کاهش نابرابری‌ها و تأمین فرصت‌های برابر برنامه‌ریزی کند. برابری نمونه‌ای از توسعه پایدار است و توزیع برابر منافع، بر خورداری همگانی از خدمات بهداشتی، آموزشی و... سبب تحقق توسعه متوازن در کشور می‌شود.

نابرابری‌ها رشد شکاف بین اقشار مختلف را به همراه می‌آورد لزوم برنامه‌ریزی برای حفظ عدالت در جامعه یک رکن اساسی است و امروزه جریان خود به خودی توسعه و پیشرفت اجتماعی منجر به افزایش نابرابری‌ها شده است. ثروتمندان بر خوردار تر و محرومان محروم‌تر شده‌اند که در این شرایط نیاز اساسی به برنامه‌ریزی برای برقراری عدالت و کاهش نابرابری‌ها حس می‌شود. از این رو علت افزایش حاشیه‌نشینی را می‌توان این دانست که برخی از افراد توان زندگی در مرکز شهر را ندارند.

هدف برنامه‌ریزی کاهش نابرابری‌ها، ایجاد فرصت‌های برابر و در نهایت کاهش فقر در سطح جامعه است. به طور مثال هر چند در حال حاضر نسبت باسوادی بیشتر از ۷۰ درصد است اما در برخی مانند سیستان و بلوچستان به نسبت سایر استان‌ها پایین‌تر هستند. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، امکانات کشور باید به طور مساوی بین افراد تقسیم شود و در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان انسان‌ها باید تعادل برقرار شود.

در خصوص تفکر مردم پیرامون چگونگی تخصیص امکانات می‌توان به آمار زیر اشاره کرد:

- ۶۷ درصد افراد معتقدند که امکانات باید به طور مساوی بین همگان تقسیم شود
- ۲۱ درصد از افراد اعتقاد دارند که امکانات باید بر اساس شایستگی باشد
- ۱۱ درصد معتقدند هستند که امکانات باید بر اساس نیازمندی افراد به آنها اختصاص داده شود.

مطالعات متعددی گویای آن است که احساس عدالت از خود عدالت مهم‌تر است، احساس





خودمان آن را خلق می‌کنیم. پرداخت مالیات تداوم و ثبات اقتصادی به همراه دارد. یکی از مشکلات کشور در عرصه صادرات این مساله است که وقتی تورم ایجاد و نرخ ارز بالا می‌رود، صادرات متوقف می‌شود و در اینجاست که نیاز به مالیات ستانی برای جلوگیری از تمامی این مسائل احساس می‌گردد.

در حال حاضر ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار کالای قاچاق در کشور وجود دارد که برای رفع این معضلات باید مالیات ستانی صورت بگیرد. همچنین برای اتکا به اقتصادی بدون نفت نیز به این مهم نیاز است. در دولت گذشته بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیارد تومان نفت فروخته شد اما اکنون صندوق توسعه ارزی تنها دارای ۴۰ میلیارد دلار است و تمام آن پول برداشت و خرج شده است.

ثبات اقتصادی به مالیات ستانی صحیح وابسته است. مالیات در کشور ماهیت چندوجهی دارد، وضعیت آن به ساختار دولت، وجود نظام، اطلاعات و آمار جامع و پیشرفته، رابطه میان دولت، ملت و فرهنگ مردم، کارکرد دولت، حساب پذیری و پاسخگویی آن بستگی دارد. در مالیات ستانی کیفیت و کمیت حائز اهمیت است. در برخی برآوردها گفته می‌شود ۲۰ تا ۵۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده به جیب دولت ریخته نمی‌شود در حالی که یک برند معروف ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلیارد تومان مالیات بر ارزش افزوده را به جیب خود می‌ریزد.

در خصوص رابطه مردم و دولت باید احساس کنند که این رابطه یک بازی برد-برداست و اگر مالیات را پرداخت نکنند تبدیل به بازی باخت-باخت می‌شود. در عین حال باید میان مردم و دولت تفاهم برقرار باشد و دولت شفاف و عادلانه عمل کند و در خصوص مساله کمیت باید از تمام عوامل اقتصادی و صاحبان درآمد به تناسب مالیات بگیرد. مگر در مواردی که به خاطر اختلاف سطح، تشویق سرمایه گذاری و حساسیت موضوع معافیت اعمال شود مانند کشاورزی.

موانع اساسی در حوزه مالیاتی در ساختار بودجه نهفته است و در این خصوص می‌توان به عدم مشارکت ذهنی مردم، پاسخگویی و حساب پذیری همچنین قانون گریزی، سواری مجانی گرفتن، عدم درک صحیح از یک زندگی اجتماعی صنعتی و شبه صنعتی پیچیده امروزی، عدم وجود نظام اطلاعات و آمار و عدم توزیع مدرن و قابل نظارت مالیاتی اشاره کرد.

از سال ۸۳ تا ۹۳ مالیات ستانی حقیقی در کشور دو برابر شد که فی نفسه امری مثبت تلقی می‌شود اما این مساله ناشی از گسترش پایه‌های مالیاتی و تصحیح اختلالات آن بوده یا خیر؟ همچنین ممکن است به طور محدود مالیاتی گسترش داده شده و از کسانی که دولت دسترسی به درآمد آن‌ها دارد مالیات گرفته شده است.

● **فرشاد مومنی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی بر لزوم**

ارائه نظرات فعالان اقتصادی در تدوین لایحه بودجه ۹۵ تاکید می‌کند و می‌گوید به منظور ارتقا کیفیت در سیاست گذاری‌ها نیاز است که فعالان این عرصه همکاری کنند تا کارها به صورتی منطقی‌تر پیش رود. امروزه کمتر کسی هست که از شرایط بحرانی کشور آگاهی نداشته نباشد و در این شرایط لازم است تاراج به طول و عرض این وضعیت پیچیده با هم به گفت و گو بنشینیم و وضعیت فعلی کشور را از ابعاد مختلف بررسی کنیم و به روش و بینشی مبتنی بر فهم عمیق واقعیت‌های



جامعه دست یابیم که این فهم در گرو کار جمعی است. این نظریه پرداز حوزه اقتصادی با اشاره به اینکه از سال ۹۱ ماجرای شدت گیری تحریم‌ها نیز به سایر مشکلات و گرفتاری‌ها اضافه شد، می‌گوید: در حال حاضر کشور با خلا معرفتی روبه‌روست. نمی‌دانیم که اوضاع کشور بیش از وضع تحریم‌ها چگونه بوده است و پس از آن چه اتفاقی افتاده است. بدین منظور باید معرف‌های کلیدی موثر بر اقتصاد کشور را پیش از شدت گرفتن تحریم‌ها یعنی در سال‌های ۸۴ تا ۹۰ به اعتبار گزارش رسمی یا استانداردهای بین‌المللی مرور کنیم.

از سال ۸۴ تا ۹۰ پیش از پدیده شدت یابی تحریم‌ها و کاهش نسبی قیمت نفت، خروج سرمایه فیزیکی ۱۲۵ برابر شده بوده است. خروج سرمایه با این ابعاد به طور مستقیم تصور صاحبان سرمایه را از فضای کسب و کار نشان می‌دهد. در

دو سوم از این دوره ایران از نظر خروج سرمایه‌های انسانی در دنیا رتبه اول را داشته است، همچنین در این دوره بر اساس استانداردهای بین‌المللی ایران در میان کشورهای دنیا از نظر پاکدامنی اقتصادی حدود ۶۰ رتبه به سوی کشورهای پیشرو در فساد مالی سقوط کرده است. بر اساس استانداردهای بین‌المللی کیفیت محیط زیست در ایران حدود ۵۰ رتبه و کیفیت زندگی نیز ۶۲ رتبه سقوط داشته است. این‌ها تحلیل سیاسی نیست بلکه واقعیت‌های محرز شده است.

در یک دوره ۸ ساله از سال ۸۴ تا ۹۲ از محل صادرات نفت و گاز ۱۰۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد کشور تزریق شده است که واکاوی و ریشه‌یابی این شرایط برای ما امری حیاتی می‌باشد.

فرشاد مومنی خود را منتقد سیاست‌های اقتصادی دولت می‌داند و می‌گوید: هر چند منتقد سیاست‌های اقتصادی دولت فعلی هستم اما محدودیت‌های آن را هم درک می‌کنم. از زمان روی کار آمدن این دولت قیمت نفت در بازارهای جهانی ۶۰ تا ۷۰ درصد کاهش یافته است. متأسفانه در چنین شرایطی در ساختار سیاسی اراده‌ی واحد مبتنی بر همدلی به چشم نمی‌خورد و چیزی که این مساله را حیاتی‌تر می‌کند این است که کشور با بحران اندیشه‌ای و اعتبار در سطح قوه مجریه و حتی کل قوا روبه‌روست.

مومنی دست‌یابی به فهم نظری قابل دفاع را ضروری می‌داند و در پاسخ به این سوال که چرا به این فهم نیاز است، می‌گوید: که شدت بحران شرایط اقتصادی در کشور به گونه‌ای است که هزینه آزمون و خطا برای ما بسیار بالاست. بنابراین به یک فهم نظری نیاز است که متغیرهای تعیین‌کننده را از غیر مهم تفکیک کند. در حال حاضر در ایران استراتژی جایگزینی واردات یک استراتژی بدنام است زیرا دو دسته اقتصادی را پدید آورده است که یکی معطوف به متغیرهای اسمی و دیگری معطوف به متغیرهای حقیقی است. ماموریت متغیرهای اسمی این است که زمان را آزاد کند و چطور استفاده کردن از این زمان آزاد شده ما را به تولید می‌رساند.

سیستم اقتصادی و اجتماعی کشور در اثر شوک‌های غیرعادی ای که متحمل شده است و همچنین میراث دولت پیشین که این امر را شدیدتر کرده است، دچار از کارکرد افتادگی شده.

این نظریه پرداز حوزه اقتصادی با اشاره به کاهش ۳۰ درصدی تورم، می‌گوید: علی‌رغم کاهش نرخ تورم، نرخ بهره‌های بانکی متناسب با کاهش نرخ تورم کوچک‌ترین تغییری نکرده است این در حالی است که وقتی تورم سه درصد در رشد شتاب گرفت نرخ بهره بانکی به سرعت ۱۰ درصد رشد کرد اما حالا که تورم ۳۰ درصد کاهش یافته است سنسورها از کار افتاده‌اند. در چنین شرایطی کانون اصلی تمرکز باید بر تحلیل‌های غیر قائم به شخص باشند. تحلیل‌هایی که از منطبق رفتاری برخوردارند.

بزرگ‌ترین اقتصاددانان معتقدند که هیچ‌کاری مخرب‌تر از تضعیف ارزش پول ملی نیست.

مادر حال حاضر با یک رویارویی اندیشه‌ای میان دو گروه که گروه اول متشکل از عامه مردم و تولیدکنندگان بوده و گروه دوم از طیف غیرمولد که عمده آن‌ها به تجارت پول مشغول‌اند، تشکیل شده است و روبه‌هستیم. گروه اول از نظر عدد بی‌شمار اما فاقد انسجام هستند، در حالی که گروه دوم هر چند از نظر کمیت زیاد نیستند اما منسجم، صاحب صدا و آگاه به منافع خود می‌باشند. اگر برای بهبود شرایط فعلی کشور اقدامی نکنیم و این تحلیل را ارائه ندهیم خطر بزرگ سر خوردگی مردم را تهدید می‌کند.



۱۱ دلیل خانه نشینی در فصل کار؛

ناامیدی ۵۲۲ هزار نفر از یافتن شغل ۱۱.۳ میلیون جوان دقیقا چه کاره اند؟



● برخی از کار فراری اند

البته بخشی از این جمعیت ۱۱ میلیون نفری را قطعاً دانشجویان و دانش آموزان و به صورت کلی افراد در حال تحصیل تشکیل می دهند که نیازهای شغلی خود را در آینده مطرح خواهند کرد ولی امروز جمعیت غیر فعال شناخته می شوند اما بیش از نیمی از این گروه میلیونی را افرادی تشکیل می دهند که دچار وضعیت غیر فعالی دائم شده و این زنگ خطری است که به صدا در آمده است.

سؤال این است که آیا به سمتی می رویم که می خواهیم بدون کار، پول داشته و تامین باشیم؟ آیا میلیون ها نفر روش جدیدی برای کسب درآمد یافته اند؟ آیا واقعا همه میلیون ها غیر فعال کشور که در کل ۴۰.۲ میلیون نفرند و مشخصا ۱۱ میلیون و ۳۶۸ هزار نفر آنها در دوره طلایی سن کار قرار دارند، تلاشی برای ورود به بازار کار داشته و ناموفق بوده اند؟

بر اساس مطالعات صورت گرفته، دلایل گوناگونی برای غیر فعالی ۴۰.۲ میلیون جمعیت ایران وجود دارد اما برخی از مهمترین آنها مربوط به آغاز به کار در آینده و انتظار برای شروع کار جدید است. برخی در انتظار پاسخ کارفرما یا در انتظار اعلام نتایج آزمون استخدامی هستند و برخی نیز در انتظار بازگشت به شغل قبلی خود قرار دارند.

همچنین بررسی ها نشان می دهد عده ای ممکن است در انتظار به ثمر رسیدن اقدامات انجام شده برای پیدا کردن کار باشند و برخی نیز منتظر فصل کاری اند. یک موضوع بیش از نیم میلیون نفر را به خود مشغول کرده و آن هم دلسرد شدن ۵۲۲ هزار نفر از جستجوی کار و ناامید شدن از پیدا کردن کار است.

● ناامیدی نیم میلیون نفر از یافتن کار

برخی ممکن است از روش های جستجوی شغل آگاهی نداشته باشند و حدود ۲ میلیون نفر از جمعیت ۴۰.۲ میلیونی غیر فعالان کشور دچار بیماری، ناتوانی جسمی موقت و یا در مورد زنان بارداری هستند. از سویی حدود ۱۲ میلیون نفر در کشور به تحصیل اشتغال و یا آموزش اشتغال دارند و ۲۰.۱ میلیون نفر هم مسئولیت های شخصی و یا خانوادگی دارند.

بیش از ۳ میلیون نفر هم می گویند نیازی به کار کردن ندارند و ۲ میلیون نفر هم در این زمینه مایل به توضیحی نیستند. نکته مهم اینکه با وجود افزایش جمعیت در سن کار از ۶۳.۳ میلیون نفر در سال ۹۲ به ۶۴ میلیون نفر در سال گذشته، اما از تعداد جمعیت فعال یعنی گروه های شاغل و یا در جستجوی شغل کاسته شده و از ۲۳ میلیون و ۸۲۴ هزار نفر به ۲۳ میلیون و ۸۱۸ هزار نفر رسیده است.

اینکه گفته می شود غیر فعالی جمعیت در ایران بالا است، در این آمار خود را نشان می دهد که از جمعیت فعال (شاغل و جویبده شغل) در فاصله سال های ۹۲ تا ۹۳ کاسته شده اما بر جمعیت غیر فعال ۶۷۶ هزار نفر افزوده شده است. تعداد غیر فعالان کشور در سال ۹۲ به میزان ۳۹ میلیون و ۵۲۱ هزار نفر بوده که در سال گذشته به ۴۰.۲ میلیون نفر رسیده است. از این تعداد ۱۱ میلیون و ۹۹۳ هزار نفر مرد و ۲۸ میلیون و ۲۰۵ هزار نفر زن هستند.

آمارها نشان می دهد از ۴۰.۲ میلیون فرد غیر فعال ۱۱.۳ میلیون نفر ۲۰ تا ۳۴ ساله اند که باید در دوره طلایی جستجو برای شغل بوده و یا کاری برای خود دست و پا کرده باشند اما ترجیح می دهند در کنج خانه بنشینند!

استانداردهای آمار می گویند افرادی که بین سنین ۱۰ تا ۶۵ سال هستند، جزو جمعیت فعال کشور محسوب شده و به اصطلاح، گروه در سن کار تلقی می شوند. به دلیل جوان بودن ساختار جمعیتی ایران، تعداد افرادی که در سن کار هستند، هم اکنون بیش از ۶۳ میلیون نفر از کل جمعیت کشور را تشکیل می دهند. جوان بودن جمعیت ایران ناشی از تولدهای دهه های ۶۰ و ۷۰، باعث شده است تا امروز کشور با موجی از تقاضا برای کار مواجه باشد. جوانانی که اغلب به دانشگاه رفته اند، دارای مدرک تحصیلی بوده و تقاضاهای متفاوت و جدیدی برای کار دارند. آنها حتی نگرش جدیدی نسبت به اشتغال دارند و دیگر مانند دهه های گذشته تفکر سنتی ندارند.

در حال حاضر ۱۱ میلیون و ۳۶۸ هزار نفر از جمعیت کشور در سنین ۲۰ تا ۳۴ سال قرار دارند. به عبارتی، مهمترین گروه جویبده شغل را در کشور تشکیل می دهند که با وجود قرار داشتن در سن کار، کاملا غیر فعال و منفعل هستند. آنها هیچگونه تحرک خاصی در عرصه اقتصاد ندارند و اساسا جویبای شغل نیز محسوب نمی شوند.

● ۱۱.۳ میلیون جوان غیر فعال شدند

در واقع باید گفت میلیون ها جوان در دوره طلایی سن خود که باید دارای فعالیت اقتصادی بوده و در جریان توسعه کشور نقش داشته باشند، دچار سرگشتگی و بیکاری بوده و تنها یک مصرف کننده محسوب می شوند. غیر فعالی جمعیت در سال های اخیر، از مباحث مهمی است که در اقتصاد کشور مطرح شده و حائز اهمیت است.

جمعیت میلیونی غیر فعال، یعنی گروهی که نه تنها توانی را برای به حرکت در آوردن چرخ های توسعه و فعالیت اقتصادی وارد نمی کنند بلکه خود را نیز بر قطار توسعه کشور تحمیل کرده و باعث کندی سرعت آن می شوند. هر چه از تعداد غیر فعالان در کشوری کاسته شود، یعنی اینکه موتور توسعه با قدرت بیشتری فعالیت خواهد کرد و هر چه بر تعداد غیر فعالان افزوده شود، به معنای قرار گرفتن بار اضافه در قطار توسعه آن کشور است.

بنابراین ۱۱ میلیون و ۳۶۸ هزار جوان ۲۰ تا ۳۴ ساله کشور هم اکنون نه در گروه شاغلان قرار دارند و نه در گروه بیکار و یا جویبده کار. مشخصه این گروه، سکون، یا حرکت بی هدف و استفاده از کار کرد دیگران است.

کارشناسان می گویند اینکه چرا ۱۱ میلیون جوان در دوره سنی طلایی خود از کار کردن و جستجوی شغل فراری اند و ترجیح می دهند در کنج خانه بنشینند، اتفاق تلخی است که گریبانگیر اقتصاد و جامعه ایرانی شده و جوانانی هستند که مایلند کار نکنند، ولی تامین باشند!



تحلیل مهدی عسلی از وضعیت سیاستگذاری و اجرای آن در ایران

اقتصاد ایران مشاور خارجی می خواهد

آماده شود.

اما بحث اصلی در این میان مساله اجراست. این موضوع همیشه در کشور ما با مشکل مواجه بوده است. مگر قانون اساسی ما به لحاظ مواد قانونی در خصوص حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چه کمبودی نسبت به قوانین پیشرفته دنیا دارد؟ مگر همین اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز و اقتصاد مقاومتی از نظر تئوریک با چه ابهاماتی روبرو است. اتفاقاً ما از نظر مبانی و قوانین مشکلی در اقتصاد نداریم بلکه مشکل از آنجا آغاز می‌شود که قرار است سازمان یا نهادی آن را به اجرا برساند. خب طبیعی است که در دولت قبل بدنه کارشناسی دولت از افراد نخبه و باتجربه خالی شد و سطوح مدیریتی کلان کشور چندپله‌ای سقوط کرد. از طرفی افرادی به بدنه اضافه شدند که دارای کمترین کیفیت به لحاظ توانایی علمی و مهارت بودند. طبیعی است در این شرایطی که دولتی تکنوکرات روی کار آمده و توانسته بهترین تیم را از نظر اقتصادی و سیاسی دور خود جمع کند با این بدنه همخوانی ندارد و مانند سری بزرگ می‌ماند که روی تینی نحیف قرار گرفته است. ما امروز در نحوه سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی تقریباً مشکلی نداریم و مغزهای متفکری در دولت این موضوع را دنبال می‌کنند اما با توجه به تضعیف بدنه کارشناسی دولت، باید برای این موضوع چاره‌های اندیشیده شود.

● شما چه راهکاری برای برون رفت از این مشکل پیشنهاد می‌کنید؟ آیا بدنه دولت را می‌توان به راحتی تغییر داد و این تن نحیف را نیرومند کرد؟

چاره‌ای نیست و این اتفاق باید بیفتد. وقت آن است که ببینیم دنیا در خصوص سیاستگذاری‌ها و اجرای آنها چه کرده است. احتمالاً داستان توسعه و بازسازی اقتصاد ایتالیا بعد از جنگ جهانی دوم را خوانده‌اید. این کشور یک‌شنبه به یکی از هفت قدرت برتر اقتصاد دنیا تبدیل نشد. ایتالیایی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم نسبت به سایر کشورهای اروپایی بیشترین عدم ثبات را در ارکان قدرت خود داشتند، به طوری که شاید هر شش ماه یک‌بار دولت‌هایشان عوض می‌شد و گروهی دیگر از حزبی متفاوت قدرت را در دست می‌گرفتند. اما چرا آنها در میان این ناپایداری در قدرت سیاسی توانستند اقتصادشان را بازسازی کنند؟ به این خاطر بود که از اول بر سر یک سیاست اقتصادی اجماع ایجاد شد و اگر افرادی قدرت را در دست می‌گرفتند، آن سیاست تغییر نمی‌یافت و مثل ما نبودند که مثلاً دولتی سر کار بیاید و بگوید من برنامه چهارم توسعه را قبول ندارم و به برنامه‌های بالادستی واقعی نپردازد. در ایتالیا سیاستگذاری‌ها درست بود و قالبی به وجود آمده بود که اگر افراد با هر اندیشه سیاسی در آن قرار می‌گرفتند، می‌توانستند کار کنند و توسعه اقتصادی را به پیش ببرند. چون سیاست‌ها درست بود اگر افراد در سطح نخست‌وزیر یا وزیر تغییر می‌کردند، سیاست‌ها را به اجرا می‌رساندند و به همین خاطر بود که در آن بجزوچه ایتالیا توانست موفق بیرون آید و خود را از نظر اقتصادی به یکی از کشورهای بزرگ دنیا تبدیل کند. در ایران مهم این است که سیاست‌ها درست باشند و وقتی این سیاست‌ها در قالب برنامه پنج‌ساله تدوین شده و به صورت قانون در آمد، همه موظف باشند آن را به اجرا برسانند. در این میان حالا چه فرقی می‌کند رئیس سازمان برنامه مثلاً آقای الف باشد یا آقای ب. از این رو اگر بخواهیم به سوال اول شما درباره فرمانده اقتصاد در ایران و چگونگی اجرای سیاست‌ها برگردیم می‌توانیم بگوییم، فصل الخطاب و مسوول اصلی امور اجرای اقتصادی کشور خود آقای رئیس‌جمهور است. مردم به ایشان و برنامه ایشان رای داده‌اند تا جایی هم که بنده مطلع هستم آقای روحانی نسبت به مسائل اقتصادی حساسیت ویژه‌ای دارند و آن گونه که مشاور محترم اقتصادی رئیس‌جمهور در یکی از مصاحبه‌هایشان اعلام کرده بودند، رئیس‌جمهور هفته‌ای چهار ساعت از وقت خود را برای اقتصاد می‌گذارد و در جمع سیاستگذاران اقتصادی کشور حاضر می‌شوند. بنابراین اصلاً فرمانده خود رئیس‌جمهور هستند چون بالاخره مردم هم ایشان را می‌شناسند. به عنوان مثال در روستاهای دورافتاده چه کسی می‌داند شورای اقتصاد یا ستاد هماهنگی اقتصادی کشور چیست. وضع اقتصاد خوب باشد می‌گویند آقای روحانی خوب کار کرده، بد هم باشد به گردن ایشان می‌اندازند. حالا شما شب تا صبح بیاید برای این دسته از مردم کشورمان توضیح دهید که دولت قبل چه کرد و چه بلایی سر اقتصاد کشور آورد. آنها این بحث‌ها را نمی‌خواهند و در نهایت به جیب خود نگاه می‌کنند. اگر وضع‌شان بهتر شده پس خواستار ماندگاری همین دولت می‌شوند و اگر اوضاع اقتصادی‌شان فرقی نکرده یا بدتر شده خواستار تغییر دولت می‌شوند که در این میان پوپولیست‌ها می‌توانند در جه موفقیت‌شان را بالا ببرند.

اگر بر خورنده نباشد و برخی از سیاستگذاران کشور موضوع این گفت‌وگورا به خود نگیرند شاید بتوان گفت بخش‌هایی از اقتصاد ایران به تیم فوتبالی می‌ماند که در بازی‌های داخلی و خارجی با مربیان ایرانی خود نتایج ضعیف و غیر قابل قبولی را به دست آورده‌اند، از این رو نیاز است متولیان کشور دست به کار شوند و برای بازسازی ساختار اقتصاد، از مربیان خارجی بهره‌برند. کسانی که در بحث سیاستگذاری و برنامه‌ریزی خبره بوده و در دنیا صاحب سبک هستند. این ایده از سوی مهدی عسلی، مدیر کل پیشین دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه مطرح شده است. او معتقد است که نمی‌توان با توجه به ساختار ضعیف بدنه دولت و نافرمانی آنان از سیاستگذار، اقتصاد ایران را با تحولاتی جدی روبه‌رو کرد، از این رو نیاز است تا از کشورهای توسعه یافته که این مسیر را طی کرده‌اند، درس بیاموزیم و راهی را طی کنیم که آنها پیش از ما رفته‌اند و به توسعه رسیده‌اند. لازمه این کار نیز تزیق تفکر نوین سیاستگذاری و بالا بردن کیفیت بدنه اجرایی است که می‌تواند راهگشای توسعه اقتصادی کشور باشد؟



● مدتی است این بحث در برخی محافل دانشگاهی مطرح شده که اقتصاد ایران برای تمرکز در سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌های خود باید یک سکاندار واحد داشته باشد و به نوعی یک شخص یا یک نهاد فرماندهی اقتصاد را بر عهده گیرد. به نظر شما آیا مشکل کنونی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در اقتصاد ایران تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سیاستگذاری است و دولت باید در این خصوص اقدام عاجلی به عمل آورد یا اینکه فارغ از این مسائل با توجه به واقعیت‌های کشور نسبت به بازسازی بدنه اقتصاد ایران اقدام کند؟

مساله اقتصاد ایران در شرایط کنونی این نیست که سکاندار اقتصاد چه فردی یا کدام نهادی باشد. به هر حال با توجه به نهادهایی که در دولت وجود دارد، تقسیم مسوولیت‌هایی صورت گرفته است و بحث اصلی کم و کیف این نهادها نیست. موضوع از آنجاست که می‌شود که سیاستگذاران اقتصادی کشور منافع ملی را از چه دریچه‌ای نگاه می‌کنند و این سیاستگذاران را همسیر اقتصاد را به کدام سو هدایت می‌کند. درست است که مراکز متعدد تصمیم‌گیری در نظام سیاستگذاری کشور داریم و نهادهایی مانند شورای اقتصاد، سازمان مدیریت، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، ستاد هماهنگی امور اقتصادی و... هر کدام در حوزه‌های حتی به صورت موازی مشغول کارند اما به نظر من قانون کاملاً مشخص کرده که حرف آخر را برای اقتصاد ایران چه کسی می‌زند. شما درباره اقتصاد ایران صحبت می‌کنید نه یک پادگان. بنابراین اقتصاد پادگان نیست که نیاز به فرمانده داشته باشد. فرمانده حرفش یکی است. هر چه می‌گوید سرباز باید بدون چون و چرا آن را اجرا کند. کسی حق سرپیچی ندارد. حتی کسی نمی‌تواند به فرمانده اعتراض کند و اگر این اعتراض صورت گیرد، سرباز یا متنبه شده یا اینکه با قوانین نظامی محاکمه می‌شود. اما سیاستگذاری در اقتصاد به این صورت نیست. انعطاف می‌خواهد. گوش شنوا و سعه صدر لازم دارد. نقد و نظر و تحلیل احتیاج دارد تا از دل آن بهترین تصمیم نه از سوی فرد بلکه از طرف افرادی گرفته شده و برای اجرا



بین المللی پول و... مشاوره بگیرد و هزینه‌اش را هم بپردازد. بهترین اقتصاددان های دنیا از آمریکا که نیستند، در میان آنان اقتصاددانانی هندی، ژاپنی، آلمانی و... نیز وجود دارند و نوبلیست‌هایی هستند که می‌توانند بیایند و با مطالعه اقتصاد ایران راهکارهای موجود را برای حل مسائل و مشکلات ارائه دهند. یا اینکه از اقتصاددانان مشهور ایرانی که در نقاط مختلف دنیا آوازه جهانی دارند دعوت به عمل آورند و مشکلات اقتصادی کشور را حل کنند. مگر ترکیه چنین کاری نکرد؟ زمانی که ترکیه قادر نبود بدهی‌هایش را به دنیا بدهد، کمال درویش، اقتصاددان سرشناس ترکیه‌ای را صدا کرد و اختیارات لازم را به او دادند و او هم توانست اقتصاد این کشور را بازسازی کند. چنین فرهنگی هنوز در ایران جان‌نفته‌ده و وضع به گونه‌ای است که یک وزیر که خودش مسوول سر و سامان دادن به امور است، روش خودانتقادی را در پیش می‌گیرد و از کارهایی که باید انجام می‌داده ولی انجام نداده، انتقاد می‌کند! یادمان است که آقای احمدی نژاد چند بار می‌آمد در تلویزیون از اوضاع اقتصادی انتقاد می‌کرد در حالی که یکی نبود به ایشان بگوید، شما خودتان مسوول این قضایا هستید و از چه کسی دارید انتقاد می‌کنید؟! در همین دولت هم می‌بینیم که بانک مرکزی نسبت به افزایش نقدینگی هشدار می‌دهد در حالی که مسوول مدیریت نقدینگی خود این بانک است.

● در حقیقت به نظر شما هم اکنون ما با بدنه‌ای مواجه هستیم که حتی وظیفه خودش را نمی‌داند و از کاری که نکرده خودانتقادی می‌کند!

دقیقاً، وضع به همین شکل است. نهادهای ما وقتی نمی‌توانند از پس مسوولیت‌هایشان بر بیایند رو به هشدار و تذییر افکار عمومی می‌آورند. هنوز هم اگر از برخی مسوولان پرسید بر نامه‌ریزی یعنی چه، به شما خواهند گفت بر نامه‌ریزی یکسری از اقدامات هماهنگ است برای رسیدن به هدف. فکر هم می‌کنند با گفتن این حرف بر نامه‌ریزی شده‌اند. مشکل اینجاست که بسیاری از مقامات حتی معنی دقیق بر نامه‌ریزی را نمی‌دانند. افکار عمومی هم اقتصاد را درک می‌کنند و خوب می‌دانند که بازار چه علامتی به آنها می‌دهد. هوش اقتصادی مردم به آنها می‌گوید که در این زمان بهتر است خودرو بخردند یا لوازم خانگی یا طلا و ارز. باور کنید با رصداوضاع اقتصادی آدم غصه‌اش می‌گیرد و از خود می‌پرسد که چرا چین با وجود اینکه نصف آزادی‌های ما را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ندارد توانسته اقتصاد یک و نیم میلیارد نفری خود را سر و سامان داده و وضع مردمش را بهتر از قبل کند و بگوید ما طی ۲۰ سال آینده قدرت اول اقتصاد دنیا خواهیم بود اما وضع اقتصادی مردم ما روز به روز بدتر از قبل می‌شود. معلوم است در چنین شرایطی شما مرتب بیایید آمار بدهید و بگویید تورم چنین بوده و چنان شده و رشد قرار است چنین شود، برای مردم ملموس نخواهد بود. به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در ۳۷ سال گذشته بسیار لاک پشت‌وار حرکت کرده و نیاز دارد تا تحرکی جدی به خود ببیند و این دولت هم اگر قصد دارد موفق شود شاید بهتر است که قدری از محافظه کاری خود بکاهد و با شجاعت بیشتری دست به اصلاحات اقتصادی بزند.

کم شدن درآمدهای نفتی از سالی حدود ۷۰ میلیارد دلار در دولت قبل به چیزی حدود ۲۵ میلیارد دلار در دولت کنونی رقم کمی نیست. درآمد مردم کم شده و به همین خاطر است که بازار از کمبود تقاضا رنج می‌برد

چیزی که به نظر من مهم است اینکه سیاست‌های درست به صورت قانون درآید و اجرا شود. هر دولت‌مدر که در اقتصاد کار می‌کند، ممکن است خودش را فرمانده اقتصاد فرض کند. مشکلی نیست بگذارید همه‌شان فرض کنند فرمانده اقتصاد هستند. چیزی که مهم است اینکه اگر سیاست اقتصادی درست شود، نفع آن به همه می‌رسد و خودبه‌خود هم فرمانده‌اش مشخص خواهد شد.

● در شرایط کنونی کشور که اقتصاد با کمبود شدید منابع مواجه است، سیاستگذار باید چه راهی را در پیش گیرد تا بتواند از پیچ تاریخی کنونی به سلامت عبور کند؟

به نظر من یکی از بهترین سیاست‌ها این است که دولت فضا را به سمت تولید رقابتی ببرد و قیمت‌ها را در سه بازار ارز، انرژی و نرخ بهره واقعی کند. تا تولید ما صادرات گرا نشود و فضای در کشور به وجود نیاید که صنعت تورسم پا بگیرد، نخواهیم توانست کمبود درآمدهایمان را پوشش دهیم. کم شدن درآمدهای نفتی از سالی حدود ۷۰ میلیارد دلار در دولت قبل به چیزی حدود ۲۵ میلیارد دلار در دولت کنونی رقم کمی نیست. درآمد مردم کم شده و به همین خاطر است که بازار از کمبود تقاضا رنج می‌برد. ما نمی‌توانیم با فروش چند ده هزار دستگاه اتومبیل و لوازم خانگی بگوییم اقتصاد از رکود خارج شده، چون کشور بخش بزرگی از درآمدهای خود را از دست داده و نمی‌تواند تقاضا را به صورت جدی تحریک کند. مهم این است که دولت به فکر جایگزینی این درآمدها از طریق ارتقای بخش خصوصی و محترم شمردن مالکیت سرمایه‌گذار داخلی و خارجی باشد و بتواند از محل مالیات‌هایی که اخذ می‌کند، مخارج خود را تأمین کرده و به عنوان چشم‌ناظر و سیاستگذار نه‌مجری پروژه، اقتصاد کشور را سر و سامان دهد.

● با توجه به تضعیف بدنه دولت و شرایط کنونی اقتصاد فکر می‌کنید آقای روحانی چه سیاستی را بهتر است در پیش بگیرد تا بدنه خود را ارتقا دهد و سیاستگذاری‌ها استانداردتر از گذشته شود؟

اجازه بدهید در این باره خاطر‌های برایتان تعریف کنم. زمانی که در انگلستان درس می‌خواندم آقای جان میجر پس از خانم تاچر نخست‌وزیر بریتانیا شد. این بنده خدا حتی لیسانس هم نداشت و فکر کنم بالاترین مدرک تحصیلی‌اش دیپلم بود. یک دیپلم داشت خودش هم خیلی در سخنرانی‌هایش می‌گفت که من دنبال سیاست رفته‌م و به همین خاطر نتوانستم تحصیلات دانشگاهی‌ام را ادامه دهم. اما همین میجر وقتی راجع به رشد اقتصادی انگلستان حرف می‌زد، می‌توانستید حدس بزنید که پشت سخنرانی او چند اقتصاددان درجه یک تلاش کرده‌اند و متن سخنرانی را نوشته‌اند. مردم که نمی‌دانستند این اقتصاددانان چه کسانی هستند که چنین متنی را نوشته‌اند و اصلاً هم نیازی نبود بدانند از زبان نخست‌وزیرشان در خصوص مسائل کلان اقتصادی چه مواردی مطرح می‌شود و خط فکری دولت را نشان می‌داد.

با توجه به نهادهایی که در دولت وجود دارد، تقسیم مسوولیت‌هایی صورت گرفته است و بحث اصلی کم و کیف این نهادها نیست. موضوع آنجا ناشی می‌شود که سیاستگذاران اقتصادی کشور منافع ملی را از چه دریچه‌ای نگاه می‌کنند و این سیاستگذاران هم مسیر اقتصاد را به کدام سو هدایت می‌کنند. مردم به میجر رای دادند تا تورم را پایین بیاورد و رشد اقتصادی را بالا ببرد و اقتصاد انگلستان را به سر و سامان برساند و مهم این بود که او به عنوان مقام عالی اجرایی کشورش مشورت‌پذیر باشد و سیاست‌های درست اقتصادی را به پیش ببرد. اقتصاددانان به او توضیح می‌دادند که چه سیاستی را در پیش گیرد تا او را به اهداف سیاسی‌اش در اقتصاد برساند و بتواند به وعده‌هایی که به مردم داده، عمل کند. اگر دوران میجر را مطالعه کنید می‌بینید که او با تحصیلات کمی که داشت، توانست اقتصاد انگلستان را سر و سامان دهد و مردم را راضی نگه دارد. بنابراین مهم این نیست که رئیس جمهور ما یک اقتصاددان است یا خیر. این نوع حرف‌ها نشات گرفته از تفکرات جهان سوم است. به هر حال آقای روحانی با مردم یک قول و قرارهایی گذاشته‌اند. گفته‌اند که مشکلات اقتصادی را حل می‌کنند. مشکلات اقتصادی ما کاهش سطح درآمد مردم و کوچک شدن سفره‌های آنان، افزایش تورم، نامساعد بودن فضای کسب و کار و... بوده است که آقای روحانی با وعده حل این مسائل توانست رای مردم را به خود جلب کند. حال در این میان اگر برخی از اقتصاددانان، مدیران و کارشناسان ما قادر به حل این مشکلات نیستند چه اشکالی دارد که دولت هزینه‌ای را بپردازد و مانند یک تیم فوتبالی که از خارج مربی می‌آورد، برای سامان دادن به سیاستگذاری مسائل اقتصادی ما مربی خارجی بگیرد. دولت می‌تواند از نهادهای معتبر نظیر بانک جهانی، صندوق



چالش‌ها و راهکارهای سیاست‌های صنعتی و تجاری برای توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد اشتغال

کارشناسان اقتصادی معتقدند: هر چند تداوم رکود کنونی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی و متمرکز شدن دولت بر تک‌نرخ کردن نرخ تورم ممکن است در آینده اقتصاد کشور را با مشکلات متعددی مواجه کند اما اجرای سیاست‌های متخذه از سوی دولت به منظور خروج بخش مسکن از رکود و ایجاد تحرک و پویایی هر چه بیشتر در صنایع نفت و معدن را می‌توان در راستای توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد اشتغال یاد کرد.

در همین ارتباط بخش اقتصادی ایرنا، گفت و گوهایی را با نخبگان، اساتید دانشگاهها، کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی در خصوص پتانسیل‌ها و ویژگی‌های بخش صنعت کشور انجام تا علاقه‌مندان از وضعیت فعلی و برنامه‌های آینده کشور در این بخش آگاه شوند.

در همین رابطه رییس پژوهشکده مطالعات راهبردی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در میزگردی که به همین مناسبت در محل خبرگزاری جمهوری اسلامی برگزار شد، با بیان آنکه مشکل اصلی صنعت در کشور، سیاست‌گذاری است، گفت: در ۵۶ سال اخیر، متوسط نرخ تورم، دورقمی بوده است.

یوسف حسن پور کارسالاری افزود: از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴ هیچگاه درآمد سرانه در ایران از ۵ هزار دلار عبور نکرده که این امر نشان می‌دهد نظام اقتصادی ما به رشد پایین اقتصادی عادت کرده و سیاست‌های صنعتی و اقتصادی ما درست نبوده است. رییس پژوهشکده مطالعات راهبردی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خاطر نشان کرد: البته از سال ۲۰۰۱ درآمد سرانه تحرکی را از خود نشان داد اما به بالای پنج هزار دلار نرسید.

حسن پور با بیان اینکه در دو مقطع تاریخی، سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی کاهش پیدا کرده، ادامه داد: در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۸ و همچنین مقطع زمانی ۱۳۸۰ به بعد، این اتفاق افتاد و از سهم صنعت کاسته شد.

وی افزود: در سال ۱۳۸۰ سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی با احتساب نفت، ۲۰ درصد و بدون نفت ۱۸ درصد بوده و براساس آخرین آمار، این سهم با در نظر گرفتن نفت به ۱۲٫۸ درصد رسیده است.

رییس پژوهشکده مطالعات راهبردی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی،

تصریح کرد: اگر چه طی این سال‌ها، در بخش صنعت سرمایه‌گذاری شده و ما شاهد رشد سرمایه‌گذاری صنعتی بوده‌ایم، اما واقعیت این است که سهم صنعت نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی کاهش یافته و سایر بخش‌ها رشد بیشتری داشته‌اند. حسن پور اضافه کرد: تداوم چنین وضعیتی باعث شده که سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی، برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت که دارای ریسک بیشتری است، تمایلی نداشته و جذب سایر بخش‌ها شوند.

وی با مقایسه بخش‌های صنعت و مستغلات، گفت: براساس آمار بانک مرکزی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۱، سهم موجودی سرمایه در صنعت، همواره پایین‌تر از ۱۰ درصد بوده اما مستغلات بالای ۳۰ درصد بوده و حتی در برخی از سال‌ها به بالای ۵۰ درصد رسیده است.

این مقام مسئول در موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خاطر نشان کرد: این وضعیت نشان می‌دهد که بخش عمده ثروت جامعه در بخش غیرصنعتی است و ما باید برای صنعتی شدن، سیاست‌های خود را در حمایت از بخش تولید قرار دهیم.

حسن پور با اشاره به تاثیرپذیری از تحریم‌ها و التهابات اقتصادی، افزود: سیاست‌های اقتصادی ما بازدارنده نبوده است و تا زمانی که استحکام و بازدارندگی اقتصادی ما بالا نرود، سطح رفاه جامعه بالا نخواهد رفت.

وی با بیان آنکه بخشی از مشکلات ما مربوط به سیاست‌های اشتباه صنعتی در گذشته است، اظهار



داشت: براساس بررسی انجام شده ۹۸ درصد رشد بخش صنعت به دلیل تقاضای داخلی بوده است، بنابراین زمانی که تقاضای بخش داخلی به دلیل اجرای طرح هدفمندی و افزایش نرخ مسکن و هزینه‌ها کاهش می‌یابد، بخش تولید در کشور تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

رییس پژوهشکده مطالعات راهبردی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اضافه کرد: بالا رفتن نرخ مسکن و ارزش باعث کاهش قدرت خرید قشر متوسط جامعه شده و کاهش تقاضای این قشر برای خرید، تولید داخل را پایین آورده است.

حسن پور با اشاره به سیاست‌های اشتباه اقتصادی، گفت: در زمانی که رکود شدید را در جامعه تحمل می‌کنیم، فشارهای مالیاتی دولت افزایش می‌یابد که نشان دهنده اتخاذ سیاست‌های اشتباه است.

وی با بیان اینکه دولت فعلی در عمل انجام شده قرار گرفته است، گفت: چندین سال طول می‌کشد تا زمینه تغییر سیاست‌های نامطلوب دولت گذشته فراهم شود. این کارشناس مسائل بخش صنعت با تاکید بر لزوم تزریق بودجه عمرانی توسط دولت، اظهار داشت: پرداخت بدهی پیمانکاران و تزریق بودجه عمرانی باعث شکل گرفتن فضای امید در جامعه شده و این تصور ایجاد خواهد شد که شرایط در حال بهبود است.

حسن پور اضافه کرد: برای تحرک بخشیدن به بخش مسکن باید از فضای فراهم شده در پساتحریم استفاده کرد و بر این اساس می‌توان پول ایرانیان خارج از کشور را جذب کرد تا با خرید املاک در ایران به رونق گرفتن اقتصاد کشور کمک کنند.

وی با بیان آنکه رشد اقتصادی سال گذشته در کشور، ناشی از تحرک صنعت خودرو سازی بود، گفت: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در فاصله زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰، حدود ۳۰ درصد رشد صنعتی کشور ناشی از رشد صنعت خودرو بوده است.

رییس پژوهشکده مطالعات راهبردی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی یادآور شد: در بخش مسکن، معضلی به نام دلالی وجود دارد، اما در بخش خودرو سازی چنین مشکلی را نداریم و بنابراین بهتر می‌توان در آن بخش سیاستگذاری کرد و نتیجه گرفت.

حسن پور با تاکید بر آنکه در صورت تحرک صنعت خودرو سازی، سایر بخش‌های اقتصادی نیز فعال خواهند شد، گفت: اگر تقاضا برای خودرو وجود نداشته باشد، رشد اقتصادی ضربه خواهد خورد.

وی خاطر نشان کرد: اگر در یک دهه گذشته، بحث سرمایه گذاری خارجی را جدی می‌گرفتیم، شاید امروز، از صنایعی برخوردار می‌شدیم که قادر باشند روی پای خود بایستند.

این کارشناس بخش صنعت با تاکید بر لزوم توجه به بخش تولید در کشور، اظهار داشت: بخش خدمات در کشور رشد زیادی کرده لذا امروز باید به افزایش تولید توجه کرد؛ بنابراین اگر قرار است که در جامعه پول تزریق شود باید به بخش صنعت و تولید تعلق گیرد.

حسن پور با اشاره به معضل قاچاق در کشور، گفت: تا زمانی که سالانه با ورود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور مواجه باشیم، کار تولید محور شکل نخواهد گرفت.

● برنامه‌های راهبردی وزارت صنعت باید در راستای اسناد بالادستی باشد

حیدر مستخدمین حسینی استاد دانشگاه و کارشناس مسایل اقتصادی ایران در این میزگرد، با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت صنعت در دوران پساتحریم معتقد است که شاکله فعلی صنعت ایران در دوران پساتحریم از بین خواهد رفت و دلیل آن را تکنولوژی پایین صنایع کشور عنوان کرد. وی با بیان اینکه هنگامی که تحریم‌های کشور برداشته شود، صنایعی خواهند آمد که مجهز به تکنولوژی‌های روز هستند، گفت: این موضوع باعث آسیب دیدن صنایع کشور خواهد شد.

کارشناس مسایل اقتصادی ایران با انتقاد از اینکه در تدوین برنامه راهبردی صنعت بازارهای مصرف شناسایی نشده‌اند، افزود: توسعه صنعت نیازمند شناسایی بازار مصرف است، نمی‌شود صنعت را توسعه داد بدون آنکه بازار مصرفی برای آن در نظر گرفت.

مستخدمین حسینی با بیان اینکه در تدوین برنامه، بر خورداری از تکنولوژی روز مورد توجه قرار نگرفته است، تصریح کرد: سطح بندی تکنولوژی نیز در این برنامه باید مورد توجه قرار گرفته و مقام‌های صنعتی باید این را پذیرفته و هزینه آن را بپردازند.

قائم مقام سابق ایدرو با اشاره به اینکه در بودجه سال ۱۳۹۵ نیز برنامه راهبردی صنعت مورد بی توجهی قرار گرفته است، گفت: در حالی که اعداد بودجه بسیار انقباضی دیده شده، سند راهبردی چیز دیگری را مدنظر قرار داده است.

● توجه به کنترل تورم سیاست اشتباه دولت

وی با بیان اینکه بزرگترین اشتباه اقتصادی دولت آن است که تمام توجه خود را به کنترل یک شاخص یعنی تورم معطوف کرده است، از عدم ارائه برنامه‌های دقیق اقتصادی تا حصول نتیجه مذاکرات اتمی انتقاد کرد و آن را عامل شکست دولت در تحقق اهداف اقتصادی خود دانست.

مستخدمین حسینی ادامه این روند را به ضرر کشور دانست و تاکید کرد: اگر دولت بیش از حد برای کنترل تورم اقدام کند و برنامه دیگری ارائه ندهد در پایان سال ۹۵ به بخشی زیادی از اقتصاد کشور صدمه وارد خواهد شد.

کارشناس ارشد اقتصاد ایران تصریح کرد: دولت باید برای رهایی کشور از رکود برنامه‌ای ارائه دهد زیرا اقتصاد ایران از سال ۱۳۳۸ تاکنون که کشوری در حال توسعه است با یک تورم ذاتی مواجه است بنابراین یک تورم ۱۷ تا ۲۰ درصد در بطن خود دارد نباید برای کاهش آن تلاش کرد باید واقعیت را مدنظر قرار داد با این روند راه به جایی نخواهیم برد.

وی از نبود انسجام خاص در حوزه اقتصاد و اینکه هر وزارتخانه کار خود را می‌کند و فرمانده اقتصادی نداریم، انتقاد کرد و گفت: باید یک فرمانده توانمند برای اقتصاد کشور در نظر

رییس پژوهشکده مطالعات راهبردی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اما در بخش خودروسازی چنین مشکلی را نداریم و بنابراین بهتر می‌توان در آن بخش سیاستگذاری کرد و نتیجه گرفت



گرفت تا بتوان اهداف را پیش برد.

مستخدمین حسینی با اشاره به گام اشتباهی که دولت برای کنترل تورم برداشت و مبلغ ۶۰ میلیارد دلار سهم مردم از بازار بورس را بلوکه کرد، افزود: این کار دولت باعث گسترش بدبینی بین سرمایه گذاران شده به طوری که آنان حاضر نیستند برای خروج از رکود سرمایه گذاری کنند. قائم مقام سابق ایدرو تاکید کرد: اگر دولت بتواند این اعتماد را بر گرداند سرمایه گذار برای سرمایه گذاری اقدام خواهد کرد در غیر این صورت سرمایه گذاری با شعار و حرف و حدیث امکان پذیر نیست.

● دولت جهت گیری حمایت از تولید ملی ندارد

وی با بیان اینکه متأسفانه جهت گیری دولت به سمت تولید نبوده و تولید ملی همواره با مشکلات عدیده مواجه شده است، تصریح کرد: سیاست های پولی نیز هیچ حمایتی از تولید ندارد و اینکه نرخ ۲۴ درصدی تسهیلات چگونه می تواند از تولید ملی حمایت کند؟

مستخدمین حسینی قانون اصلاح مالیات ها را از عوامل دامن زننده به رکود دانست و گفت: اقتصاد ما بعد از نفت وابسته به مسکن است قانون اصلاح مالیات ها فعالیت در بخش مسکن را متوقف خواهد کرد و این در نهایت به ضرر کشور است.

استاد اقتصاد دانشگاه با بیان اینکه اگر دولت سیاست مسکن را در جهت رونق در پیش نگیرد شاهد فروپاشی اقتصاد خواهیم بود، تاکید کرد: مسکن حداقل ۵۰۰ واحد صنعتی را به حرکت در خواهد آورد بنابراین ضروری است به سمت رونق مسکن حرکت کنیم.

وی با بیان آنکه براساس آمار اعلام شده از سوی شهرداری الان پروانه بهره برداری ها نشان می دهد در پنج ماهه امسال نسبت به پنج ماه سال قبل ۵۷ درصد کاهش یافته است، افزود: این شوخی نیست و رکود این بخش اثر خود را بر دیگر بخش های صنعت خواهد گذاشت.

مستخدمین حسینی کمک دولت به صنعت خودرو برای خروج از رکود را اشتباه دانست و گفت: خودروسازی نمی تواند رکود را از بین ببرد بلکه نفت و مسکن از بین برنده رکود خواهند بود.

● رونق بخشی به فعالیت های بخش مسکن راهکار اساسی خروج اقتصاد کشور از رکود است

کیوان جعفری طهرانی فعال اقتصادی و رییس امور بین الملل انجمن تولید کنندگان و صادر کنندگان سنگ آهن ایران نیز در این میزگرد اقتصادی اظهار داشت: ایران اسلامی با دارا بودن ذخایر عظیم معدنی، توانایی کاهش وابستگی اقتصاد به نفت را داراست که مورد تاکید مقام معظم رهبری است. وی گفت: در اقیانوس ۱۴۰۴ توسعه کشور، افزون بر ۵۵ میلیون تن فولاد برای تامین رشد اقتصادی کشور نیاز است که به این منظور احتیاج به حداقل ۱۶۰ میلیون تن سنگ آهن داریم، اما با تولید کنونی سالانه ۴۸ تا ۵۲ میلیون تن سنگ آهن، تارقم مورد نیاز فاصله زیادی وجود دارد.

جعفری افزود: با این حال، ذخایر معدنی کشور افغانستان که مطابق ارزیابی های سازمان زمین شناسی آمریکا حدود هزار میلیارد دلار تخمین زده شده، این کشور می تواند در تامین نیاز کشور به سنگ آهن مؤثر باشد. وی ادامه داد: ذخایر ثبت شده سنگ آهن کشور حدود سه هزار میلیارد دلار تخمین زده می شود و علاوه بر آن هنوز ذخایر کشف نشده زیادی در سطح کشور داریم؛ این در حالی است که حفاری های سنگ های معدنی از عمق های کمتر از ۱۰۰ متر انجام می شود و به دلیل هزینه های بالا تاکنون حفاری عمیق نداشته ایم.

رییس امور بین الملل انجمن تولید کنندگان و صادر کنندگان سنگ آهن ایران با اشاره به معدن 'نوردیک' کشور سوئد که در آن استخراج سنگ آهن از عمق هزار و ۳۵۰ تا هزار و ۵۰۰ متری انجام می شود، بیان داشت: این در حالی است که بطور نمونه در معادن گل گهر و چادرملو تازه به عمق ۸۰ متری رسیده ایم و هنوز ظرفیت های استفاده نشده زیادی در اعماق معادن کشور وجود دارد.

وی تصریح کرد: ۶۷ عنصر از مجموع عناصر جدول مندلیف در کشور وجود دارد که اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرد، سرمایه ای که از این طریق جذب کشور می شود حتی از درآمدهای نفتی پیشی خواهد گرفت.

جعفری گفت: در سال ۹۳ سهم معادن در تولید ناخالص داخلی بین ۰٫۶ تا ۱٫۱ درصد به صورت مستقیم بود که البته بطور غیر مستقیم و بادر نظر گرفتن فعالیت های حمل و نقل اعم از ریلی، زمینی و دریایی این سهم به شش درصد خواهد رسید.

وی اضافه کرد: این در حالی است که در همین سال سهم نفت از تولید ناخالص ملی ۲۳ درصد و سهم خدمات و فعالیت های دلالی و واسطه گری از تولید ناخالص ملی ۲۰ درصد بوده است و به همین دلیل است که درآمدهای کشور از جاهایی که باید تامین نمی شود و جای پیشرفت نداریم. عضو هیأت مدیره انجمن تولید کنندگان و صادر کنندگان سنگ آهن ایران با بیان اینکه اقتصاد ایران در وهله نخست باید نسبت

به کاهش درآمدهای خود از فعالیت های خدماتی و واسطه گری اقدام کند، خاطرنشان کرد: در صورتی که سهم درآمدهای ملی از بخش معدن حداقل ۱۰ برابر افزایش یابد، سهم بسزایی در افزایش اشتغال و درآمدها در کشور خواهد داشت.

وی یادآور شد: در بخش معدن برخلاف صنایع که متخصصان را از شهرستان ها و نقاط دور دست به شهرهای بزرگ می کشاند و در صورت مواجه شدن با مشکل این افراد به راحتی به شهرستان ها برنگشته و درآمدهای نامطلوب واسطه گری افزایش می یابد، متخصصان و افراد خبره در مناطق دور افتاده حضور می یابند و قشر وسیعی از افراد جامعه مستقیماً منتفع می شوند.

جعفری گفت: بطور نمونه طی پنج سال گذشته در استان سیستان و بلوچستان با توسعه فعالیت معادن، درصد قابل توجهی از بومیان منطقه به این سمت جلب و جذب شدند و قاچاق مواد مخدر کاهش یافت، بنابراین توسعه معادن افراد بومی و همچنین متخصصان و نخبگان را به سمت اشتغال صحیح سوق می دهد.

● کمپین نخریدن خودروی صفر راه به جایی نمی برد

وی در ادامه با اشاره به ظرفیت ۳۶۰ میلیون مترمربعی صنعت کاشی و سرامیک کشور، یادآور شد: هم اینک و به دلیل رکود ساخت و سازها، نیمی از تولیدات این صنعت در انبارها دپو شده است.

این فعال اقتصادی بخش خصوصی بیان کرد: در صنعت فولاد نیز با توجه به پیش بینی تولید ۵۵ میلیون فولاد در چشم انداز ۲۰ ساله کشور و با توجه به نیاز داخلی ۵۱ میلیون تنی در سال ۱۴۰۴، باید از هم اکنون به فکر صادرات مازاد تولیدات فولاد و بازاریابی باشیم.

جعفری افزود: متأسفانه شاهدیم سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی روز به روز در حال کاهش است و نگران این هستیم که به

جعفری: ۶۷ عنصر از مجموع عناصر جدول مندلیف در کشور وجود دارد که اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرد، سرمایه ای که از این طریق جذب کشور می شود حتی از درآمدهای نفتی پیشی خواهد گرفت



گذاران بخش خصوصی کشور سرمایه‌های خود را به اقتصاد داخلی تزریق نکنند، خارجی‌ها نیز به دلیل شرایط عدم اطمینان حاکم بر اقتصاد در ایران حضور نخواهند یافت و دولت باید به فکر راه‌اندازی چرخه اقتصاد باشد.

وی تصریح کرد: اگر دولت روی صنعت خودرو به عنوان محرک اقتصاد کشور برنامه‌ریزی کرده، به جایی نخواهد رسید و تحرک لازم ایجاد نخواهد شد؛ چرا که مردم مشکل نقدینگی دارند و حتی کمپین پیش‌گفته نیز به همین دلیل و ناتوانی بسیاری مردم در خرید خودروهای خارجی به جایی نخواهد رسید.

جعفری طهرانی با اشاره به تجربه دیگری از کشور چین، افزود: رییس‌جمهور این کشور با اقدامی به موقع و اعمال مالیات‌های سنگین

بر واحدهای مسکونی خالی، رونق مجددی به بخش اجاره و خرید مسکن این کشور



بخشید؛ اقدامی که به دلیل وابستگی زندگی افراد به مسکن تاثیرگذار شد و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز باید اقدامات مشابهی را در عرصه مسکن برای رونق بخشی به اقتصاد داخلی مطرح نظر قرار دهد. وی بار دیگر بر لزوم برنامه‌ریزی دولت برای تحرک بخشی به بخش مسکن به عنوان راهکار اساسی خروج اقتصاد از حالت رکود تاکید و تصریح کرد: توسعه معادن، رونق بخش مسکن و تمامی مشاغل و فعالیت‌های وابسته به بخش مسکن و در نتیجه رونق اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. گزارشش ایرنا حاکیست؛ در خاتمه این میزگرد، کارشناسان اقتصادی به اتفاق طراحان و اجرای سیاست‌هایی از سوی دولت به منظور خروج بخش مسکن از رکود کنونی و تحرک و پویایی هر چه بیشتر صنایع نفت و معدن را به عنوان راهکارهای اصلی برای خروج اقتصاد داخلی از رکود، توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد اشتغال عنوان کردند.

دلیل کم‌دردر بودن و جاذبه کار واردات، بسیاری فعالان اقتصادی به این سمت و سو کشیده شوند.

وی با اشاره به کمپین نخریدن خودروی صفر که این روزها در فضای مجازی داغ شده است، تصریح کرد: به نظر می‌رسد این کمپین نه به دلیل نزول کیفیت خودروهای داخلی، بلکه به دلیل کمبود نقدینگی مردم رونق یافته باشد.

رییس امور بین‌الملل انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ آهن ایران ادامه داد: در زمینه مسکن نیز به همین ترتیب است و با توجه به وابستگی تعداد بسیار زیادی از مشاغل کشور به مقوله مسکن، اگر مسکن در کشور رشد یابد اقتصاد نیز از تحرک لازم خواهد شد.

وی بطور نمونه با اشاره به اقتصاد چین، تصریح کرد: اقتصاد این کشور به عنوان دومین اقتصاد جهان در دوران ریاست جمهوری 'هو جین تائو' رشد سالانه بین ۱۰ تا ۱۴ درصد را ثبت می‌کرد، اما از زمان روی کار آمدن رییس‌جمهور 'شی جین پینگ' با افکار کمونیستی که قائل به مالکیت یک ملک از سوی هر نفر چینی بود، شاهد رکود در بخش مسکن این کشور، کاهش رشد اقتصادی و زمین خوردن 'ازدهای زرد' بودیم. جعفری طهرانی تاکید کرد: رکود بخش مسکن و ساختمان‌سازی کشور، منجر به رکود شدن سایر فعالیت‌های مرتبط با این صنعت شده از جمله کاهش ۱۸۰ میلیون متر مربعی صنعت کاشی و سرامیک شده که در این حوزه خواب سرمایه‌ای حداقل به ارزش یکصد ملیون دلار را در پی داشته است.

وی با اشاره به دوران پساتحریم، تصریح کرد: امروز افراد جامعه از سرمایه‌گذاری ابادارند، چرا که منتظر مشخص شدن نتایج توافقات هستند و شاهدیم بازار بورس نیز با رکود مواجه شده است. عضو هیأت مدیره انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ آهن ایران افزود: رکود عرصه‌های مختلف اقتصادی کشور از بخش مسکن آغاز شده است و مادامی که دولت اقدام مؤثری در این زمینه نداشته باشد، گردش اقتصادی در کشور ایجاد نخواهد شد.

وی بطور نمونه با اشاره به سرمایه‌گذاری بانک‌های پاسارگاد و پارسیان در بخش معدن، توضیح داد: طی سال‌های گذشته شاهد عدم سود دهی و ضرردهی این بانک‌ها بودیم که از رکود در بخش مسکن کشور ناشی شده و حتی شاهدیم واردکنندگان فولاد نیز به علت همین رکود با ضرر و زیان مواجه شده‌اند.

جعفری تاکید کرد: رونق اقتصادی کشور در گرو آغاز مجدد بخش مسکن است که نوعی تمام‌بدنه اقتصاد را درگیر خود می‌کند و این‌که امیدوار بودیم دولت در دوران پساتحریم به حرکتی دست‌بزنند تا شاهد رونق بخش مسکن از ابتدای سال ۹۵ باشیم، گفت: متأسفانه چنین مطلبی را شاهد نیستیم و حداقل تا یک سال آینده رکود بخش مسکن ادامه خواهد داشت.

رییس امور بین‌الملل انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ آهن ایران تصریح کرد: تعدد زیاد بانک‌ها در کشور نشانه وجود مشکلات در اقتصاد کشور است، چرا که نشان می‌دهد مردم حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند و پول‌هایشان را در بانک‌ها نگهداری می‌کنند.

وی تصریح کرد: مشکل کنونی اقتصاد کشور با رونق ساخت و سازها حل می‌شود، نه باره‌اندازی کمپین نخریدن خودروهای صفر کیلومتر داخلی. این فعال اقتصادی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به مانیتورینگ دقیق اوضاع اقتصادی کشور از سوی خارجی‌ها، هشدار داد: بدانیم و آگاه باشیم تا زمانی که سرمایه

اصلاح الگوی سرمایه

سرمایه گذاری در نفت به تنهایی بار ایجاد تراز حساب جاری مثبت را دوش کشیده است، اما نفت تنها مزیت اقتصاد ایران نیست کشورمان طی سالیان گذشته با مشکلات عدیده‌ای در عرصه اقتصاد کلان مواجه بوده است. بیکاری تورم، فقر، تحریم و مشکلاتی از این دست، در این سال‌ها زندگی مردم را به شدت تحت فشار قرار داده اند طبیعتاً راز میان برداشتن این مشکلات افزایش توانمندی و بازده اقتصادی در سطح کلان است که دست سیاست‌گذاران و مجریان اقتصادی را در اجرای برنامه‌های مطلوب رفاهی و توسعه ساز باز می‌کند.

بررسی تراز حساب جاری ایران در عرصه بین الملل نشان می‌دهد کشورمان در بین بسیاری از کشورهای مطرح و تراز الو جهانی همواره وضعیت در خور و خوبی داشته است. در سال‌های گذشته تراز حساب کشورمان همواره در بین ۱۰ تا ۱۵ کشور اول جهان بوده است، اما این وضعیت نسبتاً مطلوب، زمینه توسعه و پیشرفت ما را فراهم نکرده است.



راهی برای توسعه

از عصر کلاسیک تا اقتصاد مدرن و پیچیده امروز، همواره روی این اصل تاکید شده است که برای دستیابی به سهم در خور از اقتصاد منطقه ای و جهانی باید پیش از هر چیز مزیت راه‌های خود را بشناسیم.

از سوی دیگر تجربه تقریباً تمام کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری صحیح آن‌ها در مزیت‌های نسبی کلید موفقیتشان بوده است. ما علاوه بر نعمت‌های خدادادی معدنی و زیرزمینی، در بسیاری از بخش‌های غیر نفتی با مزیت‌هایی مواجهیم که از آنها غافل مانده‌ایم.

جدا از خشکسالی‌ها که بسیاری از کشورهای جهان با آن روبرو هستند تنوع آب و هوا، وجود انرژی کافی، خورشیدی و نیروی کار ارزان در بخش کشاورزی به واقع از مزیت‌های این بخش اقتصادمان محسوب می‌شوند. از سوی دیگر صنعت ما ظرفیت‌های بالقوه فراوانی دارد برای این بخش باید الگوهای تجارت درون صنعت را معیار عمل قرار دهیم. طبق اصول مدیریت بازرگانی، توسعه تجارت درون صنعت به دو بخش افقی و عمودی اماکن پذیر است. برای تجارت عمودی الزام توجه به کیفیت باید هدفی اصلی قرار گیرد و در خصوص تجارت افقی، کاهش بهای تمام شده و تمرکز در تمایز باید معیار کار باشد. از سوی دیگر، علاوه بر سهم فراوان بخش خدمات از اشتغال و تولید کشور، خوشبختانه این بخش در کشورمان به مرحله‌ای رسیده که قابلیت اتصال با بخش‌های صنعتی و کشاورزی را داشته باشد. مسلماً سرمایه‌گذاری در مزیت‌های تراز بازرگانی و تراز حساب جاری ما را بهبود خواهد بخشید. تا قبل از تحریم‌ها و حتی تا همین امروز بخش نفت به تنهایی این بار را به دوش کشیده است، اما فراموش نکنیم که نفت تنها مزیت اقتصاد ایران نیست.

● بلای نفت نعمت است!

در دهه‌های گذشته، ما مدیریتی صحیح در قبال نفت، این محصول ناب و ثروت ساز نداشته‌ایم و بدتر آن که با کفر نعمت، ناکارآمدی مدیریت خود در اقتصاد را ناشی از وجود این نعمت خدادادی بر شمرده‌ایم. اقتصاد ما زمانی پویا می‌شود که به معنای واقعی کلمه در مسیر توسعه متوازن قرار گیرد و برای آن باید در تمام زمینه‌ها راه پیشرفت و ترقی را فراهم نماییم. تشکیل سرمایه‌گذاری‌ها در تمامی صنایع و بخش‌ها گام اول دستیابی به این مسیر نجات بخش خواهد بود.

اقتصاد دانان نشان داده‌اند برای داشتن "اقتصادی رو به توسعه" باید نسبت تشکیل سرمایه به محصول ناخالص داخلی کشور (GDP) حداقل ۳۰ تا ۵۳ درصد در سال باشد و حتی برای کشورهای در حال توسعه، این رقم می‌تواند به حدود ۴۰ درصد برسد. رشد مطلوب تشکیل سرمایه از آن جهت که با هدف تامین درآمدهای پایدار صورت می‌گیرد، نگاهی موثر به بازارهای جهانی دارد و لذا با ظهور در بازارهای روز دنیا، ضمن افزایش رقابت پذیری به منبعی قابل اطمینان برای ارز آوری و در حقیقت در آمد پایدار بدل می‌شود. اما مطالعه روند تشکیل سرمایه در اقتصاد کشور وضعیت را چندان امیدوار کننده نشان نمی‌دهد. طبق بررسی (اقتصاد ایران) طی یک دهه گذشته (سال‌های ۸۴ تا ۹۳) نسبت تشکیل سرمایه به GDP کشور به طور متوسط ۱۷ درصد بوده که اصلاً برای دستیابی به اقتصادی با صلابت مطلوب نیست.

● مردم دولت و اقتصاد

جریان تشکیل سرمایه در بسیاری از اقتصادهای توسعه یافته نوظهور بر گرفته از حضور موثر مردم در فضای اقتصادی است. اما در کشور ما به دلیل فقدان زیر ساخت‌های قابل اعتماد، بخش خصوصی سهم اندکی سهم‌اندکی در سرمایه‌گذاری دارد. همین موضوع ناخودآگاه حضور دولت در عرصه اقتصادی را پررنگ تر کرده است کرده و انباشت سرمایه شکل گرفته در نظام اقتصادی ما را دولتی کرده است و البته طبیعی است که سرمایه‌گذاری دولتی در لوای مسایلی همچون سد سازی و ساخت بنادر و راه‌ها و مواردی از این دست می‌تواند به رشد زیر ساخت‌ها و بالتبع رشد اقتصادی کشور بی‌انجامد. در حقیقت آنچه دولت - به دلیل ماهیت سیاست گذاری دولتی - تحت عنوان سرمایه‌گذاری به اقتصاد تزریق می‌کند.

باید با سرمایه‌گذاری مستقیم در تجهیزات تولید که بخش خصوصی نیز تمایل به انجام آن را دارد متفاوت باشد. اما سرمایه‌گذاری مستقیم دولت به عنوان رقیب بخش خصوصی سبب شده است تا حاصل این سرمایه‌گذاری فاقد کارایی بوده و توان رقابت پذیری جهانی را نداشته باشد. البته این روند در سال‌های اخیر تا حدودی اصلاح شده و نسبت مخارج عمرانی دولت به تشکیل سرمایه کشور که در دهه ۸۰ به طور متوسط ۳۶ درصد بوده، در دهه ۹۰ (سال‌های ۹۰ تا ۹۳) به طور متوسط به ۱۵ درصد تقلیل یافته است. یکی از دلایل رشد صادرات غیر نفتی را در سال‌های اخیر میتوان ناشی از اصلاح الگوی سرمایه‌گذاری دانست به عبارت بهتر باید گفت به همان اندازه که کشورمان به اصلاح الگوی مصرف نیاز دارد، اصلاح الگوی سرمایه‌گذاری می‌تواند راهگشای توسعه ما باشد.

تعطیلی صنایع جدید

معادن در سال ۹۳ سهم فزاینده‌ای از محصول ناخالص داخلی داشته است. این سهم در دوره‌های فصلی سال ۹۳ به ترتیب ۲۰/۱۹، ۲۰/۱۹ و ۲۴/۶ درصد بوده و به طور کلی در نه ماهه نخست سال گذشته سهمی ۲۱/۷ درصدی را برای این بخش به ارمغان آورده است.

سرمایه‌گذاری در تأسیس واحدهای صنعتی و تعداد جواز تأسیس این واحدها موضوع دیگری است که در آمارهای رسمی قابل شناسایی است. متوسط رشد سرمایه‌گذاری در سال‌های ۹۰ و ۹۱ در تأسیس واحدهای صنعتی به ترتیب منفی ۷/۴ و منفی ۲۱/۵ بوده است.

در انتهای سال ۹۲ رشد سرمایه‌گذاری صنعتی رشد چشمگیری داشته، اگرچه این رشد در سال ۹۳ روند کاهنده‌ای را دنبال کرده است، به نحوی که در سه ماهه اول، دوم و سوم این سال به ترتیب شاهد رشدهای ۶۹/۱، ۱/۸ و منفی ۴۳/۵ درصد در این شاخص بوده ایم. افت قابل توجه سرمایه‌گذاری در تأسیس واحدهای جدید صنعتی در سه ماهه سوم سال ۹۳ حاصل سیاست‌گذاری بانک مرکزی در سوق دادن منابع بانکی به سمت سرمایه در گردش به جای ارایه تسهیلات برای تشکیل سرمایه ثابت است.

همچنین لازم است به این نکته توجه شود که تورم موجود در جامعه، کاهش قدرت خرید مردم و رکود حاکم بر بازار عدم رونق تولیدات داخلی، عدم تدوین و اجرای قوانین حمایتی و مشوق‌های تولید و صادرات، تشدید درگیری‌های منطقه‌ای و کاهش صادرات به کشورهای همسایه مانند عراق و بسیاری از مشکلات دیگر همچنان گریبان‌گیر بخش تولیدی و صنعتی کشورند. حتی هنوز از تخصیص سهم بخش صنعت از منابع طرح هدفمندی پارانه‌ها خبری نشده است.

● امیدهای صنعتی

با این وجود برخی اقدامات دولت فعلی برای بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی کشور حایز اهمیت اند که از این منظر می‌توان به تلاش مسوولان برای بهبود محیط کسب و کار و ترغیب سرمایه‌گذاران به توسعه فعالیت‌های تولیدی و تجاری اشاره کرد. همچنین در راستای اهداف اقتصادی مذاکرات هسته‌ای، اشتیاق هیات‌های تجاری و صنعتی بسیاری از کشورها برای توسعه همکاری با ایران شایان توجه است.

امید می‌رود با بهبود روابط بین‌المللی و رشد داخلی اقتصاد کشور شاهد پیشرفت‌های روزافزون صنایع داخلی و بالتبع تولید ملی کشور باشیم. بهبود فضای کسب و کار، استفاده از ظرفیت‌های خالی اقتصاد، افزایش بهره‌وری و گسترش صادرات در کنار بهبود و توسعه سیستم بانکی و افزایش اعتبارات بخش‌های صنعتی و تولیدی کشور می‌تواند اقتصاد ایران را به اقتصادی پویا رهنمون سازند.

● صنعت درگیر مشکلات ساختاری

متأسفانه علیرغم اهمیت قابل توجه صنعت، شاهد روزگار نه چندان مطلوب این بخش اقتصادی هستیم و این وضعیت ناشی از وجود مشکلات ساختاری در این بخش است. عدم برقراری ارتباط واقعی بین دانشگاه و صنعت، عدم باور توانمندی‌ها و مزیت‌های خود و مدیریت ناکارآمد، مشکلات موجود در این بخش را «تور تور» کرد. با توجه به آمار و ارقام موجود بخش صنعت و معدن کشورمان پس از گذراندن دو دوره رکودی (سال‌های ۹۱ و ۹۲)، در سال گذشته بهبود نسبی را در وضعیت خود تجربه کرده است. پیش از ورود به سال ۹۳، در زیربخش‌های مختلف صنعت و معدن شاهد رکود عمیقی بوده ایم که تجلی آن را می‌توان در رکود حاکم بر صنعت فولاد مشاهده کرد - رکودی که در ۳۰ سال اخیر بی سابقه بوده است.

یکی از صنایعی که در سال گذشته رشد چشمگیر و عمده‌ای را تجربه کرده، صنعت خودروسازی است. این صنعت با ۵۶ درصد رشد، به عنوان یکی از شاخص‌ترین صنایع سال شناخته شده است، اگرچه اغلب کارشناسان بر این باورند که رشد قابل توجه صنعت خودرو، عمدتاً ناشی از وضعیت رکودی شدید آن در یکی دو سال اخیر بوده و تازه قسمتی از ظرفیت‌های از دست رفته خود را باز یافته است. به موازات در سال ۹۳ شاهد کاهش تولید در صنایع آلومینیوم و سییمان کشور (حدود ۴ درصد) بوده ایم که روندی خلاف جهت رونق نسبی بخش صنعت و معدن در این سال داشته‌اند. این صنایع صادرات محور به شدت از نوسانات بازارهای جهانی آسیب دیده‌اند.

اما به طور کلی بخش صنایع و معادن پس از تجربه رکود در سال‌های ۹۱ و ۹۲، به ترتیب در دوره‌های سه ماهه اول، دوم و سوم سال گذشته رشدهای ۷/۰، ۶/۳ و ۵/۴ درصدی را تجربه کرده است.

در سه ماهه نخست سال ۹۳ با توجه به ادامه رکود در بخش ساختمان، سهم ساختمان در ایجاد رشد ارزش افزوده منفی بوده، اما رشد ۹/۷ درصدی صنعت و ۱۷/۳ درصدی و گسترش صادرات از جمله مواردی اند که موجب مثبت شدن سهم کلی صنایع و معادن صنعتی اقتصاد شده و زمینه‌ساز رشد ۷/۰ درصدی این بخش را در سه ماهه نخست سال گذشته فراهم کرده است. به یمن رشد چشمگیر زیربخش صنعت، گروه صنایع و

بخش صنعت در حال ارتقای بهره برداری از ظرفیت‌های خالی است، در حالی که رشد تأسیس صنایع جدید منفی شده است.

صنعت موتور محرک اقتصاد است و این نقش بر کسی پوشیده نیست. صنعت نه تنها می‌تواند باعث رونق کسب و کار در جامعه شود بلکه می‌تواند امکان خروج غیرتورمی اقتصاد از رکود را فراهم نماید.

بخش ساختمان که یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد کشور محسوب می‌شود، خود برای تأمین خوراک اولیه اش به صنایع تولیدی نظیر مصالح ساختمانی، سییمان، صنایع فلزی، لاستیک و پلاستیک و صنایع شیمیایی نیازمند است. در کشاورزی از ماشین‌آلات سرمایه‌ای گرفته تا مواد اولیه‌ای مانند کود و سم همگی دستپخت صنایع کشورند که به عنوان ملزومات حیاتی برای توسعه و مکانیزاسیون کشاورزی شناخته می‌شوند. خدمات که بخش عمده محصول ناخالص داخلی و اشتغال

کشور را در سیطره خود دارد اگر تولیدات صنعتی را در اختیار نداشته باشد، حیاتی‌ترین معنای یابد. از این رو است که اقتصاددانان توجه ویژه‌ای به توسعه صنعت کشور دارند.

علاوه بر ارتباطات پیشین و پسین بخش صنعت و معدن با سایر بخش‌های اقتصاد ایران، این بخش از منظر توسعه و انتشار فناوری اهمیت بسزایی دارد و جایگاه آن در تفکیک بخش‌های اقتصادی بسیار حساس است. بسیاری از منابع کشور که جزو منابع با فناوری بالا محسوب می‌شوند، در زیرمجموعه بخش صنعت و معدن قرار دارند، از جمله صنایع هوا فضا، داروسازی و صنایع تولید ابزار دقیق. از این منظر بدیهی است که مهارت و خلاقیت کارآفرینان ایرانی در زمینه این صنایع، موجب انتشار فناوری به سایر بخش‌ها شده و توسعه اقتصاد را به دنبال خواهد داشت.





کاهش هزینه مبادلات و دسترسی فروشنده‌گان به مشتریان و مصرف کنندگان به تولید کنندگان در سطح وسیع، اقتصاد را به سمت تجارت الکترونیک متمایل می‌کند

چندی است چرخ‌های اقتصاد متمایل به راهی شده‌اند - راهی که رسیدن به مقصد رشد اقتصادی و بهره‌وری را آسان و کوتاه‌تر می‌سازد. تجارت امروز نیازمند حضور در مسیر دنیای الکترونیک است و شامه قوی بنگاه‌های اقتصادی به خوبی بوی سود را در این مسیر حس کرده است. حرکت تجار در مسیر دنیای الکترونیک، در تبلیغات روز افزون در شبکه‌های اجتماعی متجلی است. شبکه‌های اجتماعی که در ابتدا برای اهداف دیگری شکل گرفته‌اند، امروز به محل مناسبی برای تجارت تبدیل شده‌اند. روزانه بخش قابل توجهی از اوقات مردم جهان صرف چک کردن فیسبوک، توئیتر و اینستاگرام می‌شود. بدین ترتیب تجار با کمترین هزینه ممکن تبلیغات خود را در این شبکه‌های پر بازدید قرار می‌دهند. علاوه بر شبکه‌های اجتماعی یاد شده، لینکدین به صورت تخصصی وارد کار شده و مرادوات اقتصادی و تجاری اینترنتی را به شکل طرح ریزی شده و کارشناسانه سهولت بخشید.

خرد و کلان تجارت بر خط اگر بخواهیم نگاهی خرد به تاثیر تجارت الکترونیک بر اقتصاد بی‌اندازیم، می‌بینیم که این نوع تجارت بر کاهش قیمت کالا و خدماتی که امکان بر خط شدن را دارند، اثر مثبت دارد. علاوه بر این، تجارت بر خط هزینه جست و جو را تقلیل و رقابت در بازار را افزایش داده، زنجیره تولد و عرضه کالا و خدمات را کوتاه کرده و موانع ورود به صنعت را کاهش می‌دهد. نگاهی به اختلاف قیمت کالاها و خدماتی که به صورت بر خط یا سنتی عرضه می‌شوند نشان می‌دهد که کالاها و اینترنتی معمولاً قیمت پایین‌تری دارند. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهند با بر خط کردن عرضه کالاها و خدمات می‌توان در حدود ۲ تا ۴۰ درصد از هزینه کل نهاده‌ها صرفه جویی کرد. گرچه در صنایع مختلف این کاهش هزینه متفاوت است، اما در مجموع این کاهش هزینه توان کاهش ۴ درصدی سطح عمومی قیمت‌ها را دارد.

اما در نگاه کلان به تاثیر تجارت الکترونیک بر تورم باید در ابتدا نیروهای اثر گذار بر عرضه و تقاضای بازار را شناسایی کنیم. بدین ترتیب درمی‌یابیم که منشأ تورم در اقتصاد کلان به کدام سمت - عرضه یا تقاضا - گرایش دارد. اگر تجارت الکترونیک بهره‌وری نیروی کار و به تبع آن بهره‌وری کل را افزایش دهد، بدون شک پیامد آن افزایش تولید کل اقتصاد خواهد بود. افزایش تولید به معنی انتقال منحنی عرضه کل اقتصاد به سمت پایین و در نتیجه کاهش سطح عمومی قیمت‌ها خواهد بود. از طرف دیگر، بررسی مبانی نظری اثرات تجارت الکترونیک بر اجزای تشکیل دهنده تقاضای کل نشان می‌دهد که تجارت الکترونیک احتمالاً موجب کاهش درآمد‌های مالیاتی، افزایش سرعت گردش پول، کاهش تقاضای پول و افزایش سرمایه‌گذاری میشود. پیامد این آثار بر تقاضای کل انتقال به سمت بالا هر منحنی مزبور و در نتیجه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها خواهد بود. بنابراین تجارت الکترونیک هر دو طرف عرضه و تقاضای کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما بر آیند این آثار بر سطح عمومی قیمت‌ها به قدرت نیروهای اثر گذار بر تقاضا و عرضه کل بستگی خواهد داشت، چرا که در طرف عرضه فشار بر کاهش قیمت‌ها و در سمت تقاضا بر افزایش قیمت‌ها متمایل است.

علاوه بر آن، میزان اثر پذیری عرضه و تقاضای کل و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها، به شدت کاربرد تجارت الکترونیک در اقتصاد یک کشور نیز بستگی دارد. اما به هر حال اگر تجارت الکترونیک با اثرات شدید ثروت همراه باشد، این احتمال وجود دارد که تقاضای کل بر

عرضه کل فشار آورده و موجب افزایش تورم در کوتاه مدت شود.

● سهم بهره‌وری در تجارت الکترونیک

دلایل متعددی بر تاثیر مثبت تجارت الکترونیک بر بهره‌وری صحه می‌گذارند. بنگاه‌ها می‌توانند با مهندسی مجدد از حداکثر ظرفیت فناوری‌های جدید بهره‌مند شوند. به عنوان مثال با فروش الکترونیک، بنگاه‌ها می‌توانند هزینه‌های انبارداری و سایر هزینه‌های نهاده‌ای خود را کاهش داده یا حتی می‌توانند فرآیند خرید و فروش خود را تغییر داده و هزینه مشتری‌یابی را کاهش دهند.

اما بهره‌وری حاصل از سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌هایی با ماهیت فناوری اطلاعات، برای مدتی منشأ مجادلات بین اقتصاددانان بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد که بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات از اواسط دهه ۱۹۷۰ به این طرف با کاهش رشد بهره‌وری نیروی کار و سرمایه در اغلب کشورهای توسعه یافته همراه بوده است. این مساله به طرح مساله‌ای تحت عنوان پارادکس بهره‌وری سولودر سال ۱۹۸۷ منجر شده است: 'در همه جامی توانید عصر کامپیوتر را مشاهده کنید، به جز در بهره‌وری'. با این حال این مساله در کشورمان چندان قابل انتظار نیست، چرا که بهره‌وری کار و سرمایه ما آنچنان در سطح نازلی قرار دارد که جرعه تکنولوژی در ایران بستر مناسبی را برای بهبود این وضعیت فراهم خواهد کرد.

● پیشرفت‌های مالی نتایج

بزرگترین محور رشد باز یگر نقش دوم اقتصاد جهان چین، اقتصاد اینترنتی است. در سال گذشته از میان ده موسسه بر تر اینترنتی جهان، چهار موسسه چینی به چشم می‌خورند. تعداد کاربران اینترنتی این کشور به ۶۴۲ میلیون نفر رسیده و تعداد وب سایت‌ها به ۴ میلیون فقره بالغ شده است. معاملات تجارت الکترونیک چین بالغ بر ۱۳ تریلیون یوان شده و شاهد رشد چشمگیر شبکه‌های اینترنتی در این کشور بوده ایم.

از طرفی شرکت اینوست، حجم مبادلات تجارت الکترونیک جهان تا پایان سال ۲۰۱۵ را یک تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار پیش بینی کرده است. حجم مبادلات تجارت الکترونیک در سطح جهان در سال گذشته میلادی بیش از ۶۸۰ میلیارد دلار بوده که سهم کشورمان از این درآمد کمتر از ۱/۵ درصد است. در حال حاضر به طور متوسط ۸۰ درصد از جمعیت اقتصادهای توسعه یافته را کاربران اینترنت تشکیل می‌دهند، در حالی که این نسبت در اقتصادهای





به چشم می‌خورند آمازون و فیسبوک که در میان پرطرفدارترین و پرکاربردترین سایت‌ها قرار گرفته‌اند، ارزش‌هایی به ترتیب معادل ۱۸۷ و ۱۸۳ میلیارد دلار دارند.

● علی بابا، نامی جهانی.

علی بابا در رتبه بندی استارت آپ جایگاه دومین شرکت اینترنتی با ارزش را به خود اختصاص داده است. ارزش این ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد شده و زمینه فعالیت آن تجارت الکترونیک است. فروش این شرکت چینی منحصر به فرد و چشمگیر است. این شرکت در سال ۲۰۱۲ و تنها از دو پرتال توانسته ۱۷۰ میلیارد دلار فروش داشته باشد. گفتنی است در سال ۲۰۱۲ فروش این دو پرتال علی بابا بیشتر از مجموع فروش دو شرکت - آمازون و ای بی - بوده است. حدود ۸۰ درصد از فروش آنلاین در کشور چین توسط گروه علی بابا انجام می‌گیرد. همچنین این وب ساید جزو ۲۰ وب سایت برتر دنیا به شمار می‌رود. گروه رسانه‌ای ناسپرس واقع در آفریقای جنوبی با ۵۲ میلیارد و ۱۲۱ میلیون دلار ارزش، این کشور را در جایگاه سوم این رتبه بندی قرار داده است و پس از آن یاهوی ژاپن با ارزش ۳۷ میلیارد دلار در رتبه چهارم قرار گرفته است.

● و اما ایران

در نگاه اول شاید شوخی به نظر برسد که بگوییم در بازار رقابتی امروز و در شرایطی که تعداد زیادی از هموطنانمان در مورد خریدهای اینترنتی اظهار بی‌اعتمادی می‌کنند، شرکتی از کشورمان برخاسته و با ارزشی خیره کننده دست به رقابت با کشورهای قدرتمند جهان زده و در این کارزار رتبه ۳۷ را از آن کشورمان ساخته است. این شرکت در رتبه بندی استارت آپ ارزشی ۱۵۰ میلیون دلاری را ثبت کرده که برای سابقه فعالیت هفت ساله در کشورمان آن هم از سوی بخش خصوصی خیره کننده است. البته شرکت‌های اینترنتی دیگری از کشورمان با ارزش ۳۰ میلیون دلاری و ۲۰ میلیون دلاری در این رتبه بندی حضور دارند که یکی فعالیت خود را از سال ۲۰۰۴ آغاز کرده و دیگری از سال ۲۰۱۰ پا به این عرصه گذاشته است.

برای قضاوت در مورد اندازه موفقیت این شرکت‌های خصوصی ایرانی به طور خاص و رشد ناگزیر کسب و کارهای فناورانه در کشورمان به طور عام، بهتر است نگاهی به زیر ساخت‌ها و شرایط کلی وضعیت اینترنت در ایران داشته باشیم.

تعداد کاربران اینترنت در کشورمان - بر اساس آمار سال ۲۰۱۲ - برابر ۲۰ میلیون و ۵۰۴ هزار نفر بوده و در این سال از لحاظ تعداد مطلق کاربران اینترنتی رتبه ۲۵ را در میان کشورهای جهان کسب کرده ایم اما اگر نگاهی بر تعداد کاربران اینترنتی نسبت به جمعیت کل کشور داشته باشیم، دیگر خبری از رتبه‌های برتر جهانی نیست. بر این اساس میزان کاربران اینترنتی کشورمان - به عنوان درصدی از کل جمعیت - معادل ۲۶ درصد بوده و رتبه جهانی ما از این بابت ۱۳۳ شده است و این در حالی است که در جزایر فالکلند - مجموعه جزایری واقع در آمریکای جنوبی و متعلق به بریتانیا - ۹۷ درصد جمعیت از کاربران اینترنت محسوب می‌شوند و البته این مجموعه جزایر جمعیت زیادی ندارد و به همین دلیل ندارد و به همین دلیل توانسته است رتبه اول را از این منظر - کاربران اینترنت نسبت به جمعیت - به خود اختصاص دهد.

حضور شرکت‌های برتر اینترنتی با وجود وضعیت ضعیف استفاده از اینترنت در ایران نشان می‌دهد کشورمان پتانسیل فراوانی برای پیشرفت در زمینه تجارت الکترونیک و تقویت اقتصاد به واسطه اینترنت دارد. همچون سایر مزایای بکری که در کشور بدون استفاده مانده‌اند، جمعیت غیر فعال در اینترنت در این جرگه قرار می‌گیرند. کافی است دولت زیرساخت‌ها را فراهم کند تا بخش خصوصی سکان هدایت این شاخه نوین از اقتصاد ملی را در دست توانای خود بگیرد و مشکلات ساختاری اینترنت، سرعت پایین، محدودیت دسترسی به سایت‌های گوناگون، عدم آموزش و فرهنگ سازی برای ترغیب ورود به دنیای مجازی، ناامنی و اطمینان ناکافی برای خرید و فروش در اینترنت و عدم آگاهی رسانی نسبت به قوانین تجارت اینترنتی مهمترین نقاط ضعف در این زمینه‌اند که همگی به توجه ویژه دولت نیاز دارند اگر قرار است از هر لحاظ در منطقه برتر باشیم، باید مسیر را برای این ظرفیت نوشکفته در اقتصادمان هموار کنیم.

در حال توسعه حدود ۳۰ درصد است. متأسفانه در کشورمان هنوز هم ۷ میلیون نفر از جمعیت کاربران اینترنتی از اینترنت 'Dialup' استفاده می‌کنند و این رقم برای کشوری که سعی در گسترش تجارت الکترونیک دارد به هیچ وجه جالب نیست. حتی اینترنتی که در کشورمان پر سرعت نام گرفته، سرعتی درخور قیاس با سایر کشورها را نداشته و ضریب دسترسی و سهم زبان و محتوای فارسی در فضای وب بسیار اندک است. تنها ۰/۸ درصد از وب سایت‌ها به ایرانیان اختصاص دارد. از سوی دیگر میزان رضایت کاربران ایرانی از خدمات شرکت‌های ارائه دهنده اینترنت و به ویژه سرعت اینترنت بسیار کم است و همین عامل موجب شده تا مردم کشورمان به اینترنت به عنوان یک مرکز خرید کمتر بیاندیشند.

● انقلاب اینترنتی

کسب و کار بر خط در جهان جایگاه خود را یافته و در ایران نیز در حال ورود به فصل جدیدی است.

بخواهیم یا نخواهیم بخش اعظمی از اقتصاد جهان بر نوک انگشتان اینترنت می‌چرخد. با یک کلیک کالایی فروخته می‌شود و ظرف مدت کوتاهی آن را در منزل خود می‌یابیم، بدون این که انرژی و هزینه زیادی - نسبت به خرید سبک سنتی - خرج کرده باشیم. با یک کلیک سهام جابجایی می‌شوند، قبوض پرداخت می‌شوند، هتل رزرو می‌شود و تقریباً تمام امور اقتصادی از طریق اینترنت رفع و رجوع می‌شوند. ایران از لحاظ محصول ناخالص داخلی در میان کشورهای قوی حضور دارد اما مشاهده می‌کنیم که یک شرکت اینترنتی معتبر در دنیا ارزشی بیشتر از کل تولید کشورمان دارد.

● غول‌های تجاری اینترنتی

بر اساس جدیدترین رتبه بندی بزرگترین شرکت‌های اینترنتی جهان که توسط استارت آپ منتشر شده و انعکاس آن در نشریه‌های معتبری همچون اکونومیست نمود پیدا کرده، نام کشورمان در جایگاه سی و هفتم دارندگان یکی از بزرگترین شرکت‌های اینترنتی جهان می‌درخشد. در این رتبه بندی ۵۰ کشور حضور یافته‌اند. جایگاه نخست رده بندی در اختیار گوگل است. این شرکت امریکایی از سال ۱۹۹۸ شروع به فعالیت نموده و ارزش فعلی آن بیش از ۴۱۰ میلیارد دلار است. عمده درآمد گوگل از طریق تبلیغات ایجاد می‌شود و هر کلیک کاربران به مثابه ورود سکه‌ای جدید به جیب این شرکت بزرگ است. علاوه بر این گوگل دومین برند با ارزش دنیا از طرف برنده انتخاب شده است. گوگل در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و سیطره آن غول بزرگ در دنیای اینترنت به وضوح احساس می‌شود. محصولات اینترنتی همچون جی میل، گوگل پلاس و مرورگر پر طرفداری مثل گوگل کروم، متعلق به این شرکت عظیم‌اند و سایت‌های معتبری همچون یوتیوب، بلاگر و اورکات نیز از دیگر تعلقات گوگل به شمار می‌آیند. علاوه بر این گوگل سازنده پرکاربردترین سیستم عامل موبایل در جهان (اندروید) است.

نه تنها ارزش ۴۱۰ میلیارد دلاری گوگل در میان شرکت‌های اینترنتی سرآمد است، بلکه این شرکت در بورس آمریکا هم توانسته بسیار موفق عمل کند، ارزش هر سهم گوگل که در سال ۲۰۰۴ تنها ۸۵ دلار بود در سال گذشته میلادی افزایش کمی سابقه‌ای داشته و گوگل را تبدیل به مرغی سرسختی برای یکی از غول‌های بورس آمریکا (اپل) ساخته است. در حال حاضر ارزش هر سهم گوگل نزدیک به ۵۳۰ دلار است

در میان دیگر شرکت‌های اینترنتی، دورقیب امریکایی برای گوگل



در انتظار معجزه اقتصادی

نگاه استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه نورث ایسترن بوستون آمریکا دکتور کامران دادخواه

بود. افزون بر آن، این امکان وجود دارد که دولت یا کنگره آمریکا تحریم‌ها را تشدید کنند.

● کسری بودجه اجتناب ناپذیر

امکان این که کسری بودجه در سال ۹۴ به صفر برسد وجود ندارد. توجه کنیم که قیمت‌ها در حال افزایش اند و به ناچار مخارج دولت به قیمت‌های جاری در بهترین حالت به همان نسبت افزایش خواهند یافت. اما نتیجه توافقی نهایی هسته‌ای می‌تواند کسری بودجه را به میزان معقولی کاهش دهد. این نتیجه‌گیری برای کوتاه مدت است. در بلندمدت دولت باید وابستگی به درآمد نفت را کاهش دهد. نفت سرمایه ملی است، خرج آن برای هزینه‌های جاری دولت مانند آن است که کسی از ثبته خانواده یا پول حاصل از فروش منزل خود را صرف مخارج روزانه کند. دولت باید در سیستم مالیاتی تجدید نظر کرده و بسیاری از فعالیت‌های بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت را مشمول مالیات کند. بسیاری از نهادها با ادعای غیر انتفاعی

یا خیریه بودن از مالیات گریخته‌اند. این کار نیاز به بررسی کامل و جدا کردن فعالیت‌های بازرگانی از امور خیریه دارد. همچنین باید مطمئن بود که امور خیریه واقعاً خیریه هستند. دولت در عین حال باید از مخارج زاید خود مانند پرداخت بارانه به اکثریت مردم دست بردارد. چنین کاری در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد.

لازم است کشورمان راهی را که دیگر کشورها برای آزادسازی اقتصادی پیموده‌اند دنبال کند. طبق گزارش بنیاد هرنینج که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده، کشورمان از نظر آزادی اقتصادی در رده ۱۷۱ و در میان کشورهای بسته و محدود قرار دارد. کشورهایی مانند کره شمالی، کوبا و ونزوئلا در این رده قرار می‌گیرند. اکثر مردم این کشورها در فقر مطلق زندگی می‌کنند. ایران با امکاناتی که دارد می‌تواند در میان کشورهای درجه یک دنیا با مردمی که در رفاه زندگی می‌کنند باشد. لازم است این امر از آزادسازی اقتصادی، کنار کشیدن دولت و دستگاه‌های وابسته به آن از کارهای تولیدی و بازرگانی و کنار گذاشتن سیاست‌های نادرست چند دهه گذشته است. افزون بر این، کشورمان باید با دنیا کنار آمده، تحریم‌ها برداشته شده و ایران با عضویت در سازمان تجارت جهانی به اقتصاد جهان بپیوندد.

● پیش‌بینی آینده

به نظر می‌رسد که توافقی نهایی نیمه موفق خواهد بود و دست کم در سال جدید نمی‌توان به برداشته شدن کامل تحریم‌ها امیدوار بود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد سیاست‌های تدریجی و ملایم اقتصادی در دستور کارند و به تغییرهای پایه‌ای نمی‌توان امیدوار بود. بر این اساس می‌توان حدس زد که نقدینگی افزایش قابل ملاحظه خواهد داشت و اگر چه شاهد تورم سرسام آور نخواهیم بود، ولی تورم دو رقمی ادامه خواهد یافت. می‌توان پیش‌بینی کرد که اقتصاد ایران رشد ملایمی خواهد داشت که به هیچ روی در خور امکانات اقتصاد ایران نیست. بر عکس، اگر تحریم‌ها برداشته شوند و تغییراتی اساسی در ساختار اقتصاد ایران انجام شوند، در فاصله ۳ تا ۴ سال شاهد معجزه اقتصادی خواهیم بود.

نزدیک ۲ سال پیش دولت دکتر روحانی اقتصاد ایران را در وضعی بسیار اسفناک تحویل گرفت: رشد اقتصادی منفی و نرخ بیکاری دورقمی همراه با تورم ۴۰ درصدی، در دوره دولت قبلی در آمد نفتی ایران حدود ۷۰۰ میلیارد دلار و از نقطه نظر قدرت خرید برابر با یک سوم تمام درآمد نفتی ایران از آغاز تا آن روز بود. ریخت و پاش این پول‌ها مخارج جاری دولت را افزایش داده و هر نوع کاهش مخارج به نارضایتی دامن می‌زد. در واقع علیرغم درآمد دولت، بودجه دولت به دلیل سیاست غلط پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ ارز دچار کسری بود. انتشار اسکناس از سوی جبران کسری بودجه و از سوی دیگر به دلیل گشاده دستی در دادن وام برای پروژه‌های بی حاصل در دستور کار قرار گرفته بود. نتیجه این افزایش نقدینگی، تورم ۴۰ درصدی و رو به افزایش بود که خود انتظارات تورمی و تورم بیشتر را به دنبال می‌آورد. در چنین حالتی سیاست‌های اقتصادی برای بازگرداندن کشور به حالت عادی به ناچار دچار تضاد خواهند بود، چرا که از یک سو برای افزایش تولید و خروج از رکود باید سرمایه‌گذاری را تشویق کرد و برای این کار مالیات‌ها اگر کاهش نیابند، دست کم نباید افزایش یابند. ولی در آن صورت کسری بودجه را چگونه بیوشانیم؟ از سوی دیگر سرمایه‌گذاری نیازمند اعتبار است، ولی افزایش وام‌ها پایه پولی را افزایش می‌دهد و کنترل تورم

باید از طریق محدود کردن پایه پولی انجام شود. پس سردرگمی در سیاست اقتصادی دولت جدید تا حدی قابل درک است. اما آنچه گفتیم تمام داستان نیست. چندین سال است که اقتصاد ایران و همین‌طور صنعت نفت که برای ایران جنبه حیاتی داشته، مورد تحریم بوده است. تولید نفت کشورمان در سال‌های اخیر کاهش یافته و صادرات نفت ایران به حدود یک میلیون بشکه در روز محدود شده است. واقعیت آن است که صنعت نفت کشورمان از نظر تکنولوژی، سرمایه‌گذاری و نگهداری از چاه‌های نفت بسیار عقب افتاده است. به همین دلیل تکان قیمت نفت اثری بیش از حد بر درآمد و اقتصاد ایران داشته است. در چنین حالتی دولت باید به شوک درمانی روی آورد نمونه‌های این رویکرد را در اقتصاد آلمان پس از جنگ جهانی دوم، اقتصادهای اروپای شرقی پس از آن که از یوغ کمونیسم رها شدند و سیاست خانم تاجر در انگلستان می‌بینیم. اما به نظر می‌رسد دولت دکتر روحانی سیاست کج‌دار و مریز را دنبال کرده که در شرایط موجود کار درستی نیست. دولت باید مسائلی را با مردم در میان بگذارد، اراده‌ای سیاسی برای تغییرات اساسی فراهم کند و بعد مانند فرمانده، جنگ را برای نجات اقتصادی کشور آغاز کند.

● توافقی هسته‌ای و قیمت نفت

نتیجه توافقی هسته‌ای از چندین نظر بر اقتصاد ایران تأثیر خواهد داشت و می‌تواند اثرات مثبت قیمت نفت را تعدیل یا تشدید کند. فرض کنیم توافقی نهایی به خوبی صورت پذیرفته و تحریم‌ها یکباره یا در یک دوره یک ساله برداشته شوند. در آن صورت امکان صدور نفت بیشتر در کوتاه مدت فراهم می‌شود. گذشته از این، ایران امکان جلب سرمایه‌گذاری خارجی را چه در صنعت نفت و چه در سایر فعالیت‌های اقتصادی خواهد داشت. از سوی دیگر، بخشی از درآمد کشورمان در کشورهای دیگر بلوکه شده است. برداشتن تحریم‌ها این پول‌ها را چه در اختیار ایران می‌گذارد. در حال حاضر به دلیل تحریم‌ها کشورمان ناچار به کنار آمدن با برخی کشورها است که کالاهای کم کیفیت خود را به ایران صادر می‌کنند. برداشتن تحریم‌ها این حربه را از دست آنان خواهد گرفت. البته می‌توان استدلال کرد که در صورت موفقیت توافقی نهایی، برخی کشورها مانند عربستان سعودی ممکن است کوشش کنند که قیمت نفت را پایین نگه دارند تا کشورمان زبان نکند. ولی این بیشتر جنبه تیززدن به پای خود دارد و به هر حال اثر آن بر درآمد ایران بسیار کم خواهد بود.

اما اگر به هر دلیلی توافقی نهایی حاصل نشود، این امکانات در دسترس ایران نخواهند





اقتصاد سالم در بدن سالم

آن در کشور است. کارشناسان بخش سلامت، آلودگی‌های شیمیایی بیش از حد خاک، آب، هوا، فشار عصبی ناشی از زندگی شهری و عوامل ژنتیکی را مهمترین دلایل بروز سرطان عنوان می‌کنند. متأسفانه وضعیت این بیماری دومین عامل مرگ و میر در کشورمان به شمار می‌آید و به گفته رییس مرکز تحقیقات سرطان ایران، بالاترین رشد سرطان در جهان مربوط به کشور ما است.

علاوه بر درد بیماری، هزینه‌های درمان آن هم کمرشکن بوده



و در حقیقت مشکل مهم دیگر نظام سلامت تامین هزینه‌های سرسام‌آور آن برای مردم است. این هزینه‌ها در بعد تامین دارو تنها در یک سال منتهی به مهر ۹۳ حدود ۴۱ درصد افزایش پیدا کردند. در مقیاس کلان، به طور کلی هزینه‌های تامین سلامت یک خانوار شهری حدود ۷ درصد هزینه‌های نهایی آن خانواده را به خود اختصاص می‌دهد که به گفته معاون درمان وزارت بهداشت آقاجانی این رقم در پایتخت به ۱۳ درصد می‌رسد.

انتشار همین آمار رعب‌آور بود که مسئولان و سیاست‌گذاران حوزه بهداشت و سلامت را به اجرای هر چه سریع‌تر طرح تحول نظام سلامت ترغیب کرد. اجرای این طرح که از اردیبهشت ماه سال ۹۳ آغاز شد، بر هفت حوزه اصلی کاهش پرداختی بیماران، ارتقای خدمات اورژانس، ارتقای کیفیت ویزیت، حضور پزشکان متخصص در بیمارستان‌ها، تعرفه خدمات سلامت، ماندگاری پزشکان در مناطق محروم، ارتقای کیفیت هتلینگ و ترویج زایمان طبیعی متمرکز است. به دنبال اجرای این طرح در مدت یک سال گذشته، میزان پرداختی بیماران در بیمارستان‌های دولتی مشمول خدمات برنامه از ۳۷ درصد به ۴/۵ درصد تنزل یافته و بیماران واجد بیمه پایه سلامت تنها ۶ درصد از هزینه‌ها را تقبل می‌کنند.

در نهایت ضمن تأیید اجرای این طرح و طرح‌هایی از این دست، لازم می‌دانیم به این موضوع اشاره کنیم که کیفیت خدمات بیمه‌ای در سطح کشور هنوز آن گونه که باید نیست و توجهات به مراتب بیشتری را می‌طلبد. فراموش نکنیم کشوری که در پی کسب جایگاه اول در منطقه است، باید قبل از هر چیز نسبت به سلامت جمعیت خود اطمینان پیدا کند.

علیرغم تأکید قانون اساسی و مسئولان کشورمان بر بخش بهداشت، سهم ارزش افزوده بهداشت از محصول ناخالص داخلی پس از انقلاب روندی نزولی داشته است.

تاریخچه بهداشت ایران را به دوره پادشاهی هخامنشیان نسبت می‌دهند که در خلال جنگ‌ها با جوشاندن آب مانع از انتقال بیماری به سربازان می‌شدند. علیرغم این پیشینه طولانی، تقریباً تا اواخر دوره قاجار نشانه‌ای از بهداشت نوین در ایران پدیدار نشد و در حقیقت تأسیس دارالفنون بود که عصر بهداشت نوین در کشورمان را آغاز کرد.

با بروز فحطی‌ها و شیوع اپیدمی و با در دوره قاجار، استاد فرانسوی دارالفنون تولوزان پیشنهاد تأسیس «مجلس حفظ الصحة» را داد که راه اندازی آن به شکل گیری اولین سازمان بهداشت کشوری ما منجر شد. پس از آن به مرور توجه بیشتری به بهداشت عمومی در کشورمان شد، اما تقریباً تا سال ۴۲ و ایجاد سپاه بهداشت (اصل هفتم از انقلاب سفید) بر نامه ریزی اصولی را در زمینه بهداشت نمی‌بینیم. در نهایت با پیروزی انقلاب، بر نامه‌های توسعه بهداشت همگانی در کشور به طور جدی تری در پیش گرفته شدند. وجود پنج اصل در قانون اساسی کشور که روی بهداشت و آموزش تأکید می‌کنند، شاهد این ادعا است.

● ما و دیگران

در حال حاضر ایران یکی از کشورهای پیشرو در عرصه بهداشت عمومی منطقه است. شاخص امید به زندگی در ایران ۷۴/۴ سال است که این رقم ۳ سال بیشتر از متوسط منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. تربیت نیروی انسانی کارآمد و بهره‌گیری از دانش بومی توانایی ایران را در حوزه پزشکی و دارویی منطقه به طرز چشمگیری متری کرده است. گواه این مساله تولید بیش از یک هزار و ۲۰۰ قلم دارو در داخل کشورمان است که ۹۵ درصد از نیاز دارویی ما را پوشش می‌دهد.

جدای از این، ایران با تولید و واردات تکنولوژی برتر پزشکی به یکی از قطب‌های در مانگری منطقه تبدیل شده است. مجله مسافرت پزشکی بین الملل (IMT) در سال ۲۰۱۲ گزارش داد ایران سالانه ۱/۵ میلیارد دلار درآمد از جذب «گردشگر درمانی» دارد که بخش عمده آنها از کشورهای ترکیه، هند، آذربایجان و عراق اند. سرویس خبری بلومبرگ در سال ۲۰۱۳ ایران را در رتبه ۴۵ اثرگذارترین کشورهای دارای سیستم‌های مراقبت پزشکی در جهان - و بالاتر از کشوری چون ایالات متحده - قرار داد.

به طور کلی با بررسی وضعیت نظام بهداشت و سلامت کشور می‌توان فهمید در دهه‌های اخیر این بخش به نسبت مورد توجه دولت‌ها قرار داشته است. تحقیقات «اقتصاد ایران» نشان می‌دهند که در دهه ۵۰ خورشیدی ارزش افزوده بخش بهداشت نسبت به محصول ناخالص داخلی (GDP) رشدی خیره‌کننده داشته، اما پس از آن تا حدودی این نسبت افول کرده است.

● طرح درمان ناسلامتی

در کنار تمام پیشرفت‌ها، مشکلاتی در بخش بهداشت وجود داشته‌اند. یکی از برجسته‌ترین آنها در سال‌های اخیر شیوع سرطان و مرگ و میر ناشی از



صنایع محصولات کانی غیر فلزی بالاترین سهم در بنگاههای صنعتی

بانگاهی به وضعیت موجود صنایع تولید کننده کشور در می یابیم که تولید محصولات کانی غیر فلزی، صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، تولید محصولات فلزی فابریکی، تولید منسوجات و محصولات پلاستیکی و لاستیکی بیش از ۶۰ درصد از تعداد بنگاههای موجود کشور را شامل می شوند و تاکنون به دلایل مختلف از جمله حمایت های دولت، جذابیت بازار، ارزش افزوده بالا و ... تمایل به سرمایه گذاری در این صنایع بیشتر بوده است و ضرورت دارد برنامه ریزی صحیحی متناسب با نیاز بازار در جهت توسعه صنایع بزرگ و متوسط به عنوان موتور محرک صنایع کوچک (که از نظر اشتغال و تعداد سهم بالایی دارند) صورت پذیرد.

آلات ۷,۵ درصد، تولید منسوجات ۷,۲ درصد، تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی ۷,۱ درصد، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی ۶,۷ درصد، تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده ۶,۵ درصد، تولید فلزات اساسی ۴,۶ درصد و تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر ۴,۵ درصد بوده است.

همچنین سهم تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق در این سال ۳,۲ درصد، تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده ۲,۶ درصد، تولید کاغذ و محصولات کاغذی ۲,۲ درصد، انتشار و چاپ و تکثیر ۱,۱ درصد، صنایع دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان ۱,۱ درصد، صنایع تولید زغال کک و پالایشگاهها ۱ درصد، تولید ابزار پزشکی و ابزار اپتیکی ۱ درصد، تولید پوشاک ۰,۹ درصد، تولید سایر وسایل حمل و نقل ۰,۸ درصد، تولید چوب و محصولات چوبی ۰,۸ درصد، تولید رادیو و تلویزیون ۰,۴ درصد، تولید ماشین آلات اداری و حسابگر ۰,۲ درصد، بازیافت ۰,۱ درصد و تولید محصولات از توتون و تنباکو و سیگار ۰ درصد بوده است.

بخش مواد غذایی و آشامیدنی ها بالاترین سهم در اشتغالزایی
در این میان در شاخص سهم اشتغال گروه های فعالیت صنعتی در کارگاه های بیش از ۱۰ نفر کارکن بخش مواد غذایی و آشامیدنی ها دارای بیشترین سهم با ۱۶,۸ درصد، تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی ۱۳,۶ درصد، تولید وسایل نقلیه موتوری و تریلر و نیم تریلر ۱۰,۳ درصد، تولید فلزات اساسی ۱۰,۲ درصد، صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی ۱۰,۲ درصد، تولید منسوجات ۶,۷ درصد و تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی حدود ۶ درصد است.

همچنین تولید محصولات فلزی فابریکی ۵,۹ درصد، تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی ۴,۹ درصد، تولید ماشین آلات مولد ۳,۵ درصد، صنایع تولید زغال کک ۲,۴ درصد، تولید کاغذ و محصولات کاغذی ۱,۸

سهم ۴۴ درصدی صنایع کوچک در اشتغال کشور
بر اساس محاسبات دفتر آمار و فرآوری داده های وزارت صنعت، معدن و تجارت ترکیب بنگاههای صنعتی کشور از نظر سهم تعداد بنگاهها با مقیاس های مختلف و میزان اشتغال زایی صنعتی آنها، سهم صنایع کوچک تا ۴۹ نفر کارکن ۹۲ درصد بوده که سهم این صنایع از اشتغال کشور بالغ بر ۴۴ درصد است.

همچنین سهم صنایع متوسط بین ۵۰ تا ۹۹ نفر کارکن ۵ درصد، سهم این صنایع از اشتغال ۱۲ درصد و سهم صنایع بزرگ بالای ۱۰۰ نفر کارکن ۳ درصد و سهم این دسته از صنایع در اشتغال بالغ بر ۴۴ درصد است.

صنایع تولید محصولات کانی غیر فلزی بالاترین سهم در بنگاههای صنعتی

بر اساس این گزارش در بخش شاخص سهم تعداد بنگاههای صنعتی بنگاههای ۱۰ نفر کارکن و بالاتر در سال ۱۳۹۲ صنایع تولید محصولات کانی غیر فلزی با ۲۱,۵ درصد بالاترین سهم و به ترتیب صنایع مواد غذایی و آشامیدنی ۱۸,۸ درصد، تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین



درصد، تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده ۱،۴ درصد، تولید سایر وسایل حمل و نقل ۱،۱ درصد، تولید چوب و محصولات چوبی ۰،۶ درصد، انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده ۰،۶ درصد، تولید پوشاک ۰،۷ درصد، تولید رادیو تلویزیون ۰،۶ درصد، دباغی و عمل آوردن چرم ۰،۶ درصد، تولید محصولات از توتون و تنباکو سیگار ۰،۶ درصد و تولید ماشین‌الات اداری و حسابگر و محاسباتی ۰،۴ درصد و بازیافت ۰ درصد است.

در این راستا بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ میزان اشتغال در بخش استخراج معادن در این سال حدود ۰،۶ درصد بوده که در سال ۱۳۹۱ نیز تغییری نکرده است و در بخش صنعت و صنایع معدنی در سال ۱۳۹۰ این سهم ۱۶،۴ درصد و در سال ۱۳۹۱ نیز همین میزان بوده و در بخش بازرگانی (عمده و خرده فروشی) این سهم به ۱۵،۲ درصد رسیده و در سال ۱۳۹۱ با یک درصد افت حدود ۱۴،۴ درصد شده است همچنین در بخش صنعت، معدن و تجارت در سال ۱۳۹۰ این سهم ۳۲،۲ درصد و در سال ۱۳۹۱ حدود ۳۱،۴ درصد شده است.

● بخش صنعت، معدن و تجارت بیش از یک سوم سهم اشتغال کل کشور

گفتنی است؛ بخش صنعت، معدن و تجارت بیش از یک سوم سهم اشتغال کل کشور را به خود اختصاص داده است و با بررسی وضع موجود حدود ۵۰ درصد از سهم اشتغال صنایع کشور در حوزه صنایع غذایی، آشامیدنی، تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی، تولید وسایل نقلیه موتوری و تولید فلزات اساسی بوده است.

● شاخص صادرات وضعیت ده گروه کالایی اول صادرات صنعتی جهان در سال ۲۰۱۴

در این سال میزان صادرات سوخت‌های معدنی و روغن‌ها با ۳۰۵۲ میلیارد دلار در رتبه برتر و صادرات تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی با ۲۳۸۲ میلیارد دلار در رتبه دوم قرار دارد.

در رتبه‌های بعدی صادرات ماشین‌آلات و راکتورهای هسته‌ای با ۲۱۴۶ میلیارد دلار، وسایل نقلیه بجز ریلی ۱۳۹۱ میلیارد دلار، مواد پلاستیکی ۶۲۲ میلیارد دلار، فلزات و سنگ‌های قیمتی ۶۱۵ میلیارد دلار، تجهیزات پزشکی و ابزار دقیق ۵۷۱ میلیارد دلار، مواد دارویی ۵۱۴ میلیارد دلار، مواد شیمیایی ۴۳۷ میلیارد دلار و آهن و فولاد ۴۱۱ میلیارد دلار قرار دارند.

● ۵۰ درصد صادرات صنعتی مربوط به صنایع با دانش فنی بالا و پیشرفته است

بر اساس اطلاعات و تحقیقات بر گرفته از گمرک ج.ا.ایران در ترکیب کالایی صادرات غیر نفتی کشور در سال ۱۳۸۳ که رقمی بالغ بر ۶،۹ میلیارد دلار بوده چهار درصد کالای ترکیبی، ۳ درصد کالای سرمایه‌ای ۵۷ درصد کالای واسطه‌ای و ۳۶ درصد کالای مصرفی بوده است.

همچنین در سال ۱۳۸۸ میزان صادرات غیر نفتی رقمی بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار بوده که از این میزان صادرات کالای ترکیبی ۵ درصد، کالای سرمایه‌ای ۳ درصد، کالای واسطه‌ای ۶۴ درصد و صادرات کالای مصرفی ۲۸ درصد بوده است.

در سال ۱۳۹۳ نیز ۳۵ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی صورت گرفته که میزان صادرات کالاهای ترکیبی ۲ درصد، صادرات کالاهای سرمایه‌ای ۳ درصد، صادرات کالاهای واسطه‌ای ۷۳ درصد و صادرات کالاهای مصرفی ۲۲ درصد بوده است.

با بررسی میزان صادرات صنعتی جهان در سال ۲۰۱۴ مشاهده می‌شود که حدود ۵۰ درصد صادرات صنعتی مربوط به صنایع با دانش فنی بالا و پیشرفته

است.

از بین این صنایع، بیشترین سهم مربوط به تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی، ماشین‌آلات و راکتورهای هسته‌ای و وسایل نقلیه است.

بیشترین سهم صادرات صنعتی کشور مربوط به صنایع مواد شیمیایی است

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بیشترین سهم صادرات صنعتی کشور طی سالهای گذشته مربوط به صنایع مواد شیمیایی، ساخت کک، فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت، ساخت فلزات اساسی، محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، ساخت سایر محصولات کانی غیر فلزی و محصولات از لاستیک و پلاستیک است که حدود ۹۰ درصد صادرات صنعتی کشور را پوشش می‌دهد.

پس ضرورت دارد به منظور هدایت بخش صنعت به سمت صنعتی شدن و قرار گرفتن در جایگاه مناسب جهانی، لازم است توجه بیشتری به تولید محصولات با ارزش افزوده بالا و دانش محور صورت گیرد.

ضمن اینکه با برنامه ریزی‌های هدفمند باید در جهت تکمیل زنجیره ارزش محصولات صنعتی حرکت کنیم که از اهم سیاست‌های تکمیل زنجیره ارزش می‌توان به تامین نیازهای داخلی، محدودیت در خام فروشی و افزایش توان رقابت بخش در بازارهای جهانی اشاره کرد که لازمه تحقق این اهداف ایجاد تعامل و مشارکت با شرکت‌ها و کشورهای پیشرو اقتصادی به منشور استفاده از دانش فنی و انتقال فناوری آنان است.



نبض مقصود همچنان می زند...!!

● سابقه خبر:

به گزارش روابط عمومی انجمن مدیران صنایع خراسان، ساعت ۵:۵۶ دقیقه صبح شنبه چهاردهم آذرماه ۱۳۹۴ حادثه حریقی در کارخانه سپید جام توس (گروه کارخانجات چینی مقصود) واقع در شهرک صنعتی توس، توسط ستاد فرماندهی آتش نشانی مشهد به آتش نشانی شهرک صنعتی اعلام شد.

بر اساس گزارش ستاد فرماندهی آتش نشانی مشهد بلافاصله بیش از ۱۵۰ آتش نشان ۵۰ خودرو اطفای حریق و همچنین ۱۵ دستگاه تانکر آب به محل حادثه اعزام شدند که توانستند آتش را در ساعت ۸:۳۰ مهار نمایند.

آتش یاد سوم مهدی رضایی عنوان کرد: در بازدید اولیه به عمل آمده، بخش عمده ای از انبارهای شرکت سپیده جام توس که شامل محصولات اپال می باشد دچار حریق شده و سوخته است

وی درباره علت حادثه گفت: با بررسی اولیه دوربین های مدار بسته مشخص گردید شروع حادثه در ساعت ۵:۴۵ صبح بوده است ولی تاکنون دلایل آتش سوزی مشخص نیست و بررسی ها برای یافتن علت حریق همچنان ادامه دارد.

● گزارش خبری

چند روزی است که هوای شهر ناپاک شده و نشانگرهای آلودگی هوا کم کم دارد رنگ رخسار خود را از وضعیت زرد به قرمز تغییر می دهد. در چنین شرایطی همراه با اعضای هیئت رئیسه انجمن مدیران صنایع خراسان، گذری بر کالبد نیمه جان شهرک صنعتی توس و گروه کارخانجات چینی مقصود داریم تا از وضعیت آنها بعد از حادثه آتش سوزی آگاه شویم.

در بدو ورود مدیران و مشاور فرهنگی شرکت به استقبال ما آمدند و ما را پس از عبور از کنار ابنمای زیبای داخل راهروی اصلی، تا اتاق کنفرانس همراهی کردند. بعد از چند دقیقه انتظار، مهندس رضا ایمانی مدیریست عامل گروه کارخانجات

چینی مقصود با لبخندی بر چهره به جمع ما پیوست. از وی جویای احوال شدیم و سپس جویای اوضاع، رضا ایمانی بعد از حمد خدا اشاره ای به آسیب های وارد شده نمود و گفت: در حادثه حریق چهار انبار محصول و بخشی از خط تولید کارخانه دچار آسیب شده اما خوشبختانه آسیب های وارد به ماشین آلات سطحی و جزئی بوده است.

در ادامه از او درباره میزان خسارت وارده پرسیدیم و او گفت: گزارش دقیقی از میزان خسارت مالی وارد شده به کارخانه به دست نیامده است اما برآورد می شود این خسارت ها حدود ۵۰ میلیارد تومان باشد.

رضا ایمانی در ادامه به بیان دغدغه های خود بعد از حادثه آتش سوزی پرداخت و گفت: متأسفانه در طول این مدت اجازه پاک سازی فضا را به ما نداده اند و فرایند کارشناسی و گزارش دهی بسیار زمان بر شده است که این امر باعث می گردد واقعیت ها کمرنگ شود و بعد از گذشت بیست روز از وقوع حادثه تازه اعلام کرده اند که برای آوار برداری خواهند آمد و این در حالی است که هر لحظه امکان دارد حادثه ناگوار دیگری رخ دهد.

در ادامه از او درباره علت حادثه جویا شدیم و او علت را در اتصال در تابلوهای برق انبار عنوان می کند و می گوید در شب حادثه باد شدیدی در منطقه در حال وزیدن بوده است که این خود مزید بر علت در گسترش آتش سوزی و دشواری مهار آن بوده است.

او با انتقاد از فعالیت گروه آتش نشانی در مهار آتش می گوید: متأسفانه آتش نشانی کانون حریق را نمی توانست پیدا کند و وزش باد باعث شعله ور تر شدن بیشتر آتش و گسترش آن





به آن گذشته و می گذرد و با وجود این همه مشکلات و عدم هماهنگی ها همچنان بر رسالت خود جهت تداوم تولید، تاکید می کند. از بین راهروهای سوخته که عبور می کنیم به محوطه سوله تولید وارد می شویم، در کمال تعجب مشاهده می شود که خطوط تولید فعال و کارگران مشغول فعالیت می باشند، آری نبض کارخانجات مقصود همچنان می زند و به امید خروج از بحران، بی وقفه تلاش می کنند.

وقتی به این مکان می رسیم مهندس رضا ایمانی با غرور و افتخار از کارگران خود می گوید که آن شب چطور شانه به شانه آتش نشانان در محار کردن آتش تلاش کرده اند و اگر کمک آنها نبود شاید آتش در آن زمان غیر قابل محار می نمود.

در مسیر بازگشت و در انتهای بازدید مهندس رضا ایمانی مدیر عامل گروه کارخانجات چینی مقصود ضمن ابراز خوشحالی از حضور اعضای هیئت رئیسه انجمن مدیران صنایع خراسان در محل شرکت، بیان کرد: اگر تشکل هایی همچون انجمن مدیران صنایع نباشند هماهنگی بین کارها به خوبی پیش نخواهد رفت.

وی در انتها انتظار خود را از مسئولین در این شرایط را حمایت از مجموعه به منظور احیای حقوق حقه کارخانجات، اعلام و با توجه به ناکافی بودن پوشش بیمه ای با توجه به حجم خسارات، اظهار داشت برای مشخص شدن و تطابق خسارات و پوششهای بیمه، به کمک کارشناسان تخصصی و بی طرف نیاز مندیم. همچنین برای جلوگیری از توقف تولید از مسئولان محترم بیمه انتظار تسریع در ارزیابی و مجوز بازسازی خسارات را وارده راداریم که تصمیم گیری در این خصوص بطئی است.

به فضاهای دیگر می شد. وی نیز به آماری که از سوی سازمان آتش نشانی ارائه شده اشاره می کند و می گوید: اولین ماشین آتش نشانی مستقر در شهرک صنعتی توس در ساعت ۲:۰۶ دقیقه در محل حضور می یابد که از زمان آتش سوزی ۱۰ الی ۱۲ دقیقه گذشته است؛ مدت زمان عملیاتی شدن این خودرو حدود ۵ الی ۱۰ دقیقه طول کشیده است. وی با خنده رو به ما می کند و می گوید: "مدت زمان عملیاتی شدن مهم است نه حضور در محل" گله مندی های مهندس رضا ایمانی تمام نشدنی است، او در جای دیگر از اداره های برق و گاز نیز انتقاد می کند و می گوید: به جای اینکه کارشناسان تخصصی از نهادهای مرتبط در محل حضور پیدا کنند تا بتوانند پیشبینی های لازم را در جهت اطفاء حریق در مراحل بعد انجام دهند، اما بدون توجه به عملکرد کوره های کانتینریوز، صرفاً به قطع برق و گاز فکر می کردند که اگر این کار انجام می شد، کوره ها تخریب و چندین تن ماده مذاب به آتش اضافه می گردید.

در ادامه بازدید از گروه کارخانجات چینی مقصود به همراه مهندس رضا ایمانی و دیگر مدیران شرکت سوار بر ماشین به محل آتش سوزی می رویم تا از نزدیک با فضا و جزییات گفته شده آشنا شویم.

از میان ضایعات به جا مانده از حادثه آن شب تلخ عبور می کنیم، راهرو ها را پشت سر می گذاریم، توضیحات رضا ایمانی را همزمان با مشاهده آن صحنه ها با هم تطبیق می دهیم و صحنه آن شب را در ذهن خود مجسم می کنیم... با دیدن آن صحنه ها و آن فضا، دلمان به حال انبارهای سوخته رضا ایمانی نمی سوزد بلکه به حال دل بزرگ ایشان می سوزد که چه





و میلیاردرهای ایرانی خازان کشور کار آفرینان بزرگ

پی بر مراد امیدیار

پی بر مراد امیدیار متولد ۲۱ ژوئن سال ۱۹۶۷، کارآفرین و خیر آمریکایی-ایرانی الاصل متولد فرانسه است. او مؤسس و رئیس ای بی (e-Bay)، وب سایت مخصوص حراج‌های اینترنتی است. امیدیار در سال ۱۹۹۵، در ۲۸ سالگی، برای فعال کردن فهرستی از حراج فرد به فرد مستقیم برای اقلام کلکسیونی، شروع به نوشتن یک کد کامپیوتری برای یک مکان آنلاین کرد. او یک نمونه ساده اولیه را بر روی صفحه وب شخصی خود ایجاد کرد، و در روز کارگر، روز دوشنبه، ۴ سپتامبر ۱۹۹۵، یک سرویس آنلاین به نام وب سایت حراج راه اندازی کرد که در نهایت تبدیل به سایت حراج ای بی شد.

امیدیار در سال ۱۹۹۶، قراردادی را برای ارائه بلیت هواپیمایی آنلاین امضا کرد؛ تا آن زمان این سایت ۲۵۰ هزار حراج را میزبانی کرده بود و در ماه اول سال ۱۹۹۷، میزبانی دو میلیون حراج را ثبت کرد، به طوری که تا اواسط همان سال، ای بی در حال میزبانی نزدیک به روزانه ۸۰۰ هزار حراج بود. امیدیار در سال ۱۹۹۷ نام شرکت را به ای بی تغییر داد و به طور گسترده ای شروع به تبلیغ این محصول کرد.

امیدیار در سال ۱۹۹۸ در ۳۱ سالگی با IPO بی ای، میلیاردر شد؛ تا پایان سال ۱۹۹۸، ۲٫۱ میلیون عضو، ۷۵۰ میلیون دلار حجم معاملات و حدود ۸ میلیون دلار سود کسب کرده بود به طوری که بیش از شش هزار کارمند و ۴۶ میلیون مشتری در کارنامه خود داشت.

سود خالص ای بی در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۴۴۱ میلیون دلار شده بود. امیدیار و همسرش پاملا بشر دوستان شناخته شده ای هستند که در سال ۲۰۰۴ شبکه امیدیار را به منظور گسترش تلاش‌های خود، فراتر از اهداف مادی و سودآوری تاسیس کردند. به گزارش فوربس، ثروت پی بر امیدیار، تا ماه مارس ۲۰۱۳ به ارزش ۸٫۷ میلیارد دلار رسیده بود.

او صد و بیست و سومین ثروتمند جهان و چهل و دومین ثروتمند ساکن ایالات متحده است. امیدیار ثروتمندترین فرد ایرانی، البته بعد از بابک نظری، و پنجمین ثروتمند فرانسوی است.

فرهاد مشیری

اردوان فرهاد مشیری (متولد ۱۸ می سال ۱۹۵۵ در ایران) تاجر و سرمایه گذار ایرانی-انگلیسی، ساکن موناکو است. مشیری در انگلیس و روسیه صاحب سهام‌هایی در شرکت‌های متعدد انرژی و فولاد است. او حسابدار خبره گواهی شده ای است که قبلاً برای ارنست اند یانگ، PKF و Deloitte کار می کرد. مشیری و علیشیر عثمانوف، شریک کسب و کار طولانی مدتش، صاحبان هلدینگ رد اند وایت (Red & White) هستند. آنها در ماه اگوست سال ۲۰۰۷، ۱۴٫۶۵ درصد از سهام باشگاه فوتبال آرسنال را از دیوید دین، نایب رئیس سابق این باشگاه، خریداری کردند. در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۷، هلدینگ رد اند وایت سهام خود در آرسنال را به ۲۱ درصد افزایش داد و در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷ به ۲۳ درصد رساند. تا ماه ژوئن ۲۰۱۲، این هلدینگ حداقل ۲۹٫۲۷ درصد از کل سهام این باشگاه را به دست آورد.

کیت ادلمن، مدیر عامل آرسنال، به رادیو زنده ۵ بی بی سی گفته بود، این دو قبلاً گفته اند می خواهند سهامداران بلندمدت این باشگاه باشند. ثروت مشیری ۲٫۸ میلیارد دلار برآورد شده است.

پل تورجی

پل تورجی ۳۸ ساله متولد ایران، با دارایی‌های تحت مدیریت ۲٫۷ میلیارد دلاری خود، صندوق تامینی کلای خود را به بزرگ ترین صندوق در ایالات متحده مبدل ساخته است. شرکت مدیریت سرمایه تورجی یک صندوق تامینی در شهر نیویورک است که دارایی‌های تحت مدیریت آن هم اکنون به ۳٫۵ میلیارد دلار می رسد.

این شرکت توسط تورجی در ماه ژانویه سال ۲۰۰۵، پس از بسته شدن شرکت سرمایه گذاری قبلی او یعنی مدیریت دارایی‌های کتکویل، در میان یک دعوی حقوقی، تاسیس شد. تورجی معتقد است معاملات او در این صندوق به طور غیر منتظره ای در یک بازار فرار مدیریت می شود. از زمان شروع به کار صندوق تورجی در سال ۲۰۰۵، صندوق او تا به حال هرگز زیان ندیده است؛ در سال ۲۰۰۸، بازدهی صندوق او ۱۳ درصد شد و تا سال ۲۰۰۹ نیز بالاتر از ۵٫۷ درصد بوده است. برخی‌ها می گویند تورجی ابتدا می خواست در صنعت نفت سرمایه گذاری کند، اما گزینه صندوق‌های تامینی او را وارد بازار کالاها ساخت و او درگیر این حوزه شد.



ناصر داود خلیلی

دکتر ناصر داود خلیلی (متولد ۱۳۲۴ خورشیدی در اصفهان) دانشمند و خیر ایرانی - بریتانیایی مشهور جهان یک یهودی ایرانی تبار است که در لندن زندگی می کند. او دارای تابعیت انگلستان بوده و اغلب از سوی رهبران کشورهای مسلمان، با لقب «سفیر فرهنگی اسلام» خوانده می شود.

او پس از اتمام تحصیلات و خدمت سربازی در ایران، در سال ۱۹۶۷، به ایالات متحده آمریکا نقل مکان کرد و در آنجا به تحصیلات خود ادامه داد.

خلیلی در نهایت در سال ۱۹۷۸ در انگلستان اقامت گزید. خلیلی به خاطر داشتن مجموعه ای از آثار هنری شهرت یافته است.

بخش عمده دارایی های او را مجموعه ای از آثار هنری ایرانی و اسلامی تشکیل می دهد، که بالغ بر ۲۰ هزار شیء هنری و عتیقه جات را شامل می شود. خلیلی از سال ۱۹۷۰، تحت نظارت شرکت «اعتماد خانواده خلیلی»، شش مورد از بهترین و جامع ترین کلکسیون های هنری جهان را جمع آوری کرده که شامل هنر جهان اسلام (۲۰۰۰-۷۰۰)، هنر ژاپنی از دوره میجی (۱۹۱۲-۱۸۶۸)، ۳۰۰ سال از کیمونو ژاپنی (۲۰۰۰-۱۷۰۰)، منسوجات سوئدی (۱۹۰۰-۱۷۰۰)، فلز کاری های اسپانیایی (۱۹۰۰-۱۸۵۰) و میناکاری جهان (۲۰۰۰-۱۷۰۰) می شوند.

این شش مجموعه در کل ۲۵ هزار اثر را شامل می شوند. هر یک از این شش مجموعه بر اساس مرغوبیت آنها، بزرگ ترین و جامع ترین کلکسیون های جهان هستند. مجموعه هنر اسلامی خلیلی تا ۲۰ هزار آیتم افزایش یافته که در نوع خود بزرگ ترین کلکسیون جهان به شمار می آید.

خلیلی بر اساس فهرست ساندی تایمز در سال ۲۰۰۷ پنجمین ثروتمند ایرانی در بریتانیا شناخته شده است.

ساندی تایمز ارزش کلکسیون خلیلی را ۵۰۰ میلیون پوند تخمین زده که البته خلیلی خود ارزش کلکسیون هایش را بالاتر از یک میلیارد پوند می داند. علاوه بر این، خلیلی مدیر دو شرکت سودآور بوده و در بازار املاک نیز فعالیت می کند.

امید کردستانی

امید کردستانی ۳۹ ساله، بزرگ شده تهران، تاجر ایرانی آمریکایی است که هم اکنون به عنوان مشاور ارشد دفتر مدیر عامل و بنیانگذاران گوگل و به عنوان مدیر غیر اجرایی در رودافون کار می کند. کردستانی تا ۱۶ آوریل ۲۰۰۹، معاون ارشد رئیس فروش و عملیات گوگل بود. او دارای بیش از ۱۲ سال تجربه، آن هم در موقعیت های کلیدی، در زمینه تکنولوژی سطح بالا و سرمایه گذاری، در شرکت های پیشرو اینترنتی از جمله ارتباطات نت اسکپ است.

او همچنین معاون توسعه کسب و کار و فروش وب سایت نت اسکپ بود که توانسته بود ظرف ۱۸ ماه درآمد آن را از نرخ سالانه ۸۸ میلیون دلار به بیش از ۲۰۰ میلیون دلار افزایش دهد. او کار خود را در نت اسکپ به عنوان مدیر فروش آی ام (OEM) آغاز کرد و طی چهار سال فعالیت حرفه ای خود در این شرکت، مسوول ایجاد روابط با مشتریان عمده ای همچون سیتی بانک، AOL، آمازون، اینچویت، ترولوسیتی، اینتل، اتسایم هوم، ای بی و ایکسایت بود. قبل از نت اسکپ، کردستانی در شرکت های تری دو (3DO)، گو کورپرویشن و هیولت پاکارد در بخش بازاریابی، مدیریت محصول و توسعه کسب و کار فعالیت می کرد.

کردستانی در ماه می سال ۱۹۹۹ به گوگل پیوست و به هدایت توسعه و پیاده سازی مدل کسب و کار اولیه این شرکت پرداخت. او در تلاش های گوگل برای کسب درآمد و همچنین عملیات فروش شرکت نقش ایفا کرده است. او تا ۱۶ آوریل ۲۰۰۹، معاون ارشد بخش فروش و عملیات گوگل بود. در شماره ۸ می ۲۰۰۶ مجله تایم، کردستانی یکی از ۱۰۰ نفری بود که جهان ما را شکل داده است. کردستانی یکی از ثروتمندترین ساکنان کالیفرنیا شمالی است. مجله سنن حوزه ارزش خالص دارایی های او را ۱٫۹ میلیارد دلار تخمین زده است. کردستانی یکی از بنیانگذاران بنیاد ارتباطات پارسا، جامعه میراث فارسی، جامعه کارآفرینی و بشردوستانه است.

حسن خسروشاهی

حسن خسروشاهی (متولد ۱۳۱۹ در تهران) کارآفرین کانادایی ایرانی تبار است که اصالتاً اهل خسروشهر از توابع استان آذربایجان شرقی است.

خسروشاهی دارای دو مدرک در رشته های حقوق و اقتصاد از دانشگاه تهران است. پس از انقلاب ایران خانواده خسروشاهی به کانادا مهاجرت کرد.

خسروشاهی در سال ۱۹۸۱ در ونکوور اقامت گزید و یک سال بعد در سال ۱۹۸۲، فروشگاه های زنجیره ای الکترونیکی به نام «فیوچر شاپ» را تاسیس کرد. این زنجیره بعداً در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در سراسر غرب کانادا و انتاریو گسترش یافت. در سال ۲۰۰۶، این خرده فروشی با ۱۱۸ فروشگاه در تمام ۱۰ استان کانادا فعال بود. این خرده فروشی پس از تلاش نافر جامی که برای توسعه در ایالات متحده آمریکا داشت، که حدود یک دهه به طول انجامید، تمام فروشگاه های ایالات متحده آن در سال ۱۹۹۹ بسته شدند.

در مارس ۲۰۰۱، شرکت بست بای، مستقر در آمریکا، فروشگاه فیوچرز خسروشاهی را به قیمت ۵۸۰ میلیون دلار (دلار کانادا) تصاحب کرد. در آوریل ۲۰۰۷، خسروشاهی رئیس هیات امنای موسسه فریزر شد. او هلدینگ پرسیس را در سال ۱۹۸۱ تاسیس کرد. این هلدینگ، سرمایه گذاری های قابل توجهی در کسب و کار خرده فروشی، املاک و مستغلات و داروسازی در کانادا و ایالات متحده کرده است. خسروشاهی همچنین عضو کمیته اجرایی شورای کسب و کار بریتیش کلمبیا، و از اعضای هیات مدیره صندوق موقوفه ایگ لیدینگ است. در سال ۲۰۱۲، ارزش خالص دارایی های خسروشاهی ۹۴۰ میلیون دلار برآورد شده بود. ثروت خسروشاهی ۹۵۰ میلیون دلار برآورد شده است.



انوشه انصاری

انوشه انصاری (متولد ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۶ در مشهد) مهندس، همکاری در تاسیس و رئیس شرکت سیستم‌های پرادی (Prodea) است. او سابقاً به عنوان بنیانگذار جزء و مدیر عامل شرکت فناوری‌های مخابراتی تی تی آی (TTI) مشغول به خدمت بوده است. انوشه انصاری در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶، چند روز پس از تولد ۴۰ سالگی اش، به عنوان اولین ایرانی به فضا سفر کرد. انوشه انصاری چهارمین تورپیست فضایی و اولین زنی شد که کل هزینه‌های سفر به ایستگاه فضایی بین‌المللی را خود بر عهده گرفت. در سال ۱۹۹۳، او همسرش، حمید انصاری و برادر همسرش، امیر انصاری را متقاعد کرد تا شرکت فناوری‌های مخابراتی تی تی آی را با پس‌انداز خود و حساب‌های بانکی شرکت‌های بزرگ تاسیس کنند. این شرکت یکی از تأمین‌کنندگان سافت سوئیچ بود که ارائه‌دهندگان خدمات مخابراتی را قادر می‌ساخت تا کارایی سیستم را افزایش و هزینه‌های عملیاتی خود را کاهش دهند، همچنین فرصت‌های جدید کسب درآمد را ایجاد کنند. این شرکت محصولاتی ارائه می‌دهد که ادغام بین شبکه‌های مخابراتی موجود و شبکه‌های برنامه‌محور نسل بعدی را از طریق فناوری سوئیچ نرم افزار امکان‌پذیر می‌سازد.

شرکت تی تی آی در سال ۲۰۰۱ توسط شرکت شبکه‌های سونوس در یک معامله سهام به سهام تصاحب شد. انوشه انصاری نیز معاون رئیس سونوس و مدیر کل بخش Intelligent IP این شرکت شد و تا ماه مارس سال ۲۰۰۱ در این پست باقی ماند. ثروت او ۷۵۰ میلیون دلار برآورد شده است.

فرزاد ناظم

فرزاد ناظم (متولد ۱۹۶۱ در تهران) رئیس ارشد فناوری یاهو بود. در ۳۰ می ۲۰۰۷، و در ۴۶ سالگی، اعلام کرد که از یاهو بازنشسته می‌شود و در ماه ژوئن همان سال نیز یاهو را ترک کرد. از زمان بازنشستگی، ناظم بیشتر وقت خود را صرف سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های انسان دوستانه و مربیگری حرفه‌ای کارآفرینان جوان در زمینه فناوری کرده است.

ناظم کار حرفه‌ای خود را در شرکت Rolm آغاز کرد؛ این شرکت سوئیچ‌های بزرگ تلفن تولید می‌کرد. در سال ۱۹۸۵، ناظم به شرکت او را کل پیوست. او بیش از ۱۰ سال در این شرکت در کنار لری الیسون، مدیر عامل شرکت بر روی پروژه‌های استراتژیک کار می‌کرد. تا زمان ترک او را کل، تعداد کارمندان این شرکت از ۳۵۰ به حدود ۳۵۰ هزار رشد پیدا کرد.

هنگامی که ناظم در سال ۱۹۹۶ به استخدام یاهو درآمد، کمتر از یک سال از عمر این شرکت می‌گذشت.

با مدیریت ناظم، یاهو به یک غول اینترنتی تبدیل شد. ناظم با هدایت چندین طرح ابتکاری به سرعت رشد یاهو و تمایز آن از رقبایش کمک کرد. در طول اوج گیری یاهو، ناظم سکاندار تصاحب بیش از ۴۰ شرکت بود.

اسحاق لاریان

اسحاق لاریان (متولد ۱۳۳۳ در کاشان) میلیاردر ایرانی آمریکایی و از یک خانواده یهودی است. لاریان بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی MGA Entertainment است. لاریان به تنهایی در ۱۷ سالگی به ایالات متحده رفت. او پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، در رشته مهندسی عمران، کسب و کار صادرات کالاهای الکترونیکی را آغاز کرد و بعدها در سال ۲۰۰۰، به گسترش این شرکت که شامل ایجاد، توسعه و بازاریابی عروسک برتزو بود، پرداخت.

ذهنیت اسحاق از همان کودکی که در بزازی پدرش کار می‌کرد، به سمت کسب و کار سوق یافته بود. لاریان در سال ۲۰۰۴، توسط ارنست اند یانگ، «کارآفرین سال» (در فهرست محصولات مصرفی) نامگذاری شد.

او همچنین در سال ۲۰۰۴، توسط ارنست اند یانگ «کارآفرین سال» ملی نام گرفت. شعار او «بند به نفع جسوران» در سراسر ساختمان MGA نمایش داده می‌شود. ثروت لاریان ۷۲۳ میلیون دلار برآورد شده است.

آرش فردوسی

آرش فردوسی متولد هفتم اکتبر ۱۹۸۵، به عنوان کارآفرین آمریکایی ایرانی، از بنیانگذاران و رئیس تکنولوژی ارشد شرکت دراپ باکس (Dropbox) است. آرش در سال ۲۰۰۴ از دبیرستان آبی شمال غربی در پارک زمینی کانزاس فارغ‌التحصیل شد.

بعد از آن در موسسه تکنولوژی ماساچوست حضور رساند و بر روی کسب و کار خود متمرکز شد. آرش در ژوئن سال ۲۰۰۷ با شریک کسب و کار خود، درو هوستون، در موسسه تکنولوژی ماساچوست، دراپ باکس را راه‌اندازی کرد.

در سپتامبر ۲۰۰۷ نیز آرش شرکت خود را به سان فرانسیسکو منتقل کرد و سرمایه‌گذاران را از طریق شرکت‌های کپیتال سکویا، همکاران آکس، ایگرگ کامبینیتور و تعداد انگشت شماری از سرمایه‌گذاران فردی افزایش داد. ثروت آرش فردوسی، ۴۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.

مانی مشعوف

مانی مشعوف، ۶۸ ساله، (تاجر ایرانی - آمریکایی متولد مشهد) در دوران نوجوانی به ایالات متحده آمریکا رفت و برای اولین بار در شیکاگو، و سپس در سان فرانسیسکو مسکن گزید. در آنجا، او به دانشگاه ایالتی سان فرانسیسکو رفت و در سال ۱۹۶۶ با مدرک علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد.

مانی مشعوف پیش از افتتاح اولین بوتیک زنانه خود در سال ۱۹۷۶، استیک فروشی داشت و در اواخر دهه محصولات خود را در سریال‌های محبوب تلویزیونی آمریکا به طور غیر مستقیم معرفی می‌کرد. او بنیانگذار و حال رئیس فروشگاه زنجیره‌ای بی بی بی (bebe) بوده که در حال حاضر دارای ۲۹۷ شعبه در شمال آمریکا است. او اخیراً به آلمان مادر خود، ایالت سان فرانسیسکو، قول ۱۰ میلیون دلار کمک داده است. فوربس او را با ثروتی در حدود ۱٫۳ میلیارد دلار به عنوان سومین ثروتمند ایرانی معرفی کرده است.

دست فاصله

در ایران با استانداردهای بین‌المللی



گزارش مراجع بین‌المللی از نرخ دستمزد در سراسر جهان، از پایین بودن حداقل دستمزد نیروی کار ایرانی نسبت به دستمزد دریافتی نیروی کار در سایر کشورها خبر می‌دهد.

گزارش مراجع بین‌المللی از نرخ دستمزد در سراسر جهان، از پایین بودن حداقل دستمزد نیروی کار ایرانی نسبت به دستمزد دریافتی نیروی کار در سایر کشورها خبر می‌دهد.

کارگران ایرانی برای یک ساعت کار در هفته دستمزدی بالغ بر ۱/۱۲ دلار دریافت می‌کنند، در حالی که نرخ دستمزد در بیشتر کشورهای پیش از ۵ دلار برای هر ساعت است. این در حالی است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به تازگی پیشنهاد کرده است که سطح دستمزد برای تاز هواردان به بازار کار در ایران کاهش پیدا کند. اجرایی شدن این پیشنهاد هر چند ممکن است روی نمودارها به کاهش نرخ بیکاری منجر شود اما در واقعیت به شمار کسانی که قدرت اداره خودشان را در نخستین سال‌های جوانی دارند اضافه نخواهد کرد. بر اساس این

پیشنهاد، دانش‌آموختگان دانشگاهی زیر ۲۹ سال از شمول قانون کار خارج می‌شوند و حداقل مزد کارگران زیر ۲۹ سال به میزان ۷۵ درصد حداقل مزد مصوب شورای عالی کار تعیین می‌شود. چنین پیشنهادی که به گفته طراحانش به قصد «ترغیب کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی و تعاونی به جذب نیروی کار بیکار جوان به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و باهدف کمک به کاهش هزینه نیروی کار بنگاه‌های اقتصادی» در پیش‌نویس لایحه ششم توسعه گنجانده شده، در شرایطی طرح شده است که بنابه اذعان وزارت کار، سهم دستمزد در هزینه تولید از ۲/۱۳ درصد در سال ۷۶ به ۷/۵ درصد در سال ۹۰ کاهش پیدا کرده است.

روشن است که با افزایش دستمزد کمتر از نرخ رسمی تورم و هزینه سبب معیشت یک خانواده چهار نفره در سالیان گذشته، این درصد کمتر نیز شده است. وزارت کار در سال ۹۲ اعلام کرده بود که ۲۱/۲ درصد شاغلان کمتر از یکصد هزار تومان و ۶۰ درصد از آنها کمتر از ۶۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنند. بدین ترتیب دست کم ۶۰ درصد از کارگران ایرانی در سال ۹۲ کمتر از حداقل‌های قانونی مصوب وزارت کار حقوق دریافت می‌کردند؛ آماري از کاهش این رقم در سال‌های گذشته ارایه نشده است.

گفتنی است دستمزد کارگر ایرانی برای یک ساعت کار در هفته به دلار از تقسیم رقم دستمزد ماهانه معادل ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومان بر ساعات کار اجباری چهار هفته متوالی - که ۱۷۶ ساعت می‌شود - به دست می‌آید. از این محاسبات رقمی در حدود ۴۰۵۰ تومان حاصل می‌شود. از تقسیم این رقم بر نرخ فعلی دلار، عددی نزدیک به ۱/۱۲ دلار برای یک ساعت کار در هفته به دست می‌آید.

● نرخ دستمزد در سایر کشورها

بنابر گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، دستمزد دریافتی کارگران در استرالیا ۹/۵۴، بلژیک ۸/۵۷، ایرلند ۸/۴۶، فرانسه ۸/۲۴، هلند ۸/۲، آلمان ۷/۱۹، کانادا ۷/۱۸، انگلیس ۷/۱۶، آمریکا ۶/۲۶، کره ۵/۸۵، ژاپن ۵/۵۲ و اسپانیا ۵/۳۷ دلار در ساعت است.

همچنین نرخ دستمزد در کشورهای بحران زده پر تغال و یونان ۴/۴ دلار برای هر ساعت است، یعنی حدود چهار برابر دستمزد کارگر ایرانی. نرخ دستمزد در کشور ترکیه نیز ۳/۴۹ دلار در ساعت است. اما شاید گفته شود که متناسب با پایین بودن نرخ دستمزد در ایران، هزینه‌های نیز پایین تر است. درآمد سرانه شاخص مناسبی برای قیاس قدرت خرید مردم در کشورهای مختلف است.

بانک جهانی درآمد سرانه ایرانیان در سال ۲۰۱۴ را ۵۱۴ هزار و ۴۴۳ دلار اعلام کرده است، در حالی که درآمد سرانه کشورهای همسایه نظیر آذربایجان ۷ هزار و ۸۸۴، بحرین ۲۴ هزار و ۸۵۵، عراق ۶ هزار و ۴۲۰، عمان ۱۹ هزار و ۳۰۹، عربستان ۲۴ هزار و ۱۶۱، ترکیه ۱۰ هزار و ۵۱۵ دلار است.

همچنین درآمد سرانه کشورهای استرالیا، بلژیک، ایرلند، فرانسه، هلند، آلمان، کانادا، انگلیس، آمریکا، کره، ژاپن و اسپانیا به ترتیب ۶۱ هزار و ۹۲۵، ۴۷ هزار و ۳۵۲، ۵۴ هزار و ۳۷۴، ۴۲ هزار و ۷۳۲، ۵۲ هزار و ۱۷۲، ۴۷ هزار و ۸۲۱، ۵۰ هزار و ۲۳۵، ۴۶ هزار و ۳۳۲، ۵۴ هزار و ۶۲۹، ۲۷ هزار و ۹۷۰، ۳۶ هزار و ۱۹۴ و ۲۹ هزار و ۷۶۷ دلار اعلام شده است.

بنابراین واضح است در حالی که نرخ دستمزد در کشورهای پیشرفته دست کم پنج برابر

دستمزد ایرانیان تعیین می‌شود، قدرت خرید آنها نیز به همین قیاس بیشتر است. این شکاف بین ایران و کشورهای همسایه نیز دیده می‌شود و اگر از درآمد سرانه نجومی کشورهای همسایه صاحب نفت چشم‌پوشی کنیم، کشورهای ترکیه و آذربایجان نیز درآمد سرانه بیشتری از ایران دارند. بانک جهانی می‌گوید درآمد مردم در کشورهایی که درآمد سرانه‌ای پایین تر از ۴ هزار و ۱۲۶ دلار دارند، پایین است؛ درآمد مردم در کشورهایی که درآمد سرانه‌شان بیش از ۴ هزار و ۱۲۶ و کمتر از ۱۲ هزار و ۷۳۵ دلار قرار می‌گیرد، متوسط است و درآمد مردم در کشورهایی که درآمد سرانه‌ای بیش از ۱۲ هزار و ۷۳۵ دلار دارند، بالاست. براساس درآمد سرانه ایرانیان در سال ۲۰۱۴، درآمد ایرانیان کمتر از متوسط است و قدرت خرید آنها از بیشتر کشورهای جهان پایین تر است.

● افسانه ساعت کاری کم

نکته جالب دیگر، ساعت کار اجباری در ایران است. ساعت کار اجباری در ایران از بیشتر کشورهای جهان بیشتر است. در حالی که این تصور به صورت مکرر القا می‌شود که تعطیلات ایرانیان از همه جای دنیا بیشتر است و تعطیلات بیش از حد، مانع از رشد چرخ‌های اقتصادی کشور می‌شود، بررسی تطبیقی ساعت کار اجباری در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد که کشور فرانسه با ۳۵ ساعت کار در هفته، کمترین میزان کار اجباری را به مردمش تحمیل می‌کند. این رقم در ایران ۴۴ ساعت در هفته است، در حالی که در فقدان اجرای اصولی قانون، بسیاری از کارگاه‌ها، کارگران را بدون اضافه کاری یا اضافه کاری برای ساعات بیشتری به کار می‌گیرند. کارگران در استرالیا، انگلیس، بلژیک و دانمارک نیز ۳۸ ساعت در هفته کار می‌کنند. همچنین ساعت کار اجباری در ایرلند ۳۹ ساعت، در هلند ۴۰ ساعت، آلمان ۵/۴۰ ساعت، کانادا ۴۰ ساعت، کره ۴۰ ساعت، ژاپن ۴۰ ساعت و اسپانیا ۴۰ ساعت کار اجباری در آمریکا، مهد سرمایه‌داری ۴۰ ساعت است. ساعت کار اجباری در بیشتر کشورهای جهان ۴۰ ساعت است، به جز شماری از کشورهای جهان سوم که ساعت کار اجباری در آنها عمدتاً یا ۴۴ یا ۴۸ ساعت است.



مالزی

مقصد رویایی کار آفرینان اروپایی



چه ویژگی‌های دیگری برای به راه انداختن کسب و کار در مالزی لازم است؟ کار آفرینان اروپایی چه تسهیلاتی برای ایجاد شرکت در اینجا دریافت خواهند کرد؟

شرکت‌های اروپایی می‌توانند بر روی طیف وسیعی از حمایت‌هایی کمیسیون اروپا حساب کنند. «شبکه موسسات بازرگانی اروپا» سازمان‌های اروپایی در سراسر جهان را گرد هم می‌آورد. البته همانطور که مینا سانتری، مسئول اتاق صنایع و بازرگانی مالزی و اتحادیه اروپا می‌گوید، تاسیس موسسه بازرگانی به خودی خود انجام نمی‌شود. وی می‌افزاید: «باید درباره بخش‌های مختلف، بازار، رقبا و حق مالکیت معنوی اطلاعات را گرد آورد و کارهای لازم را انجام داد. باید دانست که چه حمایت‌هایی را می‌توان از اتاق‌های بازرگانی گرفت و به یاد داشت که هر کاری زمان می‌برد و دو تا سه سال وقت لازم است.»

قرار است مالزی ریاست اجلاس بعدی اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا را برعهده بگیرد و جامعه اقتصادی این اتحادیه هم تا آخر سال آینده میلادی تشکیل خواهد شد.

خانم سانتری در باره توانایی‌های بالقوه مالزی می‌گوید: «نیروی کار در مالزی هم ماهر است و هم می‌تواند بخوبی زبان انگلیسی صحبت کند. زیرساخت‌های خوب داریم و دولت هم حامی تجارت و کسب و کار است برای رسوخ به بازار کشورهای آسیای جنوب شرقی، مالزی جای مناسبی است.»

کلید موفقیت شرکت نئاپولی در مالزی چه بوده است؟ مدیر عامل شرکت می‌گوید: «از نظر من لازم‌ه موفقیت در آسیا، شناخت و احترام به فرهنگ‌های محلی است. برای مثال در مالزی سه قومیت داریم در نتیجه برای تجارت به سه روش مختلف نیاز خواهیم داشت.»

● در مالزی
صنعت
ساختمان
سازی وضعیت
پر رونقی دارد
و فرصت‌های
خوبی برای
پژوهش و
به بار آوردن
روش‌های
جدید در این
صنعت وجود
دارد. زیرا در
تلاش برای
بهبود کردن
ساختمان‌ها از
لحاظ کاهش
مصرف سوخت
و سازگاری با
محیط زیست،
هنوز گام‌های
نخستین در
این صنعت
برداشته
● می‌شود

مالزی در اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا موسوم به آسه آن (ASEAN) بین ۱۵ اقتصاد رقابتی جهان قرار دارد. اینجا مقصدی رویایی برای بسیاری از کار آفرینان اروپایی است. اما چگونه می‌توان در مالزی شرکت تجاری به راه انداخت و کلید موفقیت چیست؟

شرکت نئاپولی (Neapoli) در زمینه ساختمان‌های سازگار با محیط زیست یا ساختمان‌های سبز در مالزی فعالیت می‌کند. این شرکت اروپایی در عرض تنها چهار سال، به یکی از شرکت‌های اصلی در این حوزه تبدیل شده است. شرکت در طراحی برجهای دوقلوی پتروناس، در قلب کوالالامپور نقش داشته است. دستاوردهای شرکت با بالاترین معیارهای حفاظت از محیط زیست در سراسر جهان همگام است.

استیلیوس پلینیوتیس، مدیر عامل شرکت می‌گوید: «در مالزی صنعت ساختمان سازی وضعیت پر رونقی دارد و فرصت‌های خوبی برای پژوهش و به بار آوردن روش‌های جدید در این صنعت وجود دارد. زیرا در تلاش برای بهینه کردن ساختمان‌ها از لحاظ کاهش مصرف سوخت و سازگاری با محیط زیست، هنوز گام‌های نخستین در این صنعت برداشته می‌شود.»

رشد اقتصادی بخش ساختمان‌های سبز در جنوب شرق آسیا تا حدی بوده که قرار است طی پنج سال آینده تعداد این شرکت‌ها سه برابر شود. همانطور که مدیر عامل شرکت نئاپولی می‌گوید، این شرکت اروپایی به مهارت‌های خود آگاه است. وی می‌افزاید: «از رقبا و اینکه از کار ما تقلید شود، ترس نداریم. دانش، روش‌ها و تجربه‌هایمان را در اختیار دیگران می‌گذاریم و به این ترتیب هم پیشرفت‌ها را رهبری می‌کنیم و هم به رشد بازار کمک می‌کنیم.»



دوران حبس، دوران رشد و تغییر همسو با پیشبرد اهداف صنعت کشور

آموزشهای فرهنگی مناسب ضمن کار در کارگاههای اجباری، از فواید و نتایج ذیل بهره مند خواهیم شد:

۱- از آنجا که اولین عامل زمینه ساز انحراف ذهن، تنبلی و بیکاری می باشد، ضمن اجرای این طرح مجرمین از اثرات مثبت کار و تحرک جسمی بهره مند می شوند و فعالیت و جنبش، سلامت روح و روان را برای آنها به ارمغان آورده و فرصت اشتغال ذهن برای انحراف از بین می رود.

۲- کار و تلاش جسمی، ایجاد کننده حس اعتماد به نفس و خودباوری بوده و این حس توانایی و موثر بودن، احتمال ارتکاب مجدد جرم پس از آزادی را کاهش می دهد و در نتیجه میزان انس با جامعه و جامعه پذیری افزایش می یابد.

۳- اشتغال زندانیان در اردوگاههای کار اجباری و یا مجموعههای تولیدی آنها را از آسیبهای دوران حبس، همچون آشنایی بیشتر با نحوه ارتکاب جرم و.. مصون نگاه می دارد.

۴- پویایی و تلاش، باعث ایجاد فرهنگ کار و تلاش فردی می شود. ۵- در حین اجرای طرح امکان بر آورد و گزینش نیروهای برتر برای استخدام در مجموعههای تولیدی فراهم می شود

۶- برگزاری دورهها، سخنرانیها و کارگاههای آموزشی ضمن کار جهت فرهنگ سازی و ارائه الگوهای صحیح بز هکاران

۷- بررسی جامعه شناختی علل وقوع جرم و جمع آوری دادههای لازم، در حین برگزاری دورههای آموزشی برای ریشه یابی علل وقوع جرم و نیازسنجی آموزشی

۸- تغییر رویکرد مجازات افراد، از سمت تنبیه و در غل و زنجیر کردن نیروی محرکه، به سمت استفاده از توان و نیروی فرد در جهت اهداف مثبت

۹- کاهش ارتکاب مجدد جرم و در نتیجه کاهش آمار زندانیان

۱۰- کاهش هزینههای دولت در جهت تامین و نگهداری زندانها با آرزوی اجرای صحیح این قانون و بهره مندی چند جانبه ی جامعه و دولت و صنعت از فواید بی نظیر این طرح

هر گاه در مجامع عمومی و تخصصی، صحبت از جرم و راهکارهای کاهش بزه به میان می آید فوراً نقش دستگاههای اجرایی امنیتی و قضایی، به ذهن متبادر شده و بسیار اندک به نقش صنعت در کاهش جرم پرداخته می شود.

در این مختصر برآنیم تا به موضوع میزان تأثیر گذاری صنعت و کار آفرینی در مقوله ی جرم و بزه بپردازیم. اما اینبار، نه از نگاه آشنای همیشه، که از تأثیر مستقیم اشتغالزایی در کاهش میزان وقوع جرایم در جامعه می گوید.

بلکه می خواهیم گامی در جهت ایجاد نگاهی تازه برداریم و طرحی نو در اندازیم....

مطالب را با یادآوری قانون مجازات اسلامی که مورخ ۱۰/۲۸/۹۱ به تصویب نهایی شورای نگهبان رسید، آغاز می کنیم.

در فصل نهم این قانون طی مواد ۶۳ الی ۸۶ با عنوان مجازاتهای جایگزین حبس، به طور مفصل به موضوع روشهای متفاوت اعمال مجازات به جای زندان، پرداخته می شود.

اصولاً فلسفه ی مجازات، اصلاح بز هکار است اما با نگاهی به زندانها متوجه می شویم که نه تنها اصلاحی صورت نمی گیرد بلکه آموختن انواع راهکارهای جدید برای جرایم آینده و جرایم جنسی و اعتیاد در زندان بر روابط زندانیان حاکم است و چه بسا افرادی که بعد از دوران حبس و خو گرفتن با محیط، همانند یک مجرم حرفه ای و با برنامه ریزی بیشتر برای ارتکاب جرم از زندان خارج می شوند. از همین رو، با درک عواقب جبران ناپذیر حبس، علاوه بر تحمیل هزینه به دولت، فرایندهای تدوین و تصویب قانون مجازاتهای جایگزین، به اتمام رسید و بدین ترتیب کشور، صاحب قانون جدیدی در حیطه حقوق کیفری شد.

و اما یکی از مجازاتهای جایگزین که در ماده ۶۳ مقرر شده عبارت است از دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان.

هدف اینجانب از بیان جزئیات قانون مصوب، تعیین نقطه ای تأثیر صنعت و کار آفرینی و بیان نقش پر رنگ و پتانسیل بالای حوزه ی صنعت، در کار آمد کردن این قانون و اجرای بهینه آن می باشد.

خوشبختانه هم اکنون، با پویایی و آگاهی معاونت اجتماعی پیشگیری از وقوع جرم و همچنین شورای ارتقای آگاهی عمومی و افکار سنجی در قوه قضائیه، لزوم و اهمیت ارتباط دست اندر کاران قضا با صنعتگران و کار آفرینان، درک شده و برداشتن گامهای مثبتی را در این عرصه شاهدیم.

که از جمله آنها می توان به برگزاری جلسات هم اندیشی کار آفرینان و فعالان قضایی، اشاره کرد و این نویدبخش آغاز فصل نوینی در همسویی بخشهای مختلف دولتی و خصوصی، در جهت پیاده سازی راهکارهای نوین برای رشد و ارتقای جامعه و کاهش جرم و بزه می باشد.

و اکنون، با وجود بستر قانونی لازم و از سویی دیگر، تغییر نگاه دولتمردان و جامعه نسبت به اهمیت جایگاه کار آفرینی و درک توانایی ایفای نقش صنعتگران در ایجاد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری و جرم، می توان به برداشتن گامهایی بزرگتر و اقداماتی بنیادی تر امیدوار بود و با هم اندیشی و همکاری صنعتگران، از توان مجرمین و افراد آسیب دیده، برای سرعت بخشیدن به حرکت چرخه صنعت کشور استفاده کرد.

بدین نحو که مجازات جایگزین حبس مجرمان، کار در مجموعههای تولیدی و صنعتی در نظر گرفته شود.

و در صورت اجرای هدفمند این قانون و بهره مندی مجرمین از



مردی که جای پایش ملی شد (کفش ملی)

یادمان مردانی که کار آفریدند و ماندگار شدند



به کیفیت و غربت آموزش توجه نکنید، روزگاری مردم با کفش ملی، زندگی کرده‌اند و این کفش در زمره کفش‌های دوست داشتنی و محبوب مردم ایران بود و بنیانگذار آن با ۳۵ نفر کارگر کارخانه‌اش راه‌اندازی کرد و به تدریج و ۵۰۰ جفت کفش در کارخانه کفش ملی توسط ۲ هزار و ۵۰۰ بنیانگذار این محصول ملی کسی نبود جز رحیم ایروانی که بی‌تردید یکی از مردان بزرگ اقتصاد ایران است و از وی در تاریخ کار آفرینان ایرانی به نیکی یاد شده است. او از پیش‌تازان و بنیانگذاران صنعت مدرن کفش در ایران بود که از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۷ شمسی بیش از ۵۲ شرکت در صنعت کفش و چرم و بیش از ۳۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای ایروانی سختکوشی، انضباط و نحوه رفتار با انسان‌ها و نیروی کار را از شیوه‌های آموزش این مدارس که مبتنی بر شیوه مدارس عمومی انگلستان بود آموخت. ایروانی در سال ۱۳۲۱ در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. در دوران دانشجویی ضمن تحصیل به کارهای مختلفی مشغول شد.

در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۳ زمینی در اطراف مهرآباد خرید و فعالیتش را در آغاز به آنجا و سپس به پارک صنعتی اسماعیل آباد کیلومتر ۱۵ جاده کرج منتقل نمود. ایروانی با تجربه کالج ستیوارت در اصفهان، و بانک شاهی ترکیبی از نظم‌پذیری و دقت محاسبه‌گری در حسابداری را به هم آمیخت که با تکیه بر قواعد و قانون کار در تمام فعالیت‌هایش منعکس شد و نمونه خوبی از یک کارآفرین ایرانی را پدید آورد. رحیم ایروانی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۷ در کار تجارت و صنعت بود.

او اولین شرکت خود را با نام شرکت سهامی باتادر تیر ماه ۱۳۳۰ به منظور صادرات و واردات کفش در سبزه میدان تهران و آخرین شرکت را به نام چرم خسروی نو در سال ۱۳۵۶ به منظور دباغی و چرم‌سازی به ثبت رساند.

● کفش ملی؛ سفره‌ای که باید در حفظ آن کوشید

ایروانی همواره کفش ملی را سفره بزرگی می‌دانست که کارگران و مدیرانش باید در حفظ آن کوشا باشند. این مساله‌ای بود که او حتی بعد از ملی شدن این گروه صنعتی با

● در همه فعالیت‌های اقتصادی‌اش بر نقش حسابداری تاکید می‌کرد

پس از پایان تحصیل در سال ۱۳۲۴ به آبادان رفت و شش ماه به استخدام دادگستری درآمد. پس از آن پروانه و کالت گرفت و پنج ماه به کار و کالت پرداخت. در همین زمان چند ماه در بانک شاهی ایران کار کرد. این تجربه کوتاه مدت خدمت در بانک به همراه شم اقتصادی او که ناشی از کار در خانواده‌های تاجر پیشه بود باعث شد که در همه فعالیت‌های اقتصادی‌اش بر نقش حسابداری تاکید کند. او پس از تحصیل و چندین کار مختلف از جمله تأسیس کارخانه برق فسا، ساخت پاساژ استاندار در شیراز و تجارت کفش و کالاهای دیگر، سرانجام واردات کفش را با صنعت کفش جایگزین کرد و بزرگ‌ترین صنعت کفش و چرم در ایران و خاورمیانه را در طی دو دهه شکل داد.

او که نماینده فروش شرکت معروف کفش‌سازی باتادر ایران بود و کفش‌های لاستیکی از اروپای شرقی وارد می‌کرد، نخست پاساژی در خیابان خیام ساخت و پس از چند سال واردات کفش‌های گالش از چک و اسلواکی با خرید دو دستگاه ماشین تزریق مواد لاستیکی، نخستین تولید کفش را آغاز کرد.



ارسال توصیه به مدیران منتخب دولت بر آن تاکید می کرد. شیوه مدیریتی او ترکیبی از الگوی پدرسالاری با عقل گرایی و حساسگری بود. در عین حال تلاش کرد به نحو کارایی از ابزارهای مدرن مدیریتی در جامعه ایران که هنوز روابط کارگری در آن در مراحل ابتدایی قرار داشت استفاده کند. برای ابروانی علم حسابداری به شدت اهمیت داشت. و به همه در بدو استخدام، کارآموزی حسابداری را با نوشتن دفتر روزنامه توصیه می کرد. بنابراین از دقت و محاسبه گری در کارها بسیار استقبال می کرد.

● صدور کفش به شوروی و اروپای شرقی

ایروانی علاوه بر تأسیس فروشگاه کفش ملی در سطح ایران و یکسان سازی قیمت در کل فروشگاه ها توانسته بود به شوروی و اروپای شرقی کفش (پوتین) صادر کند. ابروانی در طی بیش از ۳۰ سال فعالیت، توانسته بود در سال ۱۳۵۶ قریب به ده هزار نفر را در شرکت های مشغول کند. ابروانی سیاست های مختلفی را در جهت رشد گروه صنعتی ملی در پیش گرفت تا خانواده بزرگ کفش ملی را ایجاد کند. ویژگی رحیم ابروانی تاکید بر نظم، آموزش، اهمیت امور مالی، توجه به مدیریت، نوآوری در کار، داشتن اصول اخلاقی، انتخاب مدیران برجسته، وفاداری به مجموعه گروه بود.

یکی از بارزترین تاثیر اقدامات او فروشگاه های کفش ملی است که به ساخت فضاهای خرید و زیباسازی شهرها کمک فراوانی کردند. فضاهایی که با رشد شهرنشینی به یکی از مکان های گردشگری مردم شهر نشین تبدیل شده بود که خود نشانه امنیت شهرها نیز بود.

ایروانی کارش را تنها با ۳۵ نفر کارگر آغاز کرد. ابروانی بعد از آغاز سه کارخانه، با خرید ماشین دوخت از پارچه های ایرانی استفاده کرد و کارخانه ای به نام ولکو نیز حاضر به سرمایه گذاری و آوردن فناوری به ایران شد.

● کفشی که یاد نفت را در ذهن مردم زنده کرد

این کارخانه در ابتدا ۱۵۰ زوج محصول

داشت. کارخانه، کفش ملی نام گرفت که ملی شدن نفت را در ذهن مردم و مشتریان تداعی می کرد. رحیم ابروانی با خرید تعداد زیادی از خانه های مهرآباد کارخانه خود را گسترش داد. او در یکی از زمین هایی که خریده بود مسجدی را نیز احداث کرد. تا سال ۱۳۳۷ در ایران کفش های چرمی تولید نمی شد اما بعد از این سال، به دنبال تأسیس کارخانه های چرم، تولید کفش چرم نیز در کفش ملی آغاز شد.

در این زمان رقبای عمده کفش ملی کفش های وارداتی بودند که از چکسلواکی وارد می شدند. از سال ۴۷ به بعد در کنار تولید کفش محصولات مثل جوراب، توپد آستر و بند کفش و مواردی دیگر اقدام کرد. در سال ۴۷ بعد از موفقیت تولید کفش در مهرآباد جنوبی مرحله سوم توسعه صنعت کفش ایران در کیلومتر ۱۸ جاده قدیم کرج در اسماعیل آباد شروع شد. وی زمینی به مساحت ۴۰۰ هزار متر خرید و پارک صنعتی کفش ملی فعالیت خود را در اوایل سال های دهه ۵۰ آغاز کرد. در این زمین نقشه احداث ۴۰۰ خانه سازمانی برای کارگران در نظر گرفته شده بود. او با احداث این خانه ها به دنبال کاهش هزینه رفت و آمد کارگران و هزینه نقل و انتقال آنان بود. در کارخانه کفش ملی تا سال ۱۳۵۰ انواع مختلفی از کفش مثل کفش ورزشی، کفش برای روزهای بارانی، چکمه، پوتین، دمپایی، کفش کتانی، کفش های بچه گانه و کفش ایمنی تولید می شد.

به تدریج گنجایش کارخانه مهرآباد زیاد شد به طوری که روزانه ۱۲ هزار و ۵۰۰ جفت کفش در کارخانه کفش ملی توسط ۲ هزار و ۵۰۰ کارگر استخدام شده تولید می شد. شرکت کفش ملی با وقوع انقلاب صادره و ملی شد و متأسفانه به دلایلی مثل ضعف مدیریت و واگذار نکردن آن به بخش خصوصی متحمل ۴ میلیارد زیان خالص و ۸۰۰ میلیون تومان زیان انباشته شد.

● مهاجرت اجباری به آمریکا و تأسیس کارخانه کفش در بوستون

ایروانی بعد از ۲۵ سال صادره کارخانه با روی کار آمدن هر مدیر جدیدی با او تماس می گرفت و انتصابش را به مدیریت تبریک می گفت و او را به حفظ شرکت تشویق



می کرد زیرا معتقد بود که چند هزار نفر از این طریق زندگی می کنند. ابروانی تا سال ۵۷ در ایران زندگی می کرد و بعد از آن با مهاجرت اجباری به آمریکا رفت. وی ابتدا کارخانه کفش و چرم سازی را در بوستون آمریکا تأسیس کرد و سپس در قاهره کارخانه کفش استاندارد را تأسیس کرد. اکنون فروشگاه های کفش ملی به عرضه تولیدات صنایع کوچک و دیگر کارخانه ها تبدیل شده اند. پارک صنعتی کفش ملی نیز انبار شرکت های خودروسازی است. هم اکنون بعد از ۳۲ سال، از پرسنل ۱۰ هزار نفری گروه کفش ملی تنها ۷۰۰ نفر باقی مانده اند که در کفش گنجه و بخش های بازرگانی مشغول به کار هستند.

و سرانجام رحیم ابروانی در ۱۲ بهمن ۸۴ بعد از یک روز کامل کاری در گذشت.



مفهوم «تحمل پذیری بدهی» چیست؟

با توجه به تمرکز روی یونان و بدهی های این کشور در تابستان امسال، می خواهیم بررسی کنیم فرض دولتی واقعاً تا چه حد مفید است و معنای بدهی تحمل پذیر و بدهی تحمل ناپذیر چیست؟

در این گزارش، سری به پرغال می زنیم تا ببینیم این کشور باز دیاد بدهی هایش چه می کند؟ همچنین خواهیم دید که کشور کوچکی مثل لتونی، چطور توانسته در زمینه اقتصاد، ورق را برگرداند. سپس با سونی کاپور، اقتصاددان و گفتگو با سونی کاپور، اقتصاددان و مدیر انجمن Re-Define همراه می شویم تا درباره مفهوم «تحمل پذیری بدهی» با وی گفتگو کنیم.

می دانیم که دولت‌ها برای جبران کمبود درآمد و چاپ اسکناس، نیازمند وام گرفتن هستند تا بتوانند کشورشان را اداره کنند. اگر یک مغازه دار بخواهد قرض بگیرد، میزان این بدهی به اندازه تجارت و برنامه او برای افزایش درآمدش بستگی دارد. اما کشورها را نمی توان قیمت گذاری کرد و هزینه های خدماتی هم لزوماً بر گشت اقتصادی ندارند. پس کشورها چگونه متوجه می شوند که بدهی هایشان تحمل پذیرند یا تحمل ناپذیر؟

دولت اوراق قرضه می فروشد تا روی آنها سود پرداخت می کند، هم به خریداران خارجی و هم داخلی. این اوراق تضمین می کنند که دولت پول افراد را در چند سال آینده پس می دهد. فرض کنیم بدهی های یک دولت، برابر ۲۰ درصد درآمد ناخالص داخلی آن است.

اگر دولت بتواند امسال تمام سود سرمایه گذاران را بدهد، سال بعد سطح بدهی، نسبت به درآمد ناخالص داخلی پایین می آید. چرا که کشور به طور معمول هر سال کمی رشد می کند و تولید ناخالص داخلی به نسبت بالا می رود. برای اطمینان از اینکه بدهی یک دولت تحمل پذیر است یعنی آنکه دولت توانایی بازپرداخت آن را دارد، اقتصاد باید حتماً رشد کند و در دوران رشد، باید فقط به اندازه نیاز قرض کرد.

اگر رشد کشور کند شود و تولید ناخالص داخلی افزایش نیابد، سطح بدهی بالا می رود. نگرانی بازگشت سرمایه از سوی سرمایه گذاران، نرخ سود اوراق قرضه را بالا می برد تا خطر ناکارآمدی احتمالی دولت را جبران کند. یعنی دولت‌ها در زمان کاهش رشد اقتصادی، برای بالا بردن نقدینگی، سود بیشتری می دهند. اگر نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، بیش از حد بشود و توانایی رشد کشور نامعلوم باشد، بدهی «تحمل ناپذیر» می شود.

حالا بدهی های یونان را در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی مانند هندوانه ای در نظر بگیرید که بزرگ است و بزرگتر هم می شود. چرا که آنها با وجود کاهش رشد اقتصادی همچنان به قرض کردن ادامه دادند. نرخ بهره زیاد شد و آنها بیشتر قرض کردند تا بدهی های قبلی را پس بدهند. بسیاری از کشورهای اروپا چنین وضعی دارند. بدهی های کشور پرغال نسبت به هندوانه یونان، به اندازه یک آناناس است.



● پرغال و روبرو شدن با چالش بدهی ها

مونیکا پینا، در یک سفر زمینی به پرغال رفته تا ببیند آنها برای تضمین برگشت سرمایه به سرمایه گذاران چقدر جدی هستند. سفر زمینی از شهر کوویلا به کویمبرا یک مسیر زمینی طولانی است و مانند بسیاری دیگر بزرگراه های این کشور، این بزرگراه پرغال تقریباً همیشه خالی است چرا که به خاطر بدهی سنگین ۸۷ میلیارد یورویی این کشور، بزرگراهها پر از عوارضی شده اند. با اینکه برنامه بهبود اقتصاد در سال ۲۰۱۴ میلادی کنار رفت، اما شرکت های حمل و نقل هنوز بهای آن را می پردازند. شرکت آنتونیو یکی از شرکت های پرغالی است که مجبور شده با پیامدهای اصلاحات روبرو شده و خودش را با آنها تطابق بدهد. بعد از راه اندازی عوارضی ها، او تعداد کارکنانش را از ۵۵ نفر به ۴۰ نفر رسانده است. همچنین هزینه های اضافی او را واداشته که یک انبار تازه در نزدیکی کویمبرا باز کند و تعداد ماشین هایش را هم کم کند.

اومی گوید: «شرکت مادر سال ۲۰۱۴، سی هزار یورو پول عوارضی داده. سعی کردیم در صورت امکان راه های دیگری پیدا کنیم. اگر مجبور بودیم فقط از اتوبانها برویم باید نزدیک ۶۰ هزار یورو می دادیم که غیر قابل تحمل است.»

در سال ۲۰۱۱ میلادی بدهی های پرغال نزدیک به ۱۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بود. امروز این رقم به ۱۳۰ درصد رسیده که بیش از دو برابر حد «بدهی تحمل پذیر» در اتحادیه اروپا است. با این حال یک چیز عوض شده و آن آگاهی بازار است.

یک نگاه ساده به ارقام، به آنتونیو نشان می دهد که بهای سنگینی که کسب و کار او می پردازد کمکی به کاهش بدهی های کشورش نمی کند. با این حال، سرمایه گذاران فکر می کنند که این تلاشها نشان دهنده قاطعیت پرغالی ها در بازپرداخت بدهی هایشان است.



اما پرفسور ریس معتقد است که پر تغال به تلاش بیشتری نیاز دارد. او می گوید که نیاز کنونی، بازبینی قوانین حوزه پولی یورو است. بیشتر اقتصاد دانان هم مانند ریس معتقدند که بهبود و ثبات اقتصادی پر تغال، نیازمند تغییرات ساختاری آشکار در زمینه آموزش، استخدام، بازدهی صنعت، سرمایه گذاری و توزیع درآمدهاست.

● **می خواهیم با مثال پر تغال و یونان شروع کنیم. چطور شد که آنها به وضعیت کنونی رسیدند و چطور می توانند این اوضاع را تغییر بدهند؟** سونی کاپور: اساساً اقتصاد آنها یک اقتصاد در حال توسعه است که در یک جهان اقتصادی توسعه یافته گیر کرده. یعنی آنها اساساً تنها با پول قرضی توانسته بودند با بقیه اروپا همراه شوند اما وقتی بحران از راه رسید، انگار موج پایین رفت و آنها بی که داشتند لخت شنای می کردند معلوم شدند و ناگهان همه فهمیدند که واقعاً نه پر تغال و نه یونان اقتصادهای درست و درمانی ندارند و به توانایی این کشورها در بازپرداخت وامهایشان مشکوک شدند و همین، شب سقوط را تندتر کرد و مثل کارتون‌ها می بینید که یک شخصیت کارتون روی پر تگاه می دود و زیر پایش خالی می شود اما فوراً نمی افتد، بعد ناگهان می فهمد که زیر پایش خالی است و یکدفعه سقوط می کند.

● **این شخصیت کارتون چطور دوباره به بالا بر می گردد؟**

سونی کاپور: راه حل کوتاه مدتی ندارد. یعنی مثلاً پر تغال باید نظام آموزشی اش را ارتقا بدهد. اما این کار وقت می برد. یونان واقعاً هیچ پایه تولیدی درستی ندارد. پولی که به شکل سنتی به این دولتها اجازه سرمایه گذاری می داد ناگهان ته کشید. پس این مسأله برایشان پیش آمد که باید فعلاً با هر چه دارند سر کنند. البته این پاسخ یک کشور نیست، چرا که به این شکل فقط فقیر و فقیرتر می شود، پس مسأله قرض کردن یا نکردن نیست بلکه مسأله، میزان و چگونگی هزینه کردن این وامها است.

● **داستان پیروزی لتونی بر بدهی‌ها**

اقتصاد لتونی در سال ۲۰۰۸ میلادی آفت کرد. بحران این کشور را گرفت و لتونی در سال ۲۰۰۹ درخواست یک برنامه کمک مالی کرد، و در سال ۲۰۱۲ میلادی پس از چند سال سخت، از این برنامه خارج شد. کسب و کارهای کوچکی نظیر یک تولیدی لوازم آرایشی، بعد از دوره سختی، حالا به دنبال توسعه هستند. مدیر این شرکت تولیدی لوازم آرایشی می گوید: «تمرکز روی صادرات و همچنین فراموش نکردن بازار داخلی به ما کمک کرده تا این شرکت را در طول دهه سالی که از شروع کارمان می گذرد و همچنین در طول این بحران حفظ کنیم.»

تمرکز روی صادرات، به لتونی کمک کرده تا به یکی از سریع ترین رشدهای اقتصادی اروپا برسد و نیز باعث شده که ارزش پول این کشور هم سقوط نکند و بتواند در سال ۲۰۱۴ میلادی به حوزه پولی یورو بپیوندد. اقتصاددانان، برای سیاستگذارانی که با مشکلات اقتصادی کشورهای اروپایی درگیر هستند، لتونی را مثال می زنند.

آیا این اکسیر شفا بخش می تواند در کاهش بدهی‌ها به بقیه کشورهای اروپایی هم کمک کند؟ کوچک بودن لتونی و صنایعش باعث می شود شک کنیم که این راه حل‌ها برای دیگران هم کارسازند. این پرسش را هم با سونی کاپور در میان گذاشتیم.

● **آیا داستان لتونی می تواند با توجه به کوچکی این کشور، در اروپا تکرار شود؟**

سونی کاپور: به دلایلی خیر! یکی از آنها همان کوچک بودن اقتصاد این کشور است. دوم اینکه شکوفایی این کشور بسیار تازه است و شمادر آنجا بسیار نسبت به ضرر کردن هم اعطاف پذیرتر هستید، چون می دانید که همه سودتان تنها در ده سال گذشته به دست آمده، یعنی نسبت به اقتصادهای قدیمی اروپا

مثل یونان که شکوفایی اش درازمدت بوده و توقعات هم بیشتر است (متفاوت است).

● **پس آیا نگاهمان به «تحمل پذیری بدهی» تغییر کرده؟**

سونی کاپور: قرض کردن به خودی خود، نه خوب است و نه بد. به شیوه کاربرد پول بستگی دارد. مفهومی که اخیراً رایج شده قرض مخرب در برابر قرض سازنده است. مثلاً قرض کردن برای رفتن به دانشگاهی مثل ام آی تی یا هاروارد خوب است؟ در بیشتر موارد قطعاً بله! این سرمایه گذاری نتیجه مثبت می دهد. برای یک کشور هم همینطور است. آیا وام گرفتن برای سرمایه گذاری روی نظام آموزشی که کارکنان مفید می سازد خوب است؟ آیا سرمایه گذاری روی زیرساختی که سبب جهش اقتصادی می شود خوب است؟ با این حال، گاهی به شکلی متناقض، بیشتر قرض کردن، بهترین راه کم کردن بدهی‌ها یا تقویت توان بازدهی بدهی‌ها است.

● **خطرات این کار را چطور می سنجید؟**

سونی کاپور: اگر برنامه داشته باشید، اگر منابعی را بشناسید که به شما وام بدهند، اگر وام بلندمدت بگیرید (و این امتیاز بزرگی بود که مادر بریتانیا داشتیم) قرض گرفتن سازنده و داشتن یک برنامه پشتیبان برای موارد ضروری، در هدایت کردن بحرانهای احتمالی آینده و اختلالات بازار، بسیار بسیار سازنده است. به جای تمرکز کردن روی قرض کردن و پس دادن که کار کوتاه بینانه‌ای است، می توان بهره‌وری بخش دولتی را افزایش داد، می توان وام گرفت، وام‌های کم بهره، و سرمایه گذاری کرد و آموزش را بهبود بخشید و می توان قابلیت رشد را بالا برد. در زمان کنونی، بهترین رویکرد همین است.

اگر برنامه داشته باشید، اگر منابعی را بشناسید که به شما وام بدهند، اگر وام بلندمدت بگیرید (و این امتیاز بزرگی بود که مادر بریتانیا داشتیم) قرض گرفتن سازنده و داشتن یک برنامه پشتیبان برای موارد ضروری، در هدایت کردن بحرانهای احتمالی آینده و اختلالات بازار، بسیار بسیار سازنده است



کاهش هزینه‌ها در واحد صنعتی؛ بایدها و نبایدها

محمد مهدیزاده

رئیس دفتر تامین مالی و راهنمای سرمایه گذاری
شرکت شهر گهای صنعتی خراسان رضوی

چکیده:

معمولا شرکت‌های تولیدی برای بقای اقتصادی خود همواره در تلاش اند که با کاهش هزینه‌ها، به رغم افزایش قیمت منابع، قیمت فروش محصول خود را کاهش داده یا حداقل ثابت نگه دارند. (که در شرایط اقتصادی متورم به معنی کاهش قیمت می باشد). مدیران به فراخور تجربه شخصی و اوضاع و احوال شرکت، روش‌های مختلفی را در خصوص کاهش هزینه بر می‌گزینند. با توجه به این نکته که یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد تحول و بقای سازمان و رسیدن به هدفها و رسالت‌های مورد نظر، نیروی انسانی موجود در سازمان می باشد، لذا میزان موفقیت مدیر در اجرای برنامه‌های کاهش هزینه به شدت متأثر از جایگاه منابع انسانی سازمان در برنامه‌های مد نظر می باشد.

مقاله حاضر ابتدا به ضرورت نیاز به کاهش هزینه در واحدهای صنعتی می‌پردازد. سپس رویکردهای مدیریت در برخورد با مقوله کاهش هزینه را مطرح و چالش مدیریت منابع انسانی در موضوع کاهش هزینه را بیان می‌کند. در ادامه ضمن توضیح مختصر از چگونگی برنامه ریزی کاهش هزینه، برخی دلایل ناکامی اجرای برنامه‌های کاهش هزینه را ارائه می‌نماید.
واژگان کلیدی: کاهش هزینه - منابع انسانی - رقابت پذیری

و خواسته مشتریان و زیان ده می باشند؟
پاسخ در روش کار این شرکت هانفته است. با اندک بررسی در می‌یابید که بازده بیشتر شرکت‌ها با آنچه مدیران آنها انتظار دارند کاملا متفاوت است. نهایتا در می‌یابید تمام راز در نحوه مدیریت شرکت نهفته است ولی هیچگاه مدیران شرکت‌های مشکل دار این را قبول نکرده اند و نخواهند کرد ولی واقعیت همین است.

● ضرورت نیاز کاهش هزینه‌ها:

شرکت‌ها در یک رقابت نفس گیر و شانه به شانه در جذب و حفظ مشتری شرکت دارند و هر شرکتی که بخواهد از دیگران جلو بیفتد بایستی مزیت‌های رقابتی خود را تقویت کرده و افزایش دهد. بحث رقابت پذیری یکی از مهم ترین دغدغه‌های تجارت و فعالیت در محیط پویا و رقابتی امروز است.

برای رقابت پذیری تعریف متعددی ارائه شده است ولی در تمام آنها دست یابی به جایگاه مناسب در بازار برای محصولات تولیدی مورد توجه قرار گرفته است. جهت ایجاد مزیت رقابتی راهکارهای زیادی همچون نوآوری محصول و خدمات، قیمت فروش پایین، کیفیت بالا و... وجود دارد

● مقدمه:

از هر مدیری پرسیده شود: خواهان چگونه سازمانی می‌باشید؟ دست کم در میان مردم خواهند گفت: می‌خواهم که سازمانم پویا و انعطاف پذیر بوده تا بتواند خود را با شتاب با دیگر گونیهایی بازار همراه کند، هزینه‌هایش آنچنان اندک باشد که بتواند با هر قیمتی که رقبا بر گزینند برابری و ایستادگی نماید، در نوآوری آنچنان پیشرفته باشد که کالاها و خدماتش همواره تازگی داشته باشد و خدمات مشتریان را با بالاترین کیفیت انجام دهد.

بنابراین اگر مدیران خواهان شرکت‌هایی جمع و جور، پویا، انعطاف پذیر، رقابت گرا، نوآور، مشتری گرا و سود آور هستند، چرا بیشتر شرکت‌های موجود متورم، ایستا، تنبل، عقب مانده، ناتوان در نوآوری، بی توجه به نیاز





فعلی کشور ما، فعالیت‌های هزینه‌یابی کایزن (در مراحل ساخت) و ثابت‌نگه‌داشتن هزینه‌بیشترین کاربرد را دارد.

بطور کلی، کاهش هزینه یعنی زندگی بهتر و در راستای انجام آن، دورویکرد وجود دارد: رویکرد سنتی و رویکرد راهبردی (استراتژیک). این دورویکرد کاهش هزینه تفاوتی دارند: رویکرد سنتی، تحت فشار روی میدهد؛ در حالی که رویکرد استراتژیک دائمی است. همچنین، رویکرد استراتژیک بر خورد ریشه‌های و بنیادی با موضوع دارد. در رویکرد سنتی، اهداف عملیاتی شامل دستمزدهای ملموس است؛ ولی رویکرد استراتژیک، به کل زنجیره ارزش ساز میپردازد و به حل مسئله خلاق میاندیشد. رویکرد سنتی، از بالا به پایین و به صورت بخشنامه‌های انجام میشود؛ اما رویکرد استراتژیک، به تیمهای چند منظوره میپردازد. رویکرد سنتی، واکنشی است؛ ولی رویکرد استراتژیک، به فرآیند توجه میکند.

در محث کاهش هزینه دو نوع اقدام قابلیت اجرا دارد: رویکرد مهندسی و رویکرد کارگری (انسانی). در رویکرد مهندسی، برای کاهش هزینه ابتدا اقدامات مهندسی نظیر جایگزینی مواد اولیه ارزانتر و جایگزینی ماشین آلات کم هزینه تر با حفظ راندمان و کیفیت نهایی، تنظیم ساعت کاری جهت بهره‌مندی بیشتر از نور طبیعی و کاهش هزینه مصرف انرژی، حذف کنترل‌های زائد و... صورت می‌گیرد و در صورتیکه اقدام مهندسی یافت نشد کاهش هزینه از طریق رفتار کارگری مد نظر قرار می‌گیرد. مثلاً کاهش هزینه ضایعات با دقت بیشتر کارگر در دستگاه معیوبی که فعلاً امکان تعویض یا نوسازی آن وجود ندارد.

● کاهش هزینه و چالش منابع انسانی:

قرن ۲۱، قرن اقتصاد دانشی است. قبل از اقتصاد دانشی، اقتصاد صنعتی حاکم بوده است. در اقتصاد دانشی، دارایی‌های فکری و بخصوص سرمایه‌های انسانی جزو مهمترین دارایی‌های سازمان محسوب می‌شوند. زیرا منبع خلاقیت به حساب می‌آیند.

سرمایه انسانی ترکیبی تجمعی از دانش عمومی و حرفه‌ای کارکنان و توانایی‌های رهبری و توانایی‌های حل مشکلات و ریسک‌پذیری است. مهم نیست شما چه اندازه برای دارایی‌های فیزیکی تان (ساختمان، ماشین آلات و تجهیزات) سرمایه گذاری کرده اید مهم این است که چگونه از آنها استفاده می‌کنید. همچنین مهم نیست با چه مشکلی مواجه شده اید بلکه مهم این است که چگونه برای حل آن اقدام می‌کنید. (لازم بذکر اینکه موارد فوق به مفهوم عدم توجه به تهیه تجهیزات بروز و مناسب بنگاه تلقی نگردد زیرا ماشین آلات و تجهیزات مناسب زیرساخت‌های تولید خوب به حساب می‌آیند.)



ولی زیربنای تمام آنها قیمت تمام شده پایین می‌باشد. عبارتی شرکت‌ها از جهت سطح کیفیت با یکدیگر رقابت می‌کنند و هر شرکتی که بخواهد از دیگران جلو بیفتد باید از نوآوری‌های فناورانه برخوردار باشد. از آنجا که نوآوری‌های فناورانه نقش کلیدی در این رقابت دارند، شرکت‌ها با مقوله دشوار دیگری تحت عنوان "رقابت هزینه‌ای" روبه‌رو هستند. زیرا باید کیفیت مطلوب مشتری (با استفاده از نوآوری فناورانه) را با قیمت قابل تحمل بازار ارائه دهند.

در حوزه رقابت‌پذیری موثرترین چارچوب استراتژیک معاصر که توسط مایکل پورتر معرفی شده است، دوروش خاص را برای رقابت جهانی معرفی می‌کند:

۱- هزینه پایین - ۲- تمایز محصول

تحقیقات انستیتوی فناوری ماساچوست، یک الگوی جدید تحت عنوان "مدل دلتا" معرفی نموده است که این الگو ۳ گزینه استراتژیک برای رقابت بهتر در عرصه جهانی شرح ذیل ارائه نموده است که در آن نیز موضوع کاهش هزینه یکی از موارد مطرح می‌باشد.

بنابراین با توجه به اینکه سودآوری از اهداف اصلی یک واحد اقتصادی است، حتی در شرایط غیر رقابتی، کاهش هزینه‌ها مطلوب صاحبان بنگاه می‌باشد. (حداکثر شدن سود). ضمن اینکه در شرایط رقابتی، دست‌یابی به پایین‌ترین هزینه ممکن جهت بقا سازمان در بازار، یک اجبار است.

● رویکرد مدیران در مقوله کاهش هزینه:

سه رکن اصلی سیستم‌های مدیریت هزینه (که اکثر پایه‌گذاران شرکت‌های تولیدی ژاپنی می‌باشند) عبارتند از: هزینه‌یابی هدفمند، هزینه‌یابی کایزن و ثابت‌نگه‌داشتن هزینه.

اگر عمر مدل محصول را به دو بخش تقسیم کنیم یعنی مراحل طراحی و توسعه محصول و دیگری مرحله ساخت. هزینه‌یابی هدفمند بر فعالیت‌های کاهش هزینه در راستای مدیریت سود، طی مراحل طراحی و توسعه محصول متمرکز شده و هزینه‌یابی کایزن به فعالیت‌های کاهش هزینه در مرحله ساخت دلالت دارد. ثابت‌نگه‌داشتن هزینه‌بدان معناست که سطح هزینه دوره قبل را برای دوره جدید استاندارد قرار داده و برای حصول اطمینان از عدم افزایش هزینه‌های واقعی از استانداردهای تعیین شده کوشش نماییم.

در شرکت‌های با فناوری بالا و محصولات دوره عمر کوتاه (بدلیل پیشرفت سریع فناوری) بایستی بدنیاال راهکارهای کاهش هزینه در مرحله طراحی و توسعه محصول باشیم (یعنی هزینه‌یابی هدفمند) ولی با توجه به ساختار اکثر صنایع



کارمند باشد. اگر پرسنل آنرا نپذیرند و اعتقادی به آن نداشته باشند، هیچ گونه ضمانت اجرایی نباید برای برنامه‌های ابلاغی متصور بود.

همچنین برنامه‌های کاهش هزینه بایستی به زبان عملیاتی و قابل فهم برای کلیه پرسنل دربیاید. ترجمه برنامه‌های کاهش هزینه به اصطلاحات عملیاتی، مدیریت را واهی دارد تا منظور خود را از جملات کلی و زیبایی که در بیانیه خود نوشته به وضوح و در قالب اصطلاحاتی که برای همه افراد سازمان قابل فهم است، بیان دارد. مثلاً به جای عبارت کلی "کاهش هزینه اضافه کاری" بایستی بگوید "۲۵ درصد کاهش هزینه اضافه کاری نسبت به سال قبل".

موارد فوق در خصوص کلیه برنامه‌های بهبود که کاهش هزینه را می‌توان جزئی از آن دانست در رابطه با نیروی انسانی صادق بوده و این موضوع از تئوری گذشته و حقیقت آن در عمل ثابت شده است. ولی متأسفانه در اکثر سازمانهای ما، مورد غفلت واقع می‌شود. مدیران شرکت‌ها به صورت دستوری و از بالا به پایین، بدون کمترین توجهی به روحیات، تواناییها، خواسته‌ها و حتی جایگاه زیر دستان اقدام به اجرای برنامه‌های خود می‌کنند. کمترین آسیب این نحوه برخورد این است که از تمام منابع در اختیار که برای آنها هزینه پرداخت می‌شود، استفاده مناسبی صورت نمی‌گیرد و نتیجه بدتر اینکه عدم مشارکت افراد در مسائل هیچگونه ضمانت اجرایی را برای برنامه‌ها ایجاد ننموده، بلکه مانعی در برابر موفقیت آن نیز ایجاد می‌نماید.

● برنامه ریزی کاهش هزینه:

از مقایسه بین "آنچه هست" با "آنچه باید باشد" شکاف بین شرایط واقعی و شرایط مطلوب مشخص می‌شود. آنگاه برای از میان برداشتن این فاصله، برنامه‌های عملی تدوین و اجرایی شود.

با توجه به موارد ذیل، اهداف کاهش هزینه باید مشخص گردد:

هدفگذاری برای هزینه تمام شده محصولات، بطوریکه شرکت به یک سطح از هزینه برسد و مجدد برای کاهش از سطح مشخص شده حرکت نماید.

ایجاد و تعریف مجموعه‌ای از گامها با اعمال برنامه زمان بندی برای دوره‌ای معین.

بکارگیری خلاقیت افراد بخش‌های مختلف برای ارائه طرح‌های گوناگون در جهت کاهش بیشتر هزینه‌ها.

بکارگیری روشهایی جهت درگیر نمودن اکثر افراد در مطالعات جدی طرح‌های پیشنهادی گوناگون و انتخاب بهترین آنها.

سپس مقدار کاهش هزینه بین واحدهای مختلف با توجه به شرایط آنها سرشکن می‌گردد. در داخل واحدها برنامه‌های کاهش هزینه، طرح‌ریزی و اجرایی می‌گردد. تقسیم سهم کاهش هزینه تا حدی جزء و ریز می‌گردد تا وظایف کلیه پرسنل مشخص گردد.

برای سرشکن کردن مقادیر هدف در کارخانه (هدف کاهش هزینه) از ۲ روش میتوان استفاده کرد:

استفاده از هزینه‌های قابل کنترل هر واحد نظیر مواد



با توجه به تعریف مسئله با این مضمون که "مسئله عبارت است از تعریفی بین وضعیت موجود و مطلوب"، موضوع کاهش هزینه یک نوع مسئله بین خرج کرد (هزینه) موجود و میزان خرج کرد مورد نظر تعریف می‌گردد. پس اینکه چگونه مسئله را حل کنیم و چه کسانی مسئله را حل کنند، بسیار مهم است.

تاکید در این نوشته بر نحوه مشارکت کلیه کارکنان سازمان در اجرای برنامه‌های کاهش هزینه می‌باشد. هر سیستمی که در سازمان به تصمیم گیری کمک می‌کند باید در کارکنان بخش‌های مختلف انگیزه ایجاد کند تا برای رسیدن به اهداف پیش بینی شده از خلاقیتشان استفاده کنند. ایده‌های کارکنان شرکت را باید به منظور رسیدن به اهداف مشترک به هم نزدیک کرد و نباید این ایده‌ها پراکنده و بی سامان رها شوند.

همراه نمودن کارکنان با دیگر گونیها را نباید آسان شمرد. طبیعت انسان چنین است که تغییرات مربوط به دیگران را تأیید می‌کند ولی هنگامیکه نوبت به خودش برسد، صورت دیگری پیدا می‌کند. کارکنان باید در یابند که از آنها می‌خواهیم تا "هوشمندانه تر" و نه "سخت تر" بکشند. وقتی اولویت‌های مورد نظر را با همکاران در میان گذاشته و توضیح دهیم، اندیشه ما را پذیرفته و با انجام دیگر گونیهای ضروری همراه می‌شوند.

مشارکت در برنامه‌های بهبود سازمان، مختص نخبگان یا افراد سطح بالای سازمان نیست، بلکه باید بطور وسیعی در سطح سازمان گسترش پیدا کند. مشارکت و دخیل شدن در امور، مورد علاقه بیشتر افراد بوده، قابلیت بهبود عملکرد و ارائه راه حل‌های بهتری برای مشارکت را دارا است و پذیرش تصمیمات از جانب افراد مشارکت کننده را بیشتر می‌کند. پویایی گروهی، مقاومت در برابر تغییر را کاهش، تعهد به سازمان را افزایش و سطح فشار روانی را کم می‌کند و بطور کلی افراد نسبت به خود و دنیای پیرامون خود احساسات بهتری ابراز می‌کنند. مشارکت نوعی اکسیر قدرتمند و مورد علاقه افراد است و بطور قابل ملاحظه‌ای عملکرد فردی و سازمانی را بهبود می‌بخشد. لذا کاهش هزینه به عنوان یک تلاش گروهی، خلاقیت‌های فردی و توفان ذهنی را برای رسیدن به بهترین روشها بر می‌انگیزاند.

کاهش هزینه در سازمان یک برنامه مداوم است و بایستی کار هر روز هر



مستقیم، هزینه نیروی کار و هزینه‌های غیر مستقیم استفاده از هزینه‌های واقعی دوره قبل در هر واحد

در نهایت برای هر واحد کاری، برنامه‌های پیشنهادی در سه گروه مرتب می‌شوند:

- گروه A: برنامه‌هایی هستند که بلافاصله قابل اجرا هستند.
 - گروه B: برنامه‌هایی که قبل از اجرا به مطالعات جزئی نیاز دارند نظیر برنامه‌هایی که در سیستم و ساختار آنها باید تغییراتی داده شود.
 - گروه C: برنامه‌هایی که خواستار خروج کامل از وضعیت کنونی و یا تغییرات عمده در تصویر و شکل کلی قبلی محصول است.
- شکل زیر بطور خلاصه، گامهای فرایند کاهش هزینه را نمایش می‌دهد:

● برخی دلایل ناکامی برنامه کاهش هزینه:

بدنبال کارهای بزرگ بودن و نادیده گرفتن اقدامات کوچک (کاپزن روزانه) عدم نگاه استراتژیک به کاهش هزینه: مدیران ناموفق در کاهش هزینه، برای کاهش هزینه منتظر فشار بیرونی هستند. بلکه بایستی همواره برنامه‌های کاهش هزینه مد نظر بوده و برای لحظه لحظه برنامه داشته باشند. لیست مواد، مرور و موری روزانه چک شده و برای کاستن از تعداد آنها تلاش نمایند. بی‌اعتنایی به ارزشها و اعتقادات کارکنان: افراد برای خوب کار کردن و هماهنگی با برنامه‌های سازمان نیاز به انگیزه دارند. مدیران بایستی بهمان اندازه که بدست و عملکرد کارکنان توجه دارند به اندیشه و آنچه در سر ایشان می‌گذرد، نیز توجه کنند. تنها با سخنرانی کردن و بخشنامه دادن کاری درست نمی‌شود. برقراری روشهای تازه مدیریت برای پاداش دهی به ارزشهایی که جانمایه رفتارهای نوین هستند، ضروری است.

زود تسلیم شدن: با اندک مخالفت و غرغر کردن پرسنل و مدیران از برنامه‌ها و صرف نظر کردن و عقب نشینی در مقابل مخالفان.

عدم جامع نگری در برنامه کاهش هزینه و محدود کردن کاهش هزینه به قسمتی از فرایندهای موجود طبق علاقه و سلیقه برخی افراد ذی نفوذ در سازمان.

عدم علاقه و آشنایی مدیران با موضوع کاهش هزینه و مدیریت هزینه‌ها. در مواردی اجرای برنامه‌های کاهش هزینه، منافع مدیران را به خطر می‌اندازد نظیر کاهش درآمدهای ماموریتی‌های غیر ضرور، دریافت پاداش‌های بی حساب و کتاب. در این حالت مدیران از برنامه‌های کاهش هزینه پشتیبانی نمی‌کنند که این از عدم آشنایی آنها به موضوع خطرناکتر است.

عدم انتقال مناسب ایده‌های پرسنل توسط مدیران میانی به کارگروه‌های کاهش هزینه. این مورد ممکن است بدلیل ترس مدیر میانی از قدرت گرفتن زیر دستان و از دست دادن موقعیت شغلی اش باشد یا اینکه بدلیل عدم آشنایی با موضوع مد نظر باشد.

تنگ نظری در تخصیص منابع: تخصیص منابع محدود و ناکافی این دیدگاه را در کارکنان تقویت می‌کند که این برنامه موقت و زود گذر است. مهمترین عناصر این سرمایه گذاری، "وقت" و "توجه" بهترین افراد سازمان است.

پخش تواناییها در میان برنامه‌های بی شمار

تمرکز انحصاری بر عوامل انسانی کاهش هزینه‌ها: کاستن از حقوق، دوره‌های آموزشی، رفاهیات پرسنل و عدم استفاده از روشهای مهندسی.

● کوشش به راضی نگه داشتن همه

عدم انتقال مناسب برنامه‌ها به کارکنان: اگر کارکنان بدرستی برنامه را نفهمند و درک نکنند چگونه می‌توان انتظار داشت به تحقق آن کمک کنند.

عدم همسویی کارکنان با برنامه‌ها: اجرای برنامه بدون کمک مدیران میانی و کارکنان واحدهای مختلف سازمان امکانپذیر نیست. همه کارکنان باید منافع مادی و سرنویشت کاری خود را در گرو تحقق برنامه ببینند. اگر کارکنان درک

کنند منفعتی از اجرای برنامه نصیب آنها نمی‌شود، قطعا انگیزه کافی برای حمایت و اجرای برنامه نخواهند داشت. طراحی و اجرای نظام جبران خدمت متصل به معیارهای ارزیابی برنامه می‌تواند ساز و کار مناسب جهت ایجاد همسویی بیشتر کارکنان با برنامه‌ها را فراهم کند.

عدم تعهد مدیریت ارشد: مدیر ارشد با برگزاری جلسات منظم با نگرانی برنامه‌ها و مشاهده دستاوردها و انحرافات تعهد و پایبندی خود را نشان می‌دهد.

عدم اندازه گیری دقیق هزینه‌ها و تعیین سهم هر نوع هزینه در کل هزینه‌ها.

انتخاب نادرست هزینه‌هایی که باید کاهش داده شود. کاستن از هزینه‌هایی که تبعات منفی آنها در دراز مدت هزینه‌های بسیار سنگین تری برای شرکت دارد. مثلا تعدیل نیروهای متخصصی که خروج آنها از شرکت باعث ورود آنها به شرکت رقیب و لورفتن دانش فنی شرکت خواهد شد.

● نتیجه گیری و جمع بندی:

با توجه به توضیحاتی که تاکنون ارائه گردید، مبرهن است که سازمان‌ها جهت بقا در شرایط متلاطم فعلی، نیاز جدی به اقدامات منجر به بهبود و ایجاد مدیریت رقابتی دارند. در کلیه رویکردهای مبتنی بر رقابت، برنامه‌های کاهش هزینه جایگاه ویژه‌ای دارد. و از طرفی نقش نیروی انسانی (سرمایه‌های انسانی) در موفقیت سازمان بر کسی پوشیده نیست. لذا با توجه به این تعریف از سرمایه انسانی که «به صورت توانایی جمعی یک سازمان برای استخراج بهترین راه حل‌ها از دانش افراد آن» تعریف می‌گردد، استفاده حداکثری از توان افراد در سازمان بایستی مد نظر قرار بگیرد.

موضوع کاهش هزینه بایستی بعنوان یک مساله در نظر گرفته شده، فرایند حل مساله برای آن طی شود و با ایجاد تیم‌های حل مساله، بهترین راه حل شناسایی و به بهترین شکل، اجرا گردد. مدیر ارشد بایستی سیستمی را انتخاب و پیاده نماید تا مطمئن گردد، ایده‌ها و پیشنهادات کلیه پرسنل اخذ شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

کاهش هزینه به مثابه تیغ دولبه است که همانقدر که اجرای صحیح آن باعث بهبود در شرکت می‌گردد، اجرای ناصحیح آن برای شرکت خطرناک است.

در پایان توجه داشته باشیم که کاهش هزینه تولید معمولاً از دو طریق افزایش سطح بهره‌وری و استفاده از منابع ارزان موجود در کشور محقق می‌شود ولی در واقع شرکت‌هایی که از طریق پایین بودن هزینه مواد اولیه رقابت پذیر شده‌اند در مقابل روشهای تولید کم هزینه تر (کارایی بالاتر) و با تکنولوژی پیشرفته تر دچار مشکل شده‌اند که نمونه آنرا در سالهای اخیر در کشور بعد از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و افزایش تحریم‌ها شاهد بودیم.



نگاهی بر فضای کسب و کار در دوران پسا تحریم

عبدالله یزدانبخش - مدیر ارشد شرکت پارت لاستیک

به طور طبیعی یکی از تحولات بعد از توافق هسته‌ای، توجه سرمایه‌گذاران خارجی به فضای داخلی کشور ماست. طی دو سالی که از روی کار آمدن دولت یازدهم سپردی شده، همواره در خصوص این مسائل صحبت شده و بعد از تفاهم لوزان بحث‌ها برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر و با توافق نهایی هم جدی تر شده است. اما بررسی فضای کسب و کار کشور نشان می‌دهد تقاضاهای سرمایه‌گذاران خارجی مانند گذشته در ابتدا بیشتر به حوزه‌های نفت و گاز سوق پیدا خواهد کرد، یعنی همان بخش‌هایی که در آنها به صورت سنتی قوی هستیم اما حوزه‌هایی مثل خودروسازی، مخابرات، امور بانکی و بیمه‌ای مواردی است که سرمایه‌گذاران خارجی به جهت بازار بزرگ و هشتاد میلیونی ایران، علاقه دارند به آنها وارد شوند. ایران به بازار کشورهای همسایه نیز دسترسی راحت و مناسبی دارد و سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مند هستند از طریق حضور در این بازار به آن بازارها هم دسترسی راحتی پیدا کنند. بنابراین انگیزه‌های اصلی سرمایه‌گذار خارجی دو چیز است: دسترسی به منابع ارزان مثل نفت و گاز و دسترسی به بازارهای بزرگی برای بعضی محصولات مثل خودرو. باشد تا پیشرفت اقتصادی حاصل شود. باید حوزه‌هایی از اقتصاد را اولویت قرار داد که کشورهای سرمایه‌گذار بتوانند در آن بخش برای ما مزیت نسبی داشته باشند، بخش نفت و گاز با توجه به پتانسیل اقتصادی بالا و بخش‌های پایین دستی آن همچون پتروشیمی و پالایشگاه و از طرفی فلزات، بخش خودروسازی و بازار مالی یعنی مشارکت در بورس از جمله این موارد است که بدین ترتیب هم ارزش افزوده و هم میزان اشتغال‌زایی ملموسی را برای ما به دنبال خواهد داشت.

در حیطه داخلی نیز بخش خصوصی تنها راهگشا در حل برخی مسایل اقتصادی و توسعه اقتصادی است ولی تا زمانی که بهبودی در فضای کسب و کار و شاخص‌های آن حاصل و فضای فعالیت برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان فراهم نشود، بخش خصوصی یک شعار بیش نخواهد بود. لذا با سرمایه‌گذاری در بخش‌های پایین دستی پروژه‌های نفت، گاز، فولاد، مس، خودرو، قطعه‌سازی و صنایع High Tech و نانو همزمان که ارزش افزوده و اشتغال‌زایی میسر می‌شود، راه نیز برای رسیدن به شرایط مساوی در دنیای امروز تکنولوژی می‌شود. لازم به ذکر است که اولویت در عمق دادن به بازارها و سیستم‌های تأمین مالی از سوی دولت است؛ مشخصاً اگر بانک، بورس و در وهله سوم بیمه، بتوانند به درستی پس‌اندازها و تأمین منابع مالی برای بخش خصوصی داشته باشند عملارونق بخش خصوصی را شاهد خواهیم بود و لازمه خروج از رکود بعد از توافق، ایجاد فضای مناسب برای اجرای سیاست پولی انبساطی با توجه به میزان نقدینگی و کنترل تورم، بهبود بهره‌وری، توسعه دانش و تکنولوژی است که نیازمند صرف زمان مشخصی می‌باشد.



سرمایه‌گذار خارجی دو چیز است: دسترسی به منابع ارزان مثل نفت و گاز و دسترسی به بازارهای بزرگی برای بعضی محصولات مثل خودرو. باشد تا پیشرفت اقتصادی حاصل شود. باید حوزه‌هایی از اقتصاد را اولویت قرار داد که کشورهای سرمایه‌گذار بتوانند در آن بخش برای ما مزیت نسبی داشته باشند، بخش نفت و گاز با توجه به پتانسیل اقتصادی بالا و بخش‌های پایین دستی آن همچون پتروشیمی و پالایشگاه و از طرفی فلزات، بخش خودروسازی و بازار مالی یعنی مشارکت در بورس از جمله این موارد است که بدین ترتیب هم ارزش افزوده و هم میزان اشتغال‌زایی ملموسی را برای ما به دنبال خواهد داشت

سپیدبال

شرکت خدمات بار هوایی

nikandam.com

AM
9:00



تحويل کالا و بسته قبل از ۹:۰۰ صبح در تهران

دفتر مرکزی: ۳۸۴۶ ۱۰۰۱ دفتر شهرک: ۳۵۴۱ ۰۱۱۵

www.sepidbal.com



چرم مشهد

Mashad Leather

چرم ایرانی، برند ایرانی

www.mashadleather.com

۷۰ شعبه زنجیره‌ای

در ۳۰ استان کشور

☎ دفتر تهران : ۰۲۱-۲۲۰۱۲۶۰۳

☎ دفتر مشهد : ۰۵۱-۳۸۴۷۵۸۸۰

☎ کارخانه : ۰۵۱-۳۲۵۵۲۲۲۲

info@mashadleather.com